



سیمای عرب در آینه سفرنامه
(بررسی اختصاصی سفرنامه ناصر خسرو)

THE PORTRAIT OF ARAB, IN THE TRAVELOGUE OF NASIR KHOSROW
AN ANALYTICAL STUDY OF NASIR KHOSROW'S TRAVELOGUE

استاد راهنما:

سید جواد همدانی

اسم دانشجو:

احمد محمد

Registration# 8-FLL/MSPER/F16

تحقیق کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه بین المللی اسلامی اسلام آباد



Accession No. TH23057

MS
915.6044.
الحس

فارسی ادب - سفرنامہ

ناصر خسرو - تفسیریا . 1088 - 1004

مشرق وسطی - سفرنامہ

سپاس گذاری

خداوند را سپاس می گویم که به من فرصت داد تا عمر خود را در راه علم و دانش سپری کنم، و همواره استادانی دلسوز و فرزانه بر سر راهم قرار داد تا در این راه دراز و بی پایان علم جویی، راهنمای راهم و تسکین آتش سیری ناپذیرم باشند. به امید آنکه به یاد خورشید تابان راهم، شمع کوچکی بر سر راه تشنگان دیگر باشم.

با سپاس از

راهنمای خردمند، مشوق راه علم

استاد/اساتید ارجمند، جناب/ آقا: دکتر سید جواد همدانی

جناب آقا/ استاد حسن بندری

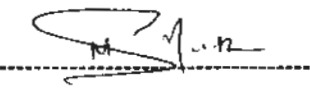
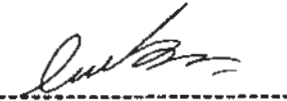
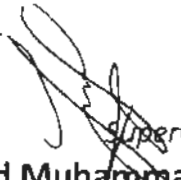
ACCEPTANCE BY THE VIVA VOCE COMMITTEE

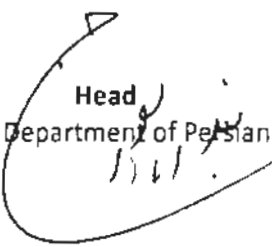
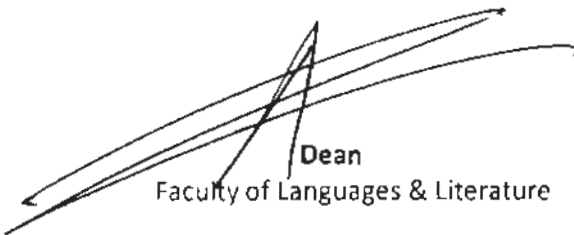
Name of Student: **Ahmad Mohammed Amin**

Title of the Thesis: سیمای عرب در آینه سفر نامه (بررسی اختصاصی سفر نامه ناصر خسرو)

Registration No: **08-FLL/MSPER/F16**

Acceptance by the Department of Persian Faculty of Languages & Literature,
International Islamic University, Islamabad, in partial fulfillment for the Master of
Philosophy degree in Persian

<u>VIVA VOCE COMMITTEE</u>	
 External Examiner: Dr. Muhammad Safeer Chairman, Dept. of Persian <u>NUML, Islamabad</u>	 Internal Examiner: Dr. Abdul Mujeeb Assistant Professor <u>Faculty of Arabic, IIUI.</u>
 Supervisor: Dr. Syed Muhammad Jawad Hamdani	

 Head Department of Persian <u>IIUI.</u>	 Dean Faculty of Languages & Literature

فهرست مطالب

فصل اول

مقدمه	۲
بیان مسئله	۸
اهمیت تحقیق	۱۰
پیشینه پژوهش	۱۲
روش تحقیق	۱۹

فصل دوم

احوال و زندگی ناصر خسرو	۲۲
• سلسله فرقه اسماعیلیه	۲۵
• ناصر خسرو و اسماعیلیان	۲۷

- بازگشت حکیم ناصر خسرو از سفرش ۳۰
- شرح آثار ناصر خسرو ۳۰
- افکار ناصر خسرو ۴۵

فصل سوم

- سفرنامه و اهمیت آن ۵۵
- اسباب و انگیزه سفر ناصر خسرو ۵۸
- زبان سفرنامه ناصر خسرو ۶۱
- سبک نثر سفرنامه ۸۱

فصل چهارم

۱. صفت نیک خلفای عباسیان ۸۷
۲. وصف اماکن مقدس در بلاد عرب ۱۰۳

۳. فرهنگ، رسم و عادات مردم عرب..... ۱۲۳

۴. عقاید مردم عرب..... ۱۳۱

اوضاع سیاسی..... ۱۳۵

اوضاع اقتصادی..... ۱۳۷

اوضاع فرهنگی و ادبی..... ۱۳۹

اوضاع دینی..... ۱۴۱

نتیجه گیری..... ۱۴۳

فهرست منابع..... ۱۴۸

فصل اول

۲ مقدمه

۸ بیان مسئله

۱۰ اهمیت تحقیق

۱۲ پیشینه پژوهش

۱۹ روش تحقیق

مقدمه

سفرنامه آینه است که نویسنده در قالب مشاهدات خود اوضاع و احوال سرزمین ها و شهر های را که به آن ها سفر کرده است شرح می دهد، سفرنامه نامه بیان احوال و آداب، عادات رسوم و عقاید ملت ها است.^۱

از جمله این سفرنامه ها، سفرنامه ناصر خسرو است که یک سند گویای بسیاری از جوامع اسلامی شرقی در قرن پنجم ق است. ناصر خسرو قبادیانی^۲ در ذی القعدة ی سال ۳۹۴ ق در قبادیان^۳ بلخ چشم به جهان گشود. نام کامل او ابو معین ناصر بن خسرو بن حارث قبادیانی از جمله شاعران و نویسندگان توانای سرزمین فارس است که نظر به اشارت خودش از خاندان محتشمی بوده و از کودکی به آموختن علم و دانش پرداخته است. ناصر خسرو از آغاز جوانی به دستگاه دولتی راه پیدا کرد و مقام دبیری داشت و پس از تسلط بلخ به دست سلاجقه در سال ۴۳۲ هـ به مرو رفت و سپس

^۱ منوچهر دانش پژوه (۱۳۸۰) سفرنامه تا پخته شود خامی، تهران: نشر ثالث، صص ۱۶

^۲ منسوب است به قبادیان که از نواحی بلخ و در ساحل یکی از شعب رود جیحون واقع بوده و امروزه دهی است

در شمال شرقی بلخ نزدیک ترمذ (سفرنامه ناصر خسرو صص ۲۷۰)

^۳ شهر مهم مرکز ناحیه بلخ، باکتريا و بر رود بلخ که اکنون بی آب است واقع و پیش از اسلام یکی از مراکز مهم دین بودایی بود امروز جز کشور افغانستان است. سفرنامه ناصر خسرو صص ۲۱۶

با دگرگونی روحی که در او به وجود آمد راه کعبه را در پیش گرفت. چهار بار به حج رفت و ۳ سال در خدمت خلیفای عباسی المعتصم بالله بود و در آخر با لقب حجت به خراسان آمد و در سال ۴۸۱ هـ در سن ۸۷ سالگی وفات کرد. سفرنامه ناصر خسرو گزارش هفت ساله اوست که به نثر ساده نوشته شده و پر از معلومات جغرافیایی، تاریخی و آداب مردمی است که او در مسیر راه خود دیده است.^۱

سفرنامه ناصر خسرو گزارشی بی روح نیست وصف ها جذاب و زنده است طوری که خواننده می تواند آن را در برابر چشم خود مجسم کند.^۲ در حقیقت سفرنامه گزارش سفر های او به جا های متفاوت در چند سال عمرش است که شهرت جهانی دارد زیرا او مطالبی در آن آورده که اهمیت علمی و تاریخی بسیار دارد که در باره مدینه و مکه صفت ها و توصیف های قابل توجه دارد.^۳

این جهان گرد ضمن سفر اش به کشور های متفاوت، شرح صادقانه جذاب و دقیق از نوع زندگی مردم، اماکن مذهبی، وضع شهرها و وضعیت اقتصادی، راه و رسم مردم، خوراک پوشاک و عقاید و باورها، اوضاع سیاسی، ادبی، فرهنگی و دینی را به دست ما می دهد که تمام این امور را با زبان ساده و استفاده از واژه ها و اصطلاحات رایج آن زمان به شکل گیرا به وسیله سفرنامه اش در اختیار

^۱ ذبیح الله صفا (۱۳۷۱) تاریخ و ادبیات ایران، صص ۲۴۳ - ۲۴۷

^۲ غلام حسین یوسفی (۱۳۷۰) دیداری با اهل قلم، ج ۳، تهران انتشارات علمی تهران، صص ۸۴

^۳ آباذر نصر اصفهانی (۱۳۹۲خ) سفرنامه ها و خاطرات حج ایرانیان، کتابشناسی موضوعی فهرست واره، صص

خواننده قرار می دهد، بنا بر این سفرنامه ناصر خسرو گزارش از جوامع کشورهای مختلف اسلامی در سده پنجم است چرا که در ادبیات تطبیقی بررسی فرهنگ عامه مردم و تصویر آن از نگاه دیگران یکی از محورهای با اهمیت شناخت ملت ها با یکدیگر است.

این پژوهش به بررسی سفرنامه ناصر خسرو از نقطه نظر ادبیات تطبیقی می پردازد که به بررسی سفرنامه و تصویر یک کشور از دیدگاه ادبیات کشور دیگر است اهتمام می ورزد. این اثر بارها مورد توجه پژوهش گران از زوایای مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفته است ولی تا اکنون از دیدگاه ادبیات تطبیقی که رویکرد نو در بررسی سفرنامه به شمار می آید به آن پرداخته نشده است، فلذا پژوهش حاضر بر آن است که برای نخستین بار از منظر ادبیات تطبیقی به این سفرنامه نظر اندازیم اما پیش از این نخست تعریف اجمالی از ادبیات تطبیقی را می آورم و بعد از آن ارتباط آن را با ادبیات سفرنامه بی ذکر می کنم.

ارتباط ادبیات تطبیقی با سفرنامه ها

ادبیات تطبیقی یکی از شاخه مهمی علوم انسانی است که بعد از مدرنزم در قرن ۱۸ م مطابق ضرورت های زمان و با مقصد وسیع ساختن دایره ادبیات، آشنایی با ادبیات تمام ملل جهان، وسعت بخشیدن تفاهم و دوستی میان ملت ها و بهم نزدیک کردن عقاید کشورهای متفاوت در آخر دهه

سوم قرن ۱۹م در فرانسه ظهور کرد. و در آخر قرن ۱۹م به شکل یک علم در آمد که وظیفه مهمی در ظاهر ساختن پیوند های فکری و فرهنگی ملت ها و تقویت و استحکام مبانی آن دارد.^۱

چگونگی نگرش ناقدان ادبی و مورخان ادبیات به این شعبه نو از ادبیات و اختلاف دیدگاه های ایشان در باره حد و اندازه آن و نیز ارزش دادن به بخش های از آن و کم توجهی نسبت به بخش های دیگر سبب به وجود آمدن نظریه ها، تعاریف و مکاتب متفاوت شده است که در راس آن ها دو مکتب امریکایی و فرانسوی قرار دارد که از میان این دو، مکتب فرانسوی است که به مسایل مانند تاثیر یک نویسنده در ادبیات دیگر ملل ادبیات جهان گردی و سفرنامه ها به شکل عمومی موضوع یک کشور در قبال ادبیات کشور دیگر اهمیت پیدا کرده است.^۲ طوری که داوری ملت ها در مورد یک دیگر مختلف است و هر کدام نسبت به دیگری نظر خاص دارد که بازتاب آن را در ادبیات آن ملت می آیم چرا که ادبیات جلوه گاه نوع روابط یک ملت با دیگر ملل و نظرش نسبت به آن ها است، فلذا پژوهش در باره سفرنامه به مقصود آگاهی از عقاید و نگرش ملت ها نسبت به یک دیگر، امری است حتمی و ضروری زیرا صورتی که جهان گردان از ملت ها رسم می کنند صحیح یا نا

^۱ خلیل پروینی و فرشته کنجوریان (۱۳۸۸) بررسی سفرنامه ابن بطوطه از منظر ادبیات تطبیقی، کرمان: نشریه ادبیات تطبیقی دانشگاه ادبیات و علوم انسانی کرمان، ص ۷۷

^۲ محمد غنیمی حلال (۲۰۰۱م) الادب المقارن، نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزيع، القاهرة، صص ۱۳۲

درست همان تصویری است که در نمایش نامه ها و در داستان ها در افکار متفکران و سیاست مداران وجود دارد.^۱

از آن جا که سفرنامه ها منابع با اهمیت هستند که معلومات با ارزش در باره فرهنگ متفاوت عمومی ملت ها در اختیار پژوهنده قرار می دهد، با تکیه بر روش های پژوهش در ادبیات تطبیقی می توان از آن ها در تشخیص هر چه خوب تر و بیش تر یک ملت بهره جست و تا اندازه بسیار می تواند زوایای تاریک مهم زندگی اجتماعی، فرهنگی سیاسی و اقتصادی پیشینیان را برای ما واضح کند و آینه ای فرا روی ما قرار دهد که در آن تصویر ماقبل خویش و تمام جوامع را به شکل شفاف ببینیم،^۲ در سال های آخر سفرنامه ها از جمله منابع هستند که مورد توجه خاص قرار گرفته است و ارزش و اهمیت سفرنامه ها در آن است که نویسنده آن چه را در زمان خود شنیده و یا دیده است به رشته تحریر در آورده است.^۳ در ادبیات اسلامی سفرنامه مقام و جایگاه با ارزش دارد و از جهانگردان سرزمین های اسلامی گزارش های قابل توجه به جا مانده که اهمیت تاریخی پیدا کرده است که اسم

^۱ همان صص ۱۱۱، ۱۳۲

^۲ فاطمه خان محمدی و الناز عالی (۱۳۹۳) مطالعات ادبیات تطبیقی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، ص ۸ ش ۳۲،

صص مقدمه، ۹۹-۱۰۰

^۳ عباس سرفرازی، انعکاس نام خلیج فارس در سفرنامه اروپاییان، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، مجموعه مقالات یازدهمین همایش ملی علمی فرهنگی خلیج فارس، ص مقدمه

این جهان گردان و آثار شان در جدول کتاب خانه های با اعتبار جهان ثبت است.^۱ این پژوهش به تحلیل و بیان ویژگی بررسی سفرنامه ناصر خسرو و تطبیق این اثر از دیدگاه ادبیات تطبیقی پرداخته می شود که به بررسی سفرنامه و تصویر یک کشور از دیدگاه ادبیات کشور دیگر اهتمام می ورزد. پژوهش حاضر به صورت کیفی و کتابخانه ای صورت می گیرد با استفاده از منابع کتابخانه ای و اطلاعات اینترنتی از جمله مجلات، روزنامه ها، هفته نامه، ماه نامه، مقاله های ادبی پژوهشی در رابطه به این تحقیق استفاده به عمل می آید.

این پایان نامه به چهار فصل تقسیم می شود.

فصل اول: مقدمه، بیان مسئله، اهمیت تحقیق، پیشینه پژوهش و روش تحقیق پرداخته شده است.

فصل دوم: احوال و زندگی ناصر خسرو، شرح آثار ناصر خسرو، افکار ناصر خسرو.

فصل سوم: - اهمیت سفرنامه در ضمن به زبان سفرنامه ناصر خسرو سبک نثر ناصر خسرو پرداخته شده است.

فصل چهارم: جاهای که ناصر خسرو زیارت کرده به اوضاع سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، ادبی و دینی عرب پرداخته شده و در آخر نتیجه گیری و منابع ذکر گردیده است.

^۱ احمد سمعی گیلانی (۱۳۸۰ خ) نگارش ویرایش، تهران: سمت، ص ۱۸

بیان مسئله

سفرنامه ها از جمله سودمندترین و پربارترین آثار در حوزه فرهنگ و ادب هستند. از جمله سفرنامه ای ناصر خسرو یکی از بهترین سفرنامه های اسلامی است. این سفرنامه گویا آداب و آئین ، وضعیت اقتصادی ، ادبی ، اجتماعی و سیاسی سرزمین های گوناگون بویژه سرزمین های اسلامی است. می خواهم با بررسی سفرنامه ناصر خسرو علاقه ناصر خسرو را به سرزمین های مختلف عرب در یافته شوق و انگیزه ناصرخسرو را مطالعه نموده نگرش او را به سرزمین های عربی مختلف دریابم. در این پژوهش کوشش بر آن است چهره عرب را در سفرنامه ناصر خسرو دریافته دیدگاه اش را مطالعه و بررسی کنم. ناصر خسرو از سرزمین های مختلف عربی که آنجا مسافرت کرده و در سفرنامه خود ذکر کرده جنبه های مختلف آن را دریافته و به چه مسایل مختلف از جمله مسایل فرهنگی ، اجتماعی و اقتصادی، شرح موضوعات ، توضیحات ، توصیفات ، مشاهدات ، تجربیات رخدادها ، دید و شنید ها پرداخته آنها را مطالعه تحلیل و بررسی کنم. می خواهم به وسیله انجام این پژوهش نگرش ناصر خسرو را نسبت به تصویری که از کشور های عربی داشته دریابم. همچنین این

مسئله را می‌خواهم دریابم که آیا ناصر خسرو در سفرنامه اش از سرزمین عرب توصیفِ تحسین آمیز داشته یا نه؟

اینکه ناصر خسرو در سفرنامه خود از جاهای مختلف عرب یاد کرده، نحو نگرش، عقاید و احساسات ناصر خسرو را در مورد عرب به بررسی قرار می‌دهم.

که بلافاصله باعث پیوند فرهنگی سرزمین‌ها و اقوام مختلف شده آنها را باهم بیشتر آشنا می‌سازد، که این چنین آشنایی با ادبیات و فرهنگ ملل مختلف باعث گسترش دوستی بین ملت‌ها و به هم نزدیک کردن دیدگاه‌های کشورهای مختلف می‌شود که نقش مهم در آشکار ساختن پیوند‌های فکری و فرهنگی ملت‌ها دارد و همچنان ما را به ادبیات ملل مختلف آشنا ساخته وسیله‌ای برای درک روابط متقابل ملت‌ها می‌شود که بدون انجام پژوهش در باره سفرنامه ناصر خسرو نمی‌توان جواب این پرسش را داد. از همین لحاظ انجام چنین پژوهش به وجود آمد. از همین راستا بررسی سفرنامه ناصر خسرو در باره جغرافیا و سرزمین مختلف اهمیت می‌یابد، تا به حل این مسایل در این پژوهش پرداخته شود.

اهمیت تحقیق:

از راه بررسی و مطالعه سفرنامه ها است که هر قومی می تواند یک دیگر را خوبتر و بهتر بشناسد. این پژوهش باعث معرفی و شناساندن جوامع مختلف و نحو نگرش یک ملت نسبت به ملت دیگری است که در شناخت بهتر یک ملت دیگر مارا کمک می کند و گاه به حسن تفاهم و بهبود روابط یکدیگر می شود. همچنان با بررسی این پژوهش می توانیم این امکان را به مردم هر کشور بدهیم که جایگاه خود را از دیدگاه دیگران مشاهده کنند، و دریابند که مردم های دیگر ملل و کشور های دیگر در باره آنها و کشور شان چگونه داوری می کنند همچنین می تواند به تأثیر سنت های نظام ها، تاریخ و مناظر زیبای سرزمین خود از رهگذر ادبیات دیگری آگاه گردند و به این طریق قادر خواهند بود که خود را بهتر بشناسند و اساس چگونگی ارتباط خود را با دیگران ارزیابی کنند که این ارزیابی و بررسی به ملت های دیگر این فرصت را می دهد تا چهره خود را در ادبیات دیگران ببینند و بر مقام و منزلت خود در میان ملت های دیگر آگاه گردند. همچنین انجام دادن این تحقیق باعث پیوند بیشتر فرهنگی میان اقوام و سرزمین های مختلف می شود که آن ها یک دیگر را بیش تر از قبل بشناسند که باعث گسترش دوستی و نزدیکی میان کشور ها می شود و زمینه تفاهم و همکاری واقعی میان ملت ها را فراهم می سازد. تصویر و توصیفی که ناصر خسرو از بلاد و سرزمین عرب در سفرنامه

خود ارایه داده است بیش از دیگر امور برجستگی دارد که آگاهی و اطلاعات فراوانی در باره آداب ، عادات رسوم و عقاید طرز لباس خوراک و پوشاک سرزمین عرب است که در اختیار خوانندگان گذاشته که باعث آشنایی بیشتر سرزمین عرب می شود که به عنوان منبع با اهمیت به شمار میرود و باعث آشنایی بیش تر پژوهش گران دانشمندان و علاقه مندان ادب می شود و به اهمیت سفرنامه اش افزوده است و باعث می شود که محققان پژوهش گران و ادب نویسان بیش از پیش در باره سفرنامه اش به پژوهش و تحقیق بپردازند همچنین سفرنامه ناصر خسرو از لحاظ جغرافیایی و آشنایی به اوضاع و احوال جامعه ها و مراکز مهم تمدن اسلامی در روزگار ناصر خسرو اطلاعات بس ارزنده به وسیله سفرنامه اش به دست ما می دهد که به اهمیت سفرنامه اش افزوده است و به ما این موقع را فراهم ساخته تا بیش تر در سفرنامه اش به تحقیق و جستجو بپردازیم که به اهمیت و ارزش سفرنامه افزوده است. همچنین آگاهی زیادی در باره اماکن مذهبی، طرز معیشت مردم، رفاه اقتصادی و محصولات کشاورزی متنوع سرزمین عرب اطلاعات قابل ملاحظه به دسترس پژوهش گران و خوانندگان ادب قرار داده است که خواندنی است و یکی دیگر از اهمیت سفرنامه اش به شمار می رود و به ارزش سفرنامه اش افزوده است خلاصه با انجام تحقیق و پژوهش در سفرنامه ناصر خسرو باعث علاقه و ذوق بیش تر مردم به سرزمین عرب می شود و مردم میتواند بیش تر از قبل به آن جا

سفر نمایند که به ارزش سفرنامه افزوده و باعث می شود پژوهش گران در در این رابطه جستجو و پژوهش نمایند که باعث دوستی و نزدیکی ملت ها می شود.

پیشینه پژوهش

از جمله تحقیقاتی که نزدیکی به پژوهش من دارد و قبلاً صورت گرفته است عبارت اند:

۱. (بررسی و تحلیل اجتماعی سفرنامه ناصر خسرو)

تحقیق کارشناسی ارشد است که به ابعاد اجتماعی سفرنامه ناصر خسرو دیده شده است. که پیش از رسمیت پیدا کردن علم جدیدی تحت عنوان جامعه شناسی توسط آگوست کنت فرانسوی، مباحث اجتماعی میان متفکران و اندیشمندان به اشکال متعدد مورد توجه بوده و یکی از منابع تاریخ تفکرات اجتماعی متون و آثار سفرنامه نویسان بوده است و این سفرنامه ها تا زمان کنونی نیز به عنوان مهمترین منابع مطالعه اوضاع و احوال اجتماعی سیاسی اقتصادی و فرهنگی جوامع گذشته به شمار می روند. آنچه اهمیت سفرنامه نویسان مسلمان در مجموعه مباحث اجتماعی را نشان می دهد آن است که مسلمانان سیاح نخستین پایه گزاران علم مردم شناسی و سیر و سیاحت بوده اند و دانشمندان عربی قرون پس از آنها متوجه اهمیت جمع آوری اطلاعات از طریق سیر و سفر شده اند همان گونه که عمده تحقیق دانشمندان غربی در قرون وسطی در «سفرنامه» مارکوپولو مشاهده می شود. توجه

دانشمندانی چون ابو ریحان بیرونی، ناصر خسرو، ابن بطوطه که باعث ایجاد زمینه‌های پیدایش علم نوینی تحت عنوان مردم‌شناسی (علم مطالعه فرهنگ) گردید و افزون بر آن در مطالعات جامعه‌شناسی نیز به عنوان اطلاعات مفیدی از پژوهشهای آنها یاد می‌شود. تحقیق ناصر خسرو بیانگر آن است که پژوهشگر در انجام تحقیق خود به ابعاد گوناگون و مختلف موضوع تحقیق عنایت داشته اگر چه حجم سفرنامه کم بوده ولی محتویات آن گویای مباحث متعدد و متنوع است.

مقاله تحقیقی دیگر به نام

۲. (مطالعه تطبیقی سفرنامه ناصر خسرو و سفرنامه نزاری قهستانی)

که به وسیله محبوبه مباشری دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهرا نوشته شده است. در این پژوهش سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی و سفرنامه منظوم نزاری قهستانی مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است. از آنجا که ناصر خسرو نویسنده قرن پنجم و پیرو مذهب اسماعلیه است و نزاری قهستانی شاعر قرن هفتم، هم پیرو مذهب اسماعلیه بوده است.

تطبیق و مقایسه این دو سفرنامه در فاصله زمانی دو قرن نوشته شده است. وجوه اشتراک در بعضی موارد از جمله اعتقادات و تفاوت دیدگاه‌ها در بعضی موارد را به خوبی نشان داده است. باوجود مشابهت‌ها میان نزاری قهستانی و ناصر خسرو تفاوت‌های چشمگیری میان این سفرنامه‌ها

دیده می شود که ناشی از خلق و خوی ، استعدادها و نیز اوضاع و احوال و مقتضیات سفر این دو شاعر است.

ناصر خسرو در سفر خود از ذکر هر نوع مباحث تعلیمی اجتناب ورزیده و به وصف عینی، طبیعی اجتماع مکان ها فقط بسنده کرده است در حالی که نظاری قهستانی بیشتر به تبلیغ و تعلیم عقاید و اندیشه های اخلاقی و دینی پرداخته است. ولی از سیمای عرب در سفرنامه شان ذکر نکرده است که این خلاء را من می خواهم به وسیله این تحقیق پر کنم.

مقاله پژوهشی دیگر به نام

۳. (بررسی تطبیقی جغرافیای صبح در سفرنامه ناصر خسرو و ابن بطوطه)

این پژوهش به وسیله رضا صادقی دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه ادبیات و علوم انسانی و مطالعات فرهنگی انجام شده است.

در این پژوهش توصیف و شرح فریضه حج است و هدف اصلی این دو جهانگرد مسلمان از مسافرت های چندین ساله شان بوده است.

موضوع اصلی این پژوهش، بررسی تطبیقی جغرافیای حج در این دو سفرنامه ، بر اساس ادبیات شاخه امریکایی است. گزارش از موسم حج ، تعداد دفعات حج و مسیرهای سفر حج و همچنین اختلافاتی چون دوگانگی های ساختاری، اعتقادی و توصیفات حج است.

مقاله پژوهشی دیگر به نام

۴. (وصف مصر در کتاب سفرنامه ناصر خسرو)

که این مقاله تحقیقی به وسیله احمد السید محمد احمد ابو الجود، مدرس در رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان ها و ترجمه: دانشگاه الازهر در مصر، نوشته شده است.

در این پژوهش، مواردی که بررسی شده است، از این قرار است: توصیف ناصر خسرو از وضعیت شهر های مصر در آن زمان، توصیف جنبه های کشاورزی، اقتصادی، صنعتی، و تحلیل وضعیتی اجتماعی مردمان آن دوره است، علاوه بر توصیف معماری، توصیف وضعیت سیاسی آن دوره از جهت صفات حاکمان دولتی ارتش و تحلیل وضعیت آموزشی و فرهنگی آن دوره بیان شده است، ولی از سیما و یا چهره عرب در سفرنامه ناصر خسرو ذکر نکرده است، که من به وسیله انجام این پژوهش آن را بیان می کنم.

از جمله مقاله تحقیقی پژوهشی دیگر به نام

۵. (حج در سفرنامه ناصر خسرو و خسی در میقات جلال آل احمد)

که این مقاله تحقیقی به وسیله علی رضا شوهانی و مینا مریدی، دانش آموخته ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ایلام نوشته شده است.

در این پژوهش موضوع حج در سفرنامه ناصر خسرو، و خسی در میقات آل احمد از جنبه های بیانی و بینشی بررسی شده است، تا بتواند شباهت ها یا تفاوت های این دو اثر سفرنامه کلاسیک را در مورد حج بیان نموده است.

مقاله تحقیقی دیگر به نام

۶. (سیمای مساجد در سفرنامه ناصر خسرو)

به وسیله مجتبی رضایی سرچقا، پژوهشگر و عضو هیئت علمی، بنیاد ایرانشناسی نوشته شده است. در این مقاله تحقیقی کوشش شده است، تا ضمن بررسی دقیقی و اعتبار داده های ناصر خسرو این نکته تبیین شده است که مساجد نه تنها مشاهده شده اند بل که با دقت معاینه شده اند و بیش از پیش ارزش های این سفرنامه به عنوان اثر تاریخی جامعه شناختی، مذهبی و فرهنگی و نیز آئینی در حوزه علوم انسانی صحنه گذاشته است، که این پژوهش به روش توصیفی انجام شده است. مقاله دیگری که به موضوع این تحقیق نزدیک است می توان از مقاله ایرج افشار به عنوان ۷. (قیمت اجناس در سفرنامه ناصر خسرو) است.

که در یادنامه ناصر خسرو انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۵۵ خ به نشر رسیده است. در این مقاله، طوری که از عنوان آن معلوم می شود، فقد قیمت اشیاء به سه نوع طبقه بندی شده است.

اول: نوع قیمتِ اشیاء در حالت دشوار و قحطی

دوم: قیمت های ارزان بعضی از اشیاء به مناسبت وفور آن ها در مناطقِ خاص و

سوم: قیمت بعضی از اجناس شاهانه و طوایف زیبا.

تحقیقاتی که قبلاً به کمک سفرنامه های ناصر خسرو نوشته شده با تحقیق من متمایز و متفاوت می سازد، و تحت تحقیقات شان خلاهای که بنده حس کردم خواستم آنرا پر کنم، پیشنهاد خودم را به کمک سفرنامه ناصر خسرو اهدا کنم که قبلاً با این نوعیت و ماهیت تحقیقی به چهره عرب در این مورد صورت نگرفته که یک تحقیق جدید و بی سابقه است، تحقیقات قبلی در رابطه بنده را فقط به امر تحقیق در ارتباط به چهره عرب در سفرنامه ناصر خسرو وا داشته و بنده را علاقمند ساخت که در این مورد یک تحقیق جامع را انجام دهم تا باشد خلای را که در تحقیقات قبلی احساس کردم آنرا به وسیله انجام این تحقیق پر کنم.

با توجه به موضوع سفرنامه ها، بررسی و تحلیل این گونه آثار از زمانهای دیر مورد اهتمام پژوهندگان در عرصه ادبی بوده است. در دهه های اخیر هم که پژوهش ها در حوزه ادبیات تطبیقی گسترش یافته و بررسی ای این نوع آثار نیز بیشتر رایج گردیده است. لیکن بررسی ای تفسیری ناصر خسرو نخستین بار در تحقیق حاضر صورت می گیرد که تاکنون در این راستا پژوهش دقیق و جز به جز صورت نگرفته است.

فرضیه:

ناصر خسرو توانسته چهره عرب را به وسیله ی سفرنامه اش به وجه احسن به تصویر بکشد که باعث آگاهی و شناخت فرهنگ کشور دیگری می شود.

پرسش های پژوهش:

- ❖ اوضاع اقتصادی اجتماعی سیاسی فرهنگی ادبی و دینی عرب در قرن پنجم چطور بود؟
- ❖ موقف که ناصر خسرو از سفر اش به کشور و مناطق عربی داشت چطور بود؟
- ❖ کاربرد افعال، ضمیر و ضرب المثل در سفرنامه؟
- ❖ کاربرد لغات عربی، اصطلاحات در سفرنامه؟
- ❖ سبک نثر سفرنامه چیست؟

روش تحقیق:-

تحقیق حاضر به صورت کیفی و کتابخانه یی صورت می گیرد، در این پژوهش کوشش بر آن است تا با بررسی تطبیقی به چگونگی انعکاس مطالب و تصاویر در سفرنامه ناصر خسرو از عرب ها پرداخته

می شود. متن سفرنامه مورد مطالعه و بررسی قرار می گیرد، مطالب مرتبط به مردم عرب نهفته در سفرنامه ناصرخسرو بیان می شود با استفاده از منابع کتاب خانه یی و اطلاعات انترنتی از جمله مجلات، روزنامه هفته نامه و ماهنامه ها استفاده به عمل آمده که در تحقیق از آن مواد ادبی استفاده می کنم در نتیجه اطلاعات این منابع باهم بررسی شده و در نهایت جمع بندی و نتیجه گیری به عمل می آید که در کنار دیگر انواع ادبی یک اسناد ادبی تلقی خواهد شد.

فصل دوم

- ۲۲..... احوال و زندگی ناصر خسرو
- ۲۵..... سلسله فرقه اسماعیلیه
- ۲۷..... ناصر خسرو و اسماعیلیان
- ۳۰..... بازگشت حکیم ناصر خسرو از سفرش
- ۳۰..... شرح آثار ناصر خسرو
- ۴۵..... افکار ناصر خسرو

احوال و زندگی ناصر خسرو

حکیم ابو معین^۱ ناصر بن خسرو بن حارث قبادیانی، ملقب به حجت یکی از داعیان^۲ اسماعیلی، شاعر و نویسنده توانا و جهانگرد و مبلغ یکی از چهره های درخشان ادبی سرزمین فارس است.^۳

در سال ۳۹۴ قه یعنی در پنجمین سال سلطنت پیر آوازه محمود غزنوی^۴،^۵ در نواحی بلخ متولد شد.^۶

انتساب او به قبادیان بلخ که محل تولد اوست از اشعارش پیداست.

پیوسته شدم نسب به یمگان کز نسل قبادیان گسستم.^۷

^۱ کنیه ناصر بن خسرو قبادیانی مروزی

^۲ یمگان دره . از اعمال بدخشان است و منفی و مدفن ناصر خسرو علوی بدانجاست . یمغان . یمکان . (یادداشت مؤلف) . نام قصبه ای است از بدخشان که بر سمت کاشغر واقع است . گویند مدفن حکیم ناصر خسرو در آنجاست از لغت نامه دهخدا "vajehyab.com"

^۳ ذبیح الله صفا (۱۳۵۳خ) گنجینه سخن، ج ۲، تهران: ص ۱

^۴ ابوالقاسم یمین الدوله و امین المله فرزند سبکتگین غزنوی مشهور به بت شکن و غازی، سومین و مقتدرترین شاه سلسله غزنوی است. از لغت نامه دهخدا <http://www.jasjoo.com/books/wordbook/dehkhoda>

^۵ قبادیان: قبادیان از نواحی بلخ و در ساحل یکی از شعب رود جیحون واقع بوده و امروزه دهی است در شمال شرقی بلخ نزدیک ترمذ گرفته شده "از فرهنگ دهخدا"

^۶ مها رون (۱۳۸۴) ناصر خسرو شاعر متعهد نگرشی به اشعار ناصر خسرو از منظر جامعه شناسی ادبیات، ش ۴۴-۴۵، پاییز، مرکز تحقیقات کمپیوتری علوم اسلامی؛ مقاله، صص ۱۱۰

^۷ مهدی محقق و مجتبی مینوی (۱۳۷۰خ) دیوان ناصر خسرو، ج ۷، تهران: دانشگاه تهران، صص ۲۲۱

او بنابر اشارتِ خودش از خاندان محتشم بود. ثروت، عیش و رفاهی در بلخ داشت.

ناصر خسرو از کودکی به آموختن علم و ادب پرداخت و در جوانی قبل از ۲۷ سالگی به دربار سلاطین و امراء راه یافته به مراتبِ عالی نیز رسید.^۲

وی احتمالاً مدتی را در دربار (مسعود غزنوی^۳ و محمود غزنوی^۴) خدمت کرد و بعد از آن به خدمت چغری بیگ سلجوقی پیوست.^۵ ناصر خسرو تا ۴۳ سالگی که موقع سفر او به کعبه است به مراتبِ عالی دیوان از جمله دبیری رسید و در اعمال و اموالِ سلطانی تصرف داشت. او در میان اقران و

اعطای لقب (حجت) یا (حجت زمین خراسان) به ناصر خسرو در واقع بیانگر درجه مذهبی اش در میان اسماعیلیان بود. که از جانبِ خلیفه فاطمی به دو تفویض شده بود، و نصبت مروزی که شاعر در سفرنامه خود به آن اشاره کرده به سبب اقامتِ وی د مرو بوده است. گویا مدتی در آنجا شغلِ دیوانی و مسکن داشته است. "از فرهنگ دهخدا"

^۲ ذبیح الله صفا (۱۳۷۴خ) تاریخ ادبیات ایران، ج ۱۰، تهران: دیبا، صص ۲۴۳

^۳ ابود سعید مسعود بن محمود بن سبکتگین ملقب به شهاب الدوله در سال ۴۲۱^ق به تخت نشست و به هندستان لشکر کشید از سفرنامه ناصر خسرو صص ۲۸۴

^۴ (سلطان): ابو القاسم بمن الدولة و امن الملة، فرزند سبکتگین غزنوی، مشهور به بت شکن و غاز، سومن و مقتدر ترین شاه سلسله غزنوی است. که در سال ۳۸۷^{هـ} به سلطنت رسید و تا ربیع الاول سال ۴۲۱^ق سلطنت کرد.

^۵ چغری بیگ ابو سلیمان داود بن میکال بن سلجوق برادرِ طغرل و از امراء و مؤسسانِ دولتِ سلجوقی است، در آغازِ فتنه سلاجقه که این ترکمنان نا امنی در خراسان پدید آوردند سلطان مسعود غزنوی، دهستان را به او داد و نسا را به برادر اش طغرل و به آنان لقبِ دهقان اعطا کرد، اما آنان در چند جا بر غزنویان غلبه کردند و داود اسارتِ سرخس یافت و پس از شکست مسعود در دندانقان و تسلط سلجوقیان بر خراسان و ری و اصفهان داود غالباً خراسان را اداره می کرد چه طغرل به کار لشکر کشی در نواحی عراق و بغداد و جزیره و آذربایجان مشغول بود داود در رجب سال ۴۵۱/۴۵۳^ق درگذشت و پسر اش آلپ ارسلان در ۴۴۵ پس از درگذشت عم اش طغرل وارث تمامِ ممالک سلجوقی گردید.

دانشمندان چنان شهرت پیدا کرد که لقب (ادیب) و دبیر فاضل را گرفت و شاه او را خواجه خطیر خطاب می کرد. بدون شک چنانچه در دستگاه حکومتی (سلجوقیان) مانده بود تا او بود وزارت به امسال عمیدالملک کندری^۱ و نظام الملک توسی^۲ نمی رسید. او بعد از آن مدتی از عمر خود در عین فراگیری انواع فضایل در خدمت امرا و در لهو و لعب و اندوختن مال و جاه گزراند. آهسته آهسته دچار تغییر حال شد و در اندیشه درک حقایق افتاد و با علمای زمان خویش که غالباً اهل ظاهر بودند به بحث پرداخت ولی خاطر وقاد او زیر بار تعبد و تقلید نمی رفت و جواب سوالات خود را از مدعیان علم و حقیقت نمی یافت. و به همین سبب همیشه خاطر مضطرب و اندیشه نابسامان داشت. ناصر خسرو بعد از طی مقامات ظاهری در اندیشه افتاد. او با این فکر بلاد زیادی را گشت و با اقوام و علمای گوناگون نشست و مدتی با علمای دین چون و چرا داشت. ظاهراً سرگردانی و نابسامانی ناصر خسرو از خوابی که در جمادی الاخر سال ۴۳۷^۳ دیده بود خاتمه داد در آن خواب کسی به سوی قبله اشارت اش کرد و حقیقت را در آن سو نشان اش داد. ناصر خسرو در این سفر

^۱ در مورد عمیدالملک کندری آورده اند:

^۲ بعدها نظام الملک در سلطنت بقیه آل سلجوقی مانند آل بارسلان و ملکشاه. این دو وزیر بزرگ، هر دو از روستا زادگان خراسان بودند. عمیدالملک از کندر ترشیز و نظام الملک از توغان النهایه. که از جهت اعتقادی و سیاسی تجانس با هم نداشتند. عمیدالملک در مذهب حنفی تعصب می ورزید و نظام الملک در مذهب شافعی. نظام الملک از خدمت در شاخه شرقی و عمیدالملک نخست از خدمت در شاخه غربی سلاجقه آغاز به کار کردند

چهار مرتبه حج کرد و سه سال در مصر به سر برد و به خدمت خلیفه فاطمی^۱ (المستنصر بالله)^۲ رسید. او از سوی امام فاطمیان به مقام حجت جزیره خراسان که یکی از جزایر خراسان و یکی از جزایر ۱۲ گانه دعوت اسماعیلیه بود، انتخاب و مامور نشر مذهب اسماعیلی و ریاست باطنیه^۳ گردید.^۴

در باره زندگی شخصی زن و فرزند ناصر خسرو اطلاعاتی دقیق در دست نیست، هر چند تلاش کردم اما هیچ اطلاعی موثق در باره زن و فرزند ناصر خسرو به دست من نرسید و تذکره نویسان هم از این موضوع چشم پوشی کردند.

^۱ خلفای فاطمیون، فاطمیان مصر. خلفای عبیدی، عبیدیه، تا سلسله که عبیدالله مهدی در شمال افریقا به سال ۳۹۷ق تأسیس کرد و تا سال ۵۶۷ بماند. مصر و حجاز و شمال افریقا و شام در دست آنان بود و یک سال نیز بغداد را به دستگیری ارباب بناسیری در تصرف گرفتند ۴۵۰-۵۴۱. صلاح الدین ایوبی این سلسله را برانداخت. فاطمیان خود را از اولاد فاطمة الزهراء^۵ دانند خلفای این سلسله چهار تن اند بدین ترتیب عبیدالله مهدی، قائم، منصور اسماعیل، المعزالدین الله العزیز بالله الحاکم بامرالله منصور، الظاهر علی، المستنصر بالله سعد، المستعلی احمد، الامر منصور، الحافظ عبدالحمید الظاهر اسمعیل، الفائز عیسی العازل العاضد عبدالله (سفرنامه ناصر خسرو صص ۲۶۷-۲۶۸)

^۲ ابو تمیم بن ابو الحسن علی الظاهر لاعزاز دین الله بن ابوعلی منصور الحاکم بامرالله، از هشتمین خلفای مصر (۴۲۷-۴۷۸ق)، سفرنامه ناصر خسرو صص ۲۰۷

^۳ درونیینیان، گروهی که باور دارند هر دستور دینی را آماجی نهانی است، چنان که آماج نماز و فرمان برداری است. از تنمه صوان الحکمة، صص ۱۶۳، ۲۱۳، راحة الصدور ص ۱۵۸، تجارب السلف ص ۲۸۸ و ۲۸۹، ذکر تقریر مذهب باطنیان ج ۳ صص ۱۴۲، تاریخیه و جغرافیه ترکی ج ۲ ص ۳۳ و تلبیس ابلیس ص ۱۰۸

^۴ همان صص ۲۴۵

سلسله فرقه اسماعیلیه: اسماعیلیه یکی از فرق شیعه^۱ است که در اواسط قرن دوم به وجود آمد و بعداً به گروه‌ها و شاخه‌های تقسیم شد. اسماعیلیان همچون شیعیان امامیه، امامت را نص میدانستند، ولی در مورد سلسله امامان پس از امام صادق^ع با دیگر پیروان آن امام دچار اختلاف شدند. این فرقه نام خود را از اسماعیل فرزند فوت شده امام جعفر صادق^ع گرفته است. بعد از رحلت امام جعفر صادق در سال ۱۴۸ ق گروه از پیروان آن حضرت از دیگر شیعیان امامی جدا شده بود و گفتند که اسماعیل، فرزند بزرگ امام صادق^ع امام است. ایشان منکر مرگ اسماعیل شدند. و معتقد بودند که امام صادق^ع تنها برای حفظ جان اسماعیل از دست اعمال نیست، عباسی مرگ فرزندش را اعلان کرده است، از اینرو در انتظار رجعت او باقی مانده اند. در آخر عبد الله محبوب که در سال ۲۸۶ ق به رهبری مرکزی اسماعیلیه رسیده بود، آشکارا مدعی امامت خود و اسلافش گردید و خلافت فاطمیان را در شمال آفریقا بنیان نهاد. او نظریاتی نوینی را در اصول و عقاید اسماعیلیه وارد کرد، از جمله این که دیگر در انتظار رجعت (محمد بن اسماعیل) به عنوان مهدی موعود اسماعیلیان نبود، بلکه برای خود و اجدادش که رهبران مرکزی قبلی بودند، ادعای امامت داشت. آنان از این زمان به بعد دولت مستقل و قدرتمندی را در مصر بوجود آوردند که تا

^۱ کلیه فرق‌های اسلامی بخلاف و جانشینی بلافضل علی بن ابی طالب^ع معتقد اند (سفرنامه ناصر خسرو صص

محرم سال ۵۶۷ ادامه داشته، زمان هشتمین خلیفه فاطمی، مستنصر اوج حکومت آنان است که به دوران طلایی شهرت دارد، پس از مرگ او دولت فاطمیان به سراشی و سقوط نزدیک شد و نهضت فاطمی به دو شاخه مستعلوی و نزاری که از نام های پسران مستنصر^۱ گرفته شده است تقسیم گردید. نهضت نزاریه^۲ با رهبری حسن صبا در ایران طی ۱۷۱ سال حکومت رهبران آن در الموت ادامه یافت در حال حاضر اسماعیلیان که به طور عمده به شاخه نزاری این فرقه تعلق دارند در بیش از ۲۵ کشور در قاره های آسیا، آفریقا، اروپا و امریکا پراکنده اند.^۳

ناصر خسرو و اسماعیلیان

ناصر خسرو در زمان المستنصر زندگی می کرد و در دوره او به مصر رفت و از نزدیک تشکیلات اسماعیلیان را دید. بعدا زیر نظر الدعاة نامدار مستنصر، یعنی الموید فی الدین شیرازی آموزش دید و

^۱ المستنصر بالله

^۲ فرقه ای است از اسماعیلیه بعد از وفات المستنصر فاطمی میان دو فرزند او المصطفی لدین الله مشهور به نزار و المستعلی بالله ابوالقاسم احمد که هر دو جانشین پدر بودند اختلاف افتاد. از اینجا فاطمیه مصر بر دو دسته نزاریه و مستعلیه تقسیم شدند. دسته طرفدار امامت نزار اسماعیلیان عراق شام خراسان لرستان بودند. دسته جانبدار امامت المستعلی اسماعیلیان مصر بلاد مغرب بودند. لیکن در همان حال عده ای از طرفداران امامت نزار در مصر بوده و قوتی داشته اند از از تاریخ ادبیات در ایران صفا ج ۲ ص ۱۶۸

^۳ بجنوردی موسوی، کاظم (۱۳۷۷خ) دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ج ۸، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، صص ۶۸۱

به عنوان حجت که بالاترین مرتبه دعوت است و افراد عادی نمی توانند به آن دست یابند جهت ماموریت بزرگ خود برای تبلیغ مذهب فاطمی به خراسان باز گشت. ولی به دلیل مخالفت فقیهان اهل سنت^۱، سرانجام به یمگان^۲ پناهنده شد. دعوت اسماعیلیه که ناصر خسرو نیز از این گروه است، بر پایه ظرفیت افراد و مطابق درک و فهم آنان تنظیم شده بود، ولی شناخت مبادی و اصول آن بر همگی واجب بود و اسرار و مراتب برتر و دشوار دعوت تنها به خاصان و روشن فکران القا می شد. داعیان، به اخذ پیمان از مستجبان^۳ و کسانی که اخلاص و پاکدامنی و دیانت خود را در این راه به ظهور می رساندند، می پرداختند. آنان وظیفه داشتند افراد را با رضای دل به این پیمان راغب کنند. و در صورت اکراه کسی را به صفوف دعوت داخل نسازند. آن ها می گفتند: امانت تنها به شرط حفظ آن واگذار می شود. و تنها شایستگان می توانند از اسرار دعوت آگاه شوند. نه کسانی که از تحمل آن عاجز اند. جامعه اسماعیلی از چند طبقه تشکیل شده بود و طبقه اول جوانانی بودند که سن شان میان ۱۵ تا ۳۰ سال بود و به صفای ضمیر به سرعت پذیرش در امر دعوت شناخته شده بودند. در رسایل اخوان الصفا آنان را (الاخوان الابرار الرحماء) خوانده اند طبقه دوم شامل کسانی بودند که

^۱ سنیان. اهل تسنن. رجوع به تاریخ سیستان صص ۱۹۱ - ۱۹۳ و مزدیسنا ص ۲۸۹ و ضحی الاسلام و فهرست آن و رجوع به سنی شود. فرهنگ فارسی از فرهنگ دهخدا (jasjoo.com)

^۲ شهر بلخ یکی از شهرها در شمال افغانستان کنونی از فرهنگ دهخدا

^۳ عملی که بجا آوردنش ثواب ترکش گناه دارد از (http://almaany.com)

۳۰ تا ۴۰ سال داشتند و فلسفه می آموختند. ایشان رؤسای سیاست مداری بودند که به طور الزامی با برادران خود با لطف و احسان رفتار می کردند و به مراعات و یاری آنان می پرداختند و الاخوان الاخیار الفضلا نامیده می شدند. طبقه سوم شامل کسانی می شد که سن آنها میان چهل تا پنجاه بود و مطابق با مرتبه خود، از شریعت و قوانین الهی آگاهی داشتند و به امر بالمعروف و نهی عن المنکر یاری دعوت مخالفت و دفع دشمنان و مخالفان خود می پرداختند و تألیفات زیادی نیز از خود منتشر ساخته اند که ناصر خسرو از این گروه بود.^۱

^۱ عارف تامز (۱۳۷۷ش/خ) اسماعیلیه و قرامطه، تـ حمیرا زمردی، ج ۱، تهران: نیل، ص ۷۰

بازگشت حکیم ناصر خسرو از سفرش

موقعی که ناصر خسرو از سفر مصر و حجاز به خراسان باز می گشت ۵۰ ساله بود. او پس از بازگشت به موطن خود بلخ رفته و در آنجا شروع به نشر دعوت باطنیان کرد. او داعیان را به اطراف فرستاد و به مباحثه با علمای اهل سنت پرداخت. اندک اندک دشمنان و مخالفان او از میان مسلمانان فزونی گرفتند و کار را بر او دشوار کردند تا اندازه که گویا فتوای قتل اش نیز داده شد. ناصر خسرو که گرفتار مخالفت بسیار شدید سلاجقه با شیعه بود، ناگزیر به تهمت بددینی و قرمطی و ملحد و رافضی^۱، کشور را ترک گفت. ناصر خسرو بعد از مهاجرت از بلخ به نیشاپور و مازندران رفت و سرانجام به دره یمگان در میان کوه های بدخشان پناهنده شد. او تا آخر عمر آن جا ماند، تا این که در سال ۴۸۱^ق در سن ۸۷ سالگی چشم از جهان پوشید، قبر او مدتها زیارتگاه اسماعیلیان به ویژه افغانستان و تاجکستان در آن دیار بود.^۲

۴۸۹۳۵۵۴

شرح آثار ناصر خسرو

آنچه امروز از آثار ناصر خسرو خوانده می شود نخست و بیش از همه دیوان اشعار او و پس از نیز

^۱ منسوب است به رافضة که جماعتی از شیعیانند. (منتهی الارب) (ناظم الاطباء).

^۲ دکتر محمد رضا و رقیه ابراهیمی شهر آباد (۱۳۹۳خ) از قبادیان تا یمگان، شرح سی قصیده ناصر خسرو، چ ۲.

قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، صص ۲۴ - ۲۶

سفرنامه این حکیم خراسانی است.^۱ ناصر خسرو آثار فراوانی به نظم و نثر دارد. او خود در این مورد چنین سروده است.

زین چرخ پرستاره فزون است اثر مرا^۲ منگر بدین ضعیف تنم زانکه درسخن

آثار این شاعر شامل دو بخش است، آثارِ منثور و منظوم:

آثار منظوم و منثور ناصر خسرو، که غالباً در دست است عبارت است از دیوان او و دو منظومه به نام روشنایی نامه و سعادتنامه و آثار منثور او: خوان اخوان، گشایش و رهایش، جامع الحکمتین، سفرنامه، زادالمسافرین، وجه دین، بهستان العقول و دلیل المتحیرین، از دو کتاب اخیر فعلاً نشانی در دست نیست، اما از کتب دیگر ناصر خسرو موجود است و به طبع رسیده، و همه آنها از حیث کهنگی عبارات و کلمات همچون اشعار آن شاعر بزرگ و نویسنده، تواناست و در کمال فصاحت و جزالت پرداخته شده است.^۳

^۱ احمد غنپور ملک‌شاه (۱۳۸۹) نگاه به سبک شناسی زاد المسافرین حکیم ناصر خسرو قبادیانی، مازندران:

دانشگاه مازندران، فصلنامه تخصصی سبک شناسی، نظم و نثر فارسی، س ۳، ش ۳، ص ۷۷-۷۸

^۲ مرتضی نادری (۱۳۸۹) دانای یمگان، مروری به زندگی ناصر خسرو قبادیانی، تهران: کتابخانه ملی ایران،

همسری، ص ۵۹

^۳ پروین شکبیا (۱۳۷۰ خ) شعر فارسی از آغاز تا امروز، تهران: هیرمند، ص ۸۳ - ۸۶

ضمناً دارای اشعار عربی و فارسی بسیار است و در عصر خودش دیوان فارسی و دیوان عربی اش هردو مشهور بوده است.^۱

از جمله آثار منتشر ناصر خسرو سفرنامه است.

سفرنامه: سفرنامه روز پنج شنبه ششم جمادی الآخر سال ۴۳۷ هجری قمری برابر با نیمه دی ماه در سن ۴۲ سالگی ناصر خسرو آغاز شد.^۲ و مکرراً در پاریس، برلین، هند و تهران به زبان های فرانسوی و عربی چاپ و ترجمه شده است و ظاهراً نخستین کتاب منتشر این نویسنده است که در آن مسافرت هفت ساله خود را به ایران و آسیای صغیر و شامات و مصر و عربستان شرح داده است که این سفرنامه تا حال سه بار به طبع رسیده است.^۳

زاد المسافر: از جمله آثار منتشر دیگر ناصر خسرو زادالمسافرین است.

زاد المسافرین: کتابی به نثر در بیان حکمت است. زاد المسافرین که ظاهراً یکی از مهمترین تالیفات ناصر خسرو است و پر از اصول و عقاید حکیمانه و فلسفی اوست که در سال ۴۵۳ ق در غربت و مهاجرت تالیف شده است این کتاب در حقیقت در اثبات عقاید اساسی اسماعیلی از روی استدلال

^۱ سید حسن تقی زاده، (۱۳۰۵)، زندگی نامه ناصر خسرو قبادیانی، برلین، ش ۳۰، صص ۵۰

^۲ غلام حسین یوسفی (۱۳۴۹) مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، مشهد، صص ۰۷

^۳ همان صص ۵۰

تدوین شده است^۱ و خود در آغاز کتاب، صفحه ۴ گوید: "و یاری بر تمام کردن این کتاب از خدای خواهیم به میانجی خداوند زمان خویش، المستنصر بالله". و خوشبختانه این کتاب در سنه ۱۳۴۰ ق به همت مرحوم ادوارد براون به اهتمام محمد بذل الرحمن هندی در برلین طبع شده است.^۲

ناصر خسرو در دیباچه زادالمسافرین مردمان را در دنیا مسافرانی می خواند که زندگی شان مانند سفری بی توقف و بی درنگ ناپذیر است، به عقیده او انسان باید به این حقیقت توجه کند و مبنا و مقصد این سفر را باز شناسد و برای این سفر گریز ناپذیر توشه بر گیرد. او بیشتر اشخاص را از نگرش در این امر بی خبر می بیند و از این سبب به قلم پی می برد و کتابی می نویسد که این مسافران را زاد و توشه باشد^۳ که این زاد و توشه در نزد ناصر خسرو علم و دانش است^۴ ناصر خسرو زاد المسافرین را در ۲۷ بخش اصلی سامان داده است. او در این کتاب از قول و کتابت

^۱ محمد نبی خیر آبادی و مهیار علوی مقدم (۱۳۹۵) بررسی فرایند واژه سازی در زادالمسافر ناصر خسرو، اصفهان: دانشگاه اصفهان، صص ۹۶

^۲ همان صص ۵۲

^۳ ناصر خسرو قبادیانی (۱۳۸۵ش) زاد المسافرین، تهران: انتشارات اساطیر، ص ۲۸۰

^۴ همان صص ۴۸۴

حواسِ ظاهر و باطن، جسم و اقسام آن حرکت و انواع از نفس و هیولا^۱ و زمان و مکان و ترکیب و فاعل و منفعل و حدوث عالم و اثبات صانع و مبدا و معاد سخن گفته است.

ناصر خسرو در این کتاب اقوال طبعیان و دهریان را نقل و نقد می کند و در این میان به رد سخنان محمد زکریای رازی^۲ در مسائل مانند قدم ماده و کیفیت لذت و الم توجه ویژه دارد.

ناصر خسرو در این کتاب می کوشد تا به زعم خود عاقلان را به دین یکتا و اعتقاد درست رهنیاری کند. و آنها را از فریب و نیرنگ منکران الله برهاند. او اشخاصی را که حکمت را از رسول حق نیاموخته اند و از جانب خویش سخنان بی معنی گفته اند، عنکبوتات می خواند که برای شکار ضعیفان و از بین بردن آنان دام مانده اند.^۳

و همچنین تاریخ رساله موجزی را که در جواب اسئله منسوب به ناصر خسرو است و اینک در جزو همین مجلد از راه نسخه ملکی آقای ملک که ظاهراً در سنه ۷۱۹ استنساخ شده به طبع رسیده، مشکوک می سازد. در باب رساله مزبور بر مصحح و ناشر فاضل آن است که شرح مخصوصی بنویسند ولی اینجا همین قدر لازم است گفته شود که به موجب آنچه در خاتمه رساله مزبور مندرج است این رساله جواب ۹۱ فقره سؤالاتی است که در یک قصیده فارسی مشتمل بر هشتاد بیت

^۱ زمین هموار و زمین های بلند

^۲ در دنیای تاریخ نامی طبیعی که گرفته می شود اسم محمد بن زکریای رازی است.

^۳ همان ص ۵، ۳

مندرج بوده و آن سوالات را که در حکمت و فلسفه و منطق و تأویل و غیره است، ناصر خسرو یگان یگان جواب داده است به شکل یک رساله که جمله آخر آن این است. "و این کتاب را جهت امیر بدخشان ساخته است، علی بن احمد مولی امیر المومنین ابو معین ناصر بن خسرو بن حارث النعمانی اندر سال ۴۲۲ از هجرت پیغمبر ما" این تاریخ که در این نسخه ذکر شده است به دو جهت بعید و بلکه مردود است. به دلیل این که مندرجات رساله کاملاً مبنی بر حکمت اسماعیلی و عقیده باطنیه است و اغلب شبیه و گاهی عین مطالب زاد المسافرین و گاهی وجه دین است.

علاوه بر اینها در این رساله به کتاب بستان العقل یعنی بستان العقول خود اشاره می کند که پیشتر از این رساله تألیف شده بوده است و در آن صورت لازم می آید که بستان العقول را حتی قبل از آن تاریخ و در ایام صباوت تألیف کرده باشد.

در صورتی که از این رساله و زاد المسافرین معلوم می شود که کتاب بستان العقول در حکمت رد قول مخالفین از فلاسفه و مطابق عقیده^۱ اسماعیلیه تألیف شده بوده است و نیز نسبت التمعانی ظاهراً تحریف یا تصحیف الیمغایی یا الیمکانی است که مسلماً ناصر خسرو پس از سالیان دراز اقامت در یمگان این نسبت را به خود داده است.^۲

^۱ همان صص ۲۹

و بر از اصول عقاید حکیمانه اش می باشد. در ایام غربت و مهاجرت در یمگان در سال ۲۵۳هـ تالیف نموده است. این کتاب به همت پروفیسور براون و اهتمام محمد بذل الرحمن هندی در سنه ۱۳۴۰هـ در برلین از طرف چاپ خانه کاویانی به طبع رسیده است.

وجه دین: رساله است به نثر در مسائل کلامی و باطن و عبادات و احکام شریعت که در تاویلات و باطن عبادات و احکام شریعت به طریقه اسماعیلیان تالیف شده است ظاهرا بعد از تبعید مولف تصنیف شده چه در آن کتاب صفحه ۲۱۰ از بالا گرفتن "تاریکی شب فتنه اندر جزیره خراسان و گسسته شدن نور ایمان از آن زمین و کوتاه کردن اولیا خدای دست عنایت از آن ضعیفان دین که اندر آن بودند سخن می راند و نیز ظاهرا حتی بعد از تاریخ ۴۵۳ نوشته شده. از این کتاب که در بیان الادیان ذکر آن آمده ولی مفقود الاثر شمرده می شود، چندی قبل دو نسخه در شغنان از ولایات پامیر روس میان اسماعیلیان آنجا با عده^۱ از کتب و رسایل دیگر منسوب به ناصر خسرو به دست یکی از فضلاء روس موسوم به زاروین افتاد اته اینک آن نسخه ها در لیلنگراد پترسبورگ است و به کمک مالی و ترغیب علامه مرحوم پروفیسور براون این کتاب در برلین از روی آن عکس به طبع

^۱ همان صص ۵۷

رسید که این کتاب شامل بر تاویل احکام شرعیه از روی عقاید باطنیه^۱ و بیشتر برای خود آن طایفه نه عامه ای مردم و شاید مستبدیان^۲ آنها مستجبان^۳ نوشته شده و پر است از اصطلاحات آن طایفه. ناصر خسرو در کتاب وجه دین جزای عمل عالمانه را بهشت می شناساند و چنین می گوید که اگر مردمان دانش را بیاموزند و به علم کار کنند از جهنم رسته و به بهشت رسیده باشد. ناصر خسرو ضرورت مردمان به دانش دین و عمل بر تهداب آن را سبب نگارش وجه دین معرفی می کند.^۴ این کتاب ۵۱ گفتار دارد و نویسنده آن در هر گفتار بعد از تبیین معنای ظاهری هر اعتقادی از اعتقادات اسلامی یا عملی از اعمال دینی را به معنی باطنی آن می پردازد و ظاهر را به آنچه خود باطن می پندارد، تفسیر می کند.

و پر از تفاسیر اسماعیلی است و این تفاسیر در اغلب موارد، ذکر هیچ دلیلی است.^۵

امروز نیز در بین مردم آسیای مرکزی و پامیر کتاب مشهوریست در تاویلات باطنی و عبادات و احکام شریعت. ناصر خسرو در این کتاب، قرآن نماز، رکعت های نماز عید، زکات، و روزه حد

^۱ انشعابات اسماعیلیه

^۲ خود سران استبداد گرایان

^۳ قبول شدگان، جواب داده شده،

^۴ ناصر خسرو قبادیانی (۱۳۴۸ش) وجه دین، تهران: کتابخانه طهوری، صص ۳ - ۴

^۵ همان ص ۴

شرعی، و دجال را به اساس عقیده باطنی تفسیر و تاویل می کند. تاریخ تالیف اش معلوم نیست و باید از ۴۵۳ هـ بعد تر باشد. زیرا در آن از زادالمسافرین بحث می کند که در سنه مذکور تالیف شده این کتاب تا زمان (دکتر اته) مفقود الاثر گمان می شد ولی چهل پنجاه سال قبل یک دانشمند روسی دو نسخه آنرا با بعضی کتب بدست آورده آن را در برلین به چاپ رساند.

اگرچه "وجه دین" بعضی موضوعات فلسفی ناصر را که در جامع الحکمتین از آن ذکری رفته احتوا می کند ولی متباقی آن عبارت از موضوعات فقهی و دینی است و شبه می رود که از ناصر نباشد و صرف آنچه از کلام (جامع الحکمتین) در آن علاوه شده از خود ناصر خسرو است.^۱

خوان اخوان: به نثر در اخلاق و حکمت است که نسخه از آن در استانبول^۲ در کتابخانه جامع آيا صوفیه تحت نمره ۱۷۷۸ الان موجود است. کتابی است در صد بخش در باره ای موضوعات مختلف فلسفی و کلامی و ناصر خسرو هر بخش از این کتاب را صفا نامیده است.^۳ مثلاً او در صفا هفدهم در مورد سازگاری و همخوانی دین با عقل چنین می گوید: یکی از تفاوت های معجزه ی پیغمبران و سحر ساحران این است که سحر و ساحری قابل تعلیم و تعلم است ولی معجزه پیامبران این طور

^۱ همان صص ۱۵۰-۱۵۱

^۲ قسطنطنیه

^۳ همان صص ۱۵۰ - ۱۵۱

نیست. ناصر خسرو در صف ۹۴ خوان الاخوان به این تفاوت اشاره می‌کند.^۱ این آثار عقاید باطنی را از نگاه فلسفی تاویل می‌کند. در این کتاب هم از درجات دعوت یعنی مستجیب^۲ - ماذون، داعی حجت، امام، اساس و ناطق، بحث نموده. امر و نهی را عقلی می‌گوید و ظاهر شریعت را متعلق به عالم جسمانی.

در این کتاب معجزه و کرامات را نیز تاویل می‌نماید مثلاً آتشی را که حضرت موسی در طور دیده بود نور توحید می‌خواند. حروف کلمه الله را نیز رنگارنگ شرح و تاویل می‌دهد، ملائکه را عبارت از قوت‌های روحانی عالم می‌داند.

بستان العقول یا بستان العقل: بستان العقول یا العقل یکی از آثار دیگر ناصر خسرو است که خود ناصر خسرو در کتاب زاد المسافرین صفحه ۳۳۹ و رساله جوال استله صفحه ۵۷۲ از این مجلد از آن نام می‌برد و از کتاب دلیل المتحیرین که بیان الادیان به ناصر خسرو نسبت می‌دهد به دست نیامده است. و همچنین از کتب دیگر او که در اشعار خود بر کثرت آنها اشاره می‌کند و مخصوصاً در زاد المسافرین صفحه ۱۰۳ ذکر از مصنفات دیگری خود می‌کند که در آنها عقاید محمد بن زکریا را

^۱ ناصر خسرو قبادیانی، (۱۳۳۸) خوان الاخوان، تهران: کتابخانه بارانی، صص ۵۰ - ۵۱

^۲ عملی که به جا آوردن اش ثواب ترک اش گناه دارد

به تفاریق رد کرده است و وعده تصنیف یک کتاب مخصوص در رد اقوال او می دهد و گوید که وی کتب محمد زکریا را چندین باره استنساخ و ترجمه کرده و اقوال او را رد نموده است.^۱

گشایش و رهایش: رساله است به نثر روان فارسی، شامل سی پرسش و پاسخ آن ها. که اثری است از ناصر خسرو که قسمت دوم نسخه خطی منحصر به فردی را تشکیل می دهد که متعلق به مرحوم سید نصر الله تقوی بوده. و مرحوم سعید نفیسی متن آنرا به چاپ سنگی در سلسله نشرات فوق الذکر نشر نموده و هنوز مورد تتبع و تفحص قرار نگرفته، قسمت اول این نسخه خطی منحصر به فرد عبارت از کتاب کشف المحجوب ابو یعقوب سجستانی بوده و در سلسله نشریات انستیتوت ایران و فرانسه در تهران در سال ۱۹۴۹ از طرف پروفیسور کورین نشر گردیده است.^۲

جامع الحکمتین: یکی از آثار مهم و معتبر ناصر خسرو است که در سال ۴۶۲ هـ ق به رشته تحریر درآمده است. ناصر خسرو در مقدمه کتاب فصل به عنوان اندر ذکر تصنیف این کتاب و نام او آورده و در پایان آن می گوید امیر بدخشان قصیده را که گفته ۲: خواجه ابو لهیثم نزدیک من فرستاد و از من اندر خواست تا سوالاتی که اندر قصیده است به نام او حل کرده شود و در ادامه در باب وجه تسمیه کتاب می نویسد: "و چو بنیاد این کتاب بر گشایش مشکلات دینی و معضلات فلسفی بود،

^۱ علی رضا خان جان (۱۳۸۹) گذری به آرای ناصر خسرو در باب زبان، اصفهان: دانشگاه اصفهان، ص مقدمه

^۲ عبدالوهاب طرزی (۱۳۵۵) ناصر خسرو بلخی حکیم و شاعر قرن پنجم هجری افغانستان، کابل: بیحقی کتاب،

نام نهادم، مر این کتاب را جامع الحکمتین و سخن گفتن اندر و با حکما دینی با آیات کتابی خدای تعالی و اخبار رسول او با حکمای فلسفی و فضلائی منطقی به برهان های عقلی و مقدمات منتج مفرج از آنچه حکمت را خزینه خاطر خانم ورثه الانبیاست^۱ و شمعی از حکمت نیز اندر کتب قدماست^۲."

و همچنان نسخه آن را قبل از جنگ جهانی دوم، پروفیسور ریتر مستشرق مشهور آلمانی، در کتابخانه آیا صوفیا استانبول (تحت نمره دوهزار و سه صد و نود و سه کشف کرده و از آن مایکرو فلمی برداشته بود. بیست و چند سال قبل با تأسیس انستیتیوت (ایران، فرانسه) مربوط به انستیتیوت ایران شناسی دانشگاه پاریس، پروفسور هانری کورین شرق شناس فرانسوی "جامع الحکمتین" ناصر خسرو را از روی مکر و فلم های که از پروفیسور ریتر بدست آورده بود، با کمک و همکاری مرحوم دکتر محمد معین استاد دانشگاه تهران، در سلسله نشرات این انستیتیوت در سال ۱۳۳۲ برابر به ۱۹۵۳ م در تهران به طبع رسانید^۱

از جمله آثار منظوم ناصر خسرو دیوان اشعار، روشنائی نامه و سعادتنامه می باشد.

دیوان اشعار: دیوان اشعار ناصر خسرو را نمی توان تاریخ قطعی داد، چنانچه قسمتی از آن در زمان خود ناصر خسرو مشهور بوده و بعداً در تواریخ و مقامات گوناگون در زندگی وی منشآت طبع او به

^۱ دکتر بتول علیزاد (۱۳۸۹) گذری به آراء ناصر خسرو در باب زبان، دانشگاه اصفهان، صص مقدمه

آن علاوه می شد. دیوان وی پر است از عقاید دینی اخلاقی و شامل ۱۱۰۴۷ بیت می باشد که شامل قصاید انتقادی از شاهان و امیران ترک و شاعران مدیحه سرا شکایت از مردم علمی و عالمان و فقه یان خراسانی و پند و اندرز و سخنان امام علی و نیز وصف طبیعت می باشد در دیوان ناصر خسرو سوای ستایش بزرگان دین و خلیفه های فاطمی از ستایش دیگران، صفت معشوق و دل بستگی های زندگی چیزی نمی بیند و حتی وصف طبیعت نیز بسیار اندک است. هرچه است پند و اندرز و روشنگری است گاهی نیز دانشهای زمان خود از فلسفه پزشکی، اخترشناسی و شگفتی های آفرینش را در قصیده های خود ناصر خسرو جا می دهد تا از این طریق خواننده بیشتر فکر کند و باور های خود را اثبات نماید. دولت شاه ادعا می کند که دیوان ناصر خسرو مشتمل هزار بیت بوده دیوانی است که در بمبی و تبریز در سال ۱۲۸۰ ش و در تهران در سال ۱۳۱۴ هـ به طبع رسیده است. ادوارد برون تخمین می کند که دیوان او دارای هفت هزار و چهار صد و بیست و پنج بیت است و بهترین دیوانی که امروز از ناصر خسرو باقی مانده است، دیوان اشعاری است که به تصحیح آقای سید نصرالله تقوی و به انضمام روشنائی نامه و سعادت نامه و رساله به نثر و مقدمه محققانه آقای تقی زاده در شرح حال ناصر خسرو و ذیل دیباچه به قلم عالم برجسته آقای مجتبی مینوی در سنه ۱۳۴۸ خ مجدداً در تهران به چاپ رسیده که دارای ۱۱۴۷ بیت می باشد. که دیوان او به متون علمی ترتیب یافته و یک طبع انتقادی است دیوان که فعلاً جلد اول آن طبع و انتشار یافته است به

وسیله ای مجتبی مینوی و مهدی محقق استادان دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳ که این جلد اول و بزرگ بسیار به نفاست انتشار یافته است و دانشمندان در آن دقت فراوان و عالمانه بکار برده اند. که یکی از مهمترین و بهترین چاپ دیوان که پیش از چاپ حاضر در دسترس بوده دیوانی است که به کوشش مرحوم نثر الله تقوی و دیگران انجام یافته و برای این که حجم قسمت اول دیوان از اندازه متناسب بزرگتر نشود مصححین و دانشمندان شرح آن تحلیل افکار و معرقی آثار ناصر خسرو با توضیحات و حواشی به جلد دیگر واگذار نموده اند، که بخش دوم دیوان را تشکیل می دهد.^۱

روشنایی نامه: روشنایی نامه از جمله دیگر رساله منظوم که در پند و حکمت است. دکتر اته این رساله را در سال ۱۸۹۷ نظماً به آلمانی ترجمه کرد و در مجله انجمن شرقی آلمان منتشر نمود. و مرتبه دیگر در برلین به انضمام سفرنامه از طرف چاپخانه کاویانی به طبع رسید. تاریخ تألیف رساله دقیق معلوم نیست بعضی به این نظر اند که او در جوانی خود نوشته و این مستبعد است. نظر به

^۱ همان صص ۱۲۰ - ۱۲۲

پژوهش آقای تقی زاده احتمال زیاد می رود که میان سالهای چهارصد و شصت و چهار و هفتاد دو تألیف شده باشد.^۱

سعادتنامه: رساله است منظوم شامل سه صد بیت. روشنائی نامه یکی از آثاری که در همین نزدیکیها به ناصر خسرو نسبت داده اند و علمای گذشته در مورد آن تشریحاتی داده اند و هم در آخر دیوان طبع تهران ۱۳۰۸ خ به نام ناصر خسرو ضمیمه شده است کتاب سعادت نامه اوست که مشتمل بر سه صد بیت و مانند روشنائی نامه در پند و حکمت نظم شده است. در سال ۱۸۸۰ م به احتتام فانیان با ترجمه مثنوی فرانسوی آن در مجله انجمن شرقی آلمان و دوباره در برلین به انضمام سفرنامه ذکر شد در سال ۱۳۴۰ به طبع رسید، اته تألیف این رساله را در یمگان^۲ می داند. جایی که ناصر خسرو به دنیا آمده است ولی آقای غنی زاده آن را خیلی مقدم بر روشنائی نامه می گوید و خاطرنشان می کند که ناصر خسرو در این رساله هیچ لقب حجت را استفاده نکرده. و این یک پندنامه بسیار زیبا و پر ارزشی است^۳ و از جمله آثار و اسامی دیگر کتاب های ناصر خسرو که در تذکره ها از آن نام برده شده و تعداد از آنها هنوز به دست نیامده عبارت اند از اکثر اعظم در منطق،

^۱ همان صص ۱۲۳

^۲ زادگاه ناصر خسرو

^۳ همان صص ۱۲۶ - ۱۲۷

قانون اعظم در سحر و علوم مخفی، رساله های المستوفی علم یونان، دستور اعظم، کنزالحقایق و تفسیر از قرآن کریم از نگاه باطنی می باشد.^۱

از جمله آثار دیگرش کلام پیر می باشد. که این کتابی است که شخصی به نام خیرخواه هراتی در قرن دهم هجری یعنی پنج قرن بعد از ناصر خسرو در دو قسمت تألیف کرده بود و به ناصر خسرو نسبت داده شده است که قسمت اول آن شرح حال ناصر خسرو و دیگر رساله است از ابو اسحاق که این کتاب امروز به عقیده اسمعیلی های آسیایی مرکزی یک کتابی پسندیده تلقی شده و گمان می کنند که از خود ناصر خسرو بوده است.^۲

افکار ناصر خسرو

عقاید و افکار ناصر خسرو قبل از سفر او به مصر: ناصر خسرو پیش از آن که در سفر مصر به مذهب باطنی بگراید مذهب وی چی بوده است. گرچه مؤلف سرگذشت مجهول خودش شیعی مذهب است ولی اعتراف می کند ناصر خسرو مقید به یک مذهب نبود. شک و شبه نیست که ناصر خسرو حکیم و آزاده مردی بود و آن هم از بسا قراین معلوم می شود که قبل از سفر معروف اش به مصر

^۱ دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، به سرپرستی حسن انوشه ج ۱، صص ۸۶۷

^۲ همان صص ۱۲۷

مانند همه اهل خراسان و بلخ او هم سنی^۱ مذهب بوده. در سفرنامه اش هر جا که از حضرت ابوبکر، عمر و عثمان^{رض} یاد می کند و بعد از نام شان^{رض} می نویسد و همین جمله را برای حضرت علی^{رض} و امام حسین^{رض} نیز استعمال می نماید. وقتی که به صور^۲ می رسد از نیکی قاضی آن جا به سنی بودنش ذکر می کند. و حین سیاحت اش به فلسطین از زیارت تبارکه دیدن می کند.^۳

ولی در مرحله دوم زندگی اش افکار و عقاید ناصر خسرو، کاملاً منطبق با آراء و عقاید اسماعیلیه و خلفای فاطمی مصر است. در حالی که عناصر عمده اندیشه و افکار ناصر خسرو عبارت است از: دانایی و حکمت، خردگرایی، تأمل گرایی، تأکید بر اختیار آزادی انسان، بیان ارزش دین و سخن و توجه به پند، توجه به علم و دانش، همراهی گفتار و عمل، توجه به حجت و برهان و استدلال،

^۱ سنیان. اهل تسنن. رجوع به تاریخ سیستان صص ۱۹۱ - ۱۹۲ و مزدیسنا صص ۲۸۹ و ضحی الاسلام و فهرست آن و رجوع به سنی شود.

^۲ شهریست بر ساحل بحر متوسط، دارای ۷۰۰۰ تن سکنه و از پایتخت های فینیقیان است. این شهر دو قسمت است: یکی جزیره و دیگر صوری که بر ساحل است. تاریخ بنیاد آن تا به سه هزار سال قبل از میلاد بالا رود. بین صور و فراعنه مصر روابط بازرگانی محکمی برقرار بوده است. صور در حدود ۱۱۰۰ ق. م. رونقی یافت.

مؤلف حدود العالم نویسد: شهریست از شام بر کران دریای روم و اندر وی مسلمانانند. شهریست با نعمت بسیار و کشت و بزر بسیار و خواسته های بسیار. مؤلف ایران باستان نویسد: شهر صور بواسطه ُ بوغاز تنگی که عرض آن

^۴ استاد یا تقریباً ۷۰۰ ذرع بود از المنجد فی الادب و العلوم

^۳ عبدالوهاب طرزی (۱۳۵۵) ناصر خسرو بلخی حکیم و شاعر قرن پنجم هجری افغانستان، کابل، صص ۳۶

انتقادات اجتماعی از سران دین و عوام و شاعران و حاکمان، نکوهش ناصیان^۱ و دشمنان علی^(ع) و آل علی^(ع).

از آن جا که ناصر خسرو سه سال را در قاهره پایتخت خلفای فاطمی گزراند، در آنجا با اصول افکار و عقاید اسماعیلیه آشنا شد و مراتب سیر باطنیه را طی کرد و به همین مذهب در آمد. و به عنوان حجت راهی خراسان شد تا به تبلیغ این مذهب بپردازد^۲

در اندیشه و افکار ناصر خسرو خداوند برتر از کلیه صفات مخلوقات اعم از ثبوتیه^۴ و سلبيه^۵ بوده و برتر از حدود فهم و درک بشری است. به همین دلیل برای آن که در امر آفرینش مشکل صدور کثیر از واحد پیش نیاید معتقد است که از فرمان و امر خدا عقل کل پدید آمد. سپس نفس کل توسط عقل از کلمه امر باری وجود یافت و از نفس کلی و به تأیید عقل، طبیعت کل، هیولا، امهاد و اجرام سماوی و موالی پدید آمد. صدور عقل کل از فرمان باری به طریق ابدی و صدور سایر موجودات که

^۱ نصب کننده

^۲ محمد بهارلو (۱۳۹۳) بررسی و تحلیل درونمایه ها و مضامین اصلی قصاید ناصر خسرو با توجه به آثار منتشر وی، پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، ص ۹

^۳ همان ص ۵

^۴ (صفت) مونی ثبوتی مقابل سلبيه: صفات، از لغت نامه دهخدا (vajehyab.com)

^۵ جامه، پوشش و بمعنای غارت و تاراج و یغما (vajehyab.com)

توسط عقل و نفس از امر به وجود آمده اند به طریق انبعاث^۱ است.

لذا سرآغاز آفرینش در اندیشه او ابداع خلق لا من شی است. مجموعه عالم در اندیشه او ابداعی است، یعنی خداوند عالم را به یک کلمه و به صورت بالقوه^۲ در عقل کل آفرید و هر یک از این سور بلقوه به تدریج به فعلیت می رسند.

در اندیشه او حق تبارک و تعالی صرفاً امر می کند و جهان به امر او موجود می شود. او علاوه بر باری تعالی مبادی دیگری نیز برای جهان قائل است و آن عقل کل و نفس کل است که به منزله کارکنان حق تعالی است. عقل کل، مبدأ نخست و علت العلل بوده و موصوف به صفات است. در واقع ناصر خسرو کلیه صفات را برای عقل کل اثبات می کند. نفس کل در مرتبه پائین تر از عقل کل، صانع عالم جسم.

غرض صانع از آفرینش عالم، پدید آمدن انسانی است که همه افاضات^۳ عقل کل^۴ را به تمامی بپذیرد و به تمام بی خلق مسلط شود. و وقتی چنین شخص پدید آمد بساطی عالم برچیده شده و قیامت برپا می شود و هر انسانی بر حسب اعمال خود، مستحق ثواب یا عقاب می شود. البته این ثواب و

^۱ برانگیخته شدن

^۲ به حالت قوت

^۳ بخش صدا

^۴ خرد نخست

عقاب در اندیشه و افکار او علمی است نه حسی، زیرا در اندیشه او بازگشت نفس در قیامت به بدن دنیوی مستلزم تناسخ است. در نتیجه او منکر معاد جسمانی است و به همین دلیل متعلق ثواب و عقاب در اندیشه او نفس است.

عقل جزیه انسانی در اندیشه او پیامبر بلقوه (پیامبر) درون است که به یاری پیامبر بالفعل - که وی از آن به ناطق تعبیر می کند. - به فعلیت می رسد. ناطق در هر عصری به تشریح و حفظ ظاهر شریعت می پردازد و وصی^۱ او به تأویل ظاهر شریعت می پردازد. و امام پس از ناطق و وصی، حافظ ظاهر و باطن شریعت است و به همین دلیل است که مرتبه امام در اندیشه و افکار او برتر از ناطق و وصی است.^۲

طوری که قبلاً تذکر داده شد که عقاید و افکار ناصر خسرو به کلی طبق طریقه باطنیه و اسماعیلیه و آراء و افکار پیروان خلفای فاطمی مصر و مغرب است که آنها را در کتب قدیمه گاهی هم شیعه، سبیه^۳ و دشمنان آنها آنان را ملاهده^۴ و قرامطه^۵ می نامیدند، ولی او به معنی تام کلمه، قرمطی^۶ نبوده

^۱ وصیت از فرهنگ دهخدا

^۲ زهره چاچه بی قهی (۱۳۸۹) بررسی وصول جهان بینی ناصر قبادیانی، دانشگاه تهران، دانشگاه الهیات و معارف اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته فلسفه و کلام اسلامی، چکیده

^۳ هفتیان هفتگرایان نام دیگر اسماعیلیه که شماره ی هفت را شوی می دانستند - (vajebyab.com)

^۴ لاهو و لمب (vajebyab.com)

و در سفرنامه خود از قرامطه بوسعیدی لحسا به لهجه طعن حرف می زند. وی چنان که از کلمات او بر می آید، بعد از عودت به مصر خیلی زاهد و پارسا و متقی و عابد بوده، شراب نمی خورده و به نماز و روزه مداومت داشته و بلکه به درجه ریاضت شاقه و به قول خودش (ترک خلال) در زهد مبالغه و به احکام شریعه و واجبات^۲ و مستحبات^۳ مواظبت می کرد، و در سفرنامه صفحه ۴ به ترک مال دنیا تصریح و در بیت ۱۷۰۹ دیوان، به دست شستن از لذات دنیا از روزی که از نهر فراط عبور کرد یعنی به قلمرو فاطمیان قدم گذاشت اشاره می کند.^۵

ناصر خسرو خود اصول عقاید مذاهب مختلف را بررسی کرد و با ارباب ادیان مختلف مصاحبت داشت. یعنی در کنار تمام این عشرت جویی ها و جا طلبی ها در طول سال های خدمات دیوانی با آرای اهل حکمت آشنایی کامل یافت و از مذاهب و عقاید ملل و نحل گوناگون اطلاع حاصل کرد. از طب و نجوم و حکمت و تفسیر بهره فراوان یافت و کم و بیش از آنها استفاده کرد. او سعی می کرد

^۱ یک تن از قرامطیان پیرو فرقه قرامطه جمع: قرامطه، مخالف مذهب و دین از فرهنگ فارسی عمید

^۲ مخالف مذهب و دین از فرهنگ فارسی عمید

^۳ لازمی از ناظم الاطباء

^۴ عملی که به جا آوردنش ثواب داشته باشد جمع: مستحبات

^۵ سید حسن تقی زاده (۱۳۰۵ خ) زندگی نامه ناصر خسرو قبادیانی، صص ۵۰ و ۵۱

در ورای الفاظ و ظواهر نفوذ کند و چیز بیشتر از فهم عوام بجوید، چرا که ظواهر شریعت را سخت حقیر و بی اعتبار می یافت و در ورای آن چیز دیگر می جست.^۱

آنچه از اندیشه ناصر خسرو در اشعار اش دریافت می شود این است که تمامی ای مظاهر هستی در خدمت اویند. و پادشاهی انسان تا بدان جا نمود پیدا کرده است که او را همچون سلیمان می داند که دد و دیو همه مطیع و فرمانبردار او یند و همه این مظاهر که در خدمت او هستند انسان را به سوی خودشناسی و حق نگری دعوت می کند تا آن جایی که به کمال واقعی خود برسد و آئینه تمام نمایی حق و حقیقت گردد.

دیگر اینکه یکی از مقولات آشکار و روشن اندیشه ناصر خسرو که بارها از راه استدلال بر آن تأکید کرده، مسئله آزادی انسان در انتخاب سرنوشت خویش است. او معتقد است که سعادت و شقاوت آدمی در دست خود اوست.^۲

مفهوم خدا در اندیشه ناصر خسرو که همان اعتقاد اسماعیلیان است بر این اساس استوار است، خداوند سرمنشاء هستی و برتر از هستی است. خداوند از هر گونه نام و صفتی مبرا است و به هیچ

^۱ علی اکبر ولایتی (۱۳۹۴) مجموعه مقالات همایش حکیم ناصر خسرو قبادیانی، دانشگاه شهید بهشتی، ناصر خسرو و سیر افاق و الفاظ، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، صص ۷۷۵

^۲ ناصر کاظم خوانلو و مریم خطکار (۱۳۹۴) بازتاب جلوه های انسان سالاری از دیدگاه ناصر خسرو، مقاله تهران: دانشگاه بهشتی، صص ۸۳۳ - ۸۳۶

نامی قابل خطاب نیست. ناصر خسرو خداوند را از هرگونه توصیفی برتر و هر نوع وصفی را در باره وی مستلزم تشبیه می داند.

خدای را به صفات زمانه وصف نکن که هر سه وصف زمانه هست و باشد و بود

یکی است با صفت و بی صفت نگوئیم اش نه چیز و چیز نگویش که ماند چنین فرمود^۱

بر این اساس قضیه بی حکم از این حکم قابل استنباط است در زبان منطقی به این صورت است که خداوند برتر از هستی است.

ارتباط هستی با خدا ممکن نیست. در کتاب این مفهوم که ناصر خسرو تلاش می کند در قالب جهان بینی اسماعیلی به مخاطبانش بقبولاند، گاه خداوند در دیوانش در مفهوم شخصی است. که می توان با او گفت و گو کرد.

بنالم بتو ای علیم قدیر از اهل خراسان صغیر و کبیر

چه کردم که از من رمیده شدند همه خویش و بیگانه بر خیره خیر

مقرم به فرمان پیغمبر ات نه انباز گفتم ترا نه نظیر

مگفتم مگر راست که گفتم که نیست ترا در خدای وزیر ای قدیر (دیوان صص ۴۰۰)

^۱ دیوان صص ۲۲ و ۶۴

تصییح هفت چرخ شنود است گر نیست گشته گوش ضمیرت کر (دیوان صص ۱۴۵)

^۱ مرتضی محسنی و اتنا ریحانی (۱۳۹۴) تناقضات اندیشه های ناصر خسرو در دیوان اشعار، تهران، صص ۸۶۳ و

فصل سوم

- سفرنامه و اهمیت آن ۵۵
- اسباب و انگیزه سفر ناصر خسرو ۵۸
- زبان سفرنامه ناصر خسرو ۶۱
- سبک نثر سفرنامه ۸۱

سفرنامه و اهمیت آن

در طول تاریخ و تمدن بشر، عوامل مختلف باعث گردیده، افرادی برای مدت های کوتاه یا طولانی سرزمین مادری خود را ترک گویند و سفر را تجربه کنند، بسیار کسان ازین مردان و زنان، به انگیزه های مختلف، خاطرات سفر خویش را به رشته تحریر در آورده اند و دیگران را در تجربیات، لذت ها و مخاطرات سفر خود سهیم ساخته اند. تواتر این نوع خاطره نویسی آنچنان فراوان بوده که در ادبیات منثور، ژانری با نام سفرنامه به وجود آمده که دامنه آن چنان گسترده گردیده که خود به زیر شاخه های فراوانی تقسیم می شود و بسیاری از آنها، افزون بر ارزش محتوایی و تاریخی خود، اثری ماندگار در عرصه ادبیات است. و مشاهیر بسیاری نام شان به این بهانه ماندگار شده است.^۱

نکته مهمی که در سفرنامه قابل ملاحظه است، دقت نظر و دید نویسنده است.^۲

نامه های که در باره گردشگری بجا مانده یا به قول دیگر سفرنامه های که از قدیم تا به حال وجود داشته از انواع و ماهیت مختلف برخوردار است و اهداف و مقاصد خاص خود را داشته و در بر دارد که عبارت از گردشگری فضایی که امروزها صورت می گیرد و در کنار آن می توان از گردشگری

^۱. شکوة السادات حسینی (۱۳۹۴) سه سفر نامه، سه دیدگاه ناصر خسرو، ابن بطوطه، برادران امیدوار، همایش

حکیم ناصر خسرو قبادیانی تهران، صص مقدمه، ۵۷۸

^۲ Oxford University (1948) The Rise of Fatimids/عروج فاطمیهها. London. PP 10- 13

اسلامی، گردشگری ادبی، گردشگری فرهنگی، گردشگری آموزشی، گردشگری حج و زیارت، گردشگری مذهبی، گردشگری خاطرات، گردشگری باستانشناسی که اهداف سفر و دست آوردهای شان را پس از مسافرت مینوشتند همان سفرنامه/سیاحتنامه، نامه گردشگری است. حال به کمک انجمن گردشگران ایران سفر مجرای و شورای عالی جهانگردی و تورزم/مسافرت، اتحادیه جهانی به خاطر اهمیت سفر و سفرنامه نویسی که از قدیم تا به امروز در اعمار تمدن نوین شهری به کمک تبادل ادبیات ملت های مختلف بوده تشویق و حمایت شان امروز همچنان از طریق اهدای ویزای تورزم است. مسافرت و پی آن سفرنامه نویسی در امر زنده ماندن فرهنگ سفرنامه نویسی از قدیم تا به امروز در بین سفرنامه نویسان است.

حال به آغاز ادبیات سفرنامه نویسان سران نامدار ایرانی در رابطه به سفرنامه نویسی، مروری به دریچه تاریخ میکنیم مانند: سفرنامه ناصر خسرو، سفرنامه حاجی سیاح محلاتی، سفرنامه حاج ایاز خان قشقای، سفرنامه محمدعلی معین السلطنه، سفرنامه میرزا ابوالحسن شیرازی مشهور به ایلچی، سفرنامه میرزا صالح شیرازی، سیاحتنامه ابراهیم بیگ، سفرنامه ی خوزستان و مازندران رضاشاه از سفرنامه های نامدار و جاوید از قدیم تا به امروز در ایران است که خواننده های خارجی را کنار

مطالعه کنندگان غیر ایرانی خود امروز دارد،^۱ که سفرنامه ناصر خسرو یکی از پیشکسوتان در امر سفرنامه نویسی کنار سفرنامه نویسان نامدار غیر ایرانی مانند: سفرنامه مارکوپولو سفرنامه پیتر و سفرنامه ابن بطوطه سفرنامه ابن فضلان در زمره سفرنامه نویسی است.

فرهنگ سفرنامه نویسی ی فارسی از قرن پنجم با سفرنامه نویسی ناصر خسرو آغاز شد و دکتر محمد علی ندوشن و دکتر منوچهر ستوده از سفرنامه نویسان نامدار امروز در ایران است که تاریخ فرهنگ سفرنامه نویسی را در ایران به یک هزار سال میکشانند.^۲

از نام سفرنامه های که ذکر کردم مقاصد و فوائد شان در امر پیشرفت تمدن امروز هویدا و آشکار است که بنده به نام های سفرنامه نویسان ایرانی و غیرایرانی نوعیت و تاریخ مختصر از سفرنامه نویسی اکتفا کردم تا از دایره تحقیق در این مورد خارج نشوم.

اسباب و انگیزه سفر ناصر خسرو

^۱ آخوند سلیمان و سید شاه فطور (۱۹۷۳م) تاریخ بدخشان، مسکو: آکادمی علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی تاجکستان ص پیشگفتار

^۲ همان: صص ۲۲

^۳ بدخشی، عبدالله (۱۳۸۱خ) مجله کابل، شماره ۱۰۱

^۴ دکتر محمد معین، کورین، هنری (۱۹۵۲م) جامع الحکمتین ابو معین ناصر خسرو به تصحیح مقدمه فارسی و فرانسوی، تهران: دانشگاه تهران ص ۷۰

خواب بیدار کننده و ماجرای رویای خواب شگفت انگیز ناصر خسرو و پیامد های آن

"شبی در خواب دیدم که یکی مرا گفتی چند خواهی خوردن از این شراب که خرد از مردم زایل کند؟"

اگر بهوش باشی بهتر. من جواب گفتم که "حکما جز این چیزی نتوانستند ساخت که اندوه دنیا کم کند" جواب داد که "بیخودی و بیهوشی راحتی نباشد.

حکیم نتوان گفت کسی را که مردم را به بیهوشی رهنمون باشد، بلکه چیزی باید طلبید که خرد و هوش را بیفزاید" گفتم که "من این از کجا آرم؟"

گفت: جوینده یابنده باشد^۱ و پس سوی قبله اشارت کرد و دیگر سخن نگفت. چون از خواب بیدار شدم آن حال تمام بریادم بود. بر من کار کرد و با خود گفتم که "از خواب بیدار شدم، اکنون باید که از خواب چهل ساله نیز بیدار گردم اندیشیدم که تا همه اقبال و اعمال خود بدل نکنم فرج نیابم، روز پنج شنبه ششم جمادی الآخر سنه سبع و ثلاثین و اربعما ۴۳۷ نیمه دی ماه پارسیان سال بر چهارصد و چهارده یزدگردی، سر و تن بشستم و به مسجد جامع شدم و نماز کردم و یاری خواستم از باری تبارک و تعالی، به گزاردن آنچه بر من واجب است و دست باز داشتن از منهیات و ناشایسته.

^۱ ضرب المثل است که بیشتر در کشور ایران استفاده می شود به معنی هر که بیش تر سعی کند موفق می شود. و

چیزی به دست می آرد. سفرنامه ناصر خسرو ص ۲

پس به مرو رفتم و از آن شغل که به عهده من بود معاف خواستم و گفتم که مرا عزم سفر قبله است پس حسایی که بود، جواب گفتم و از دنیایی آنچه بود ترک کردم مگر اندک ضروری^۱

به سال ۴۳۷ قـ وقتی که ناصر خسرو ۴۰ سال داشت یک واقعه بالای او روی داد که مسیر زندگی آینده اش را یکباره تغیر داد و باعث سفر ۷ ساله او شد. این واقعه رویایی بود که به تعبیر خود او باعث بیداری او از خواب طولانی غفلت و گمراهی و به دیگر سخن، آغازی تحولی بزرگ روحی و فکری او در شروع دهه پنجم عمرش شد. او شرح مفصل این خواب را در شروع سفرنامه یی خود آورده است.

همان گونه که پیش از این نیز اشارت رفت، این رویا تکان روحی شدیدی بر ناصر خسرو وارد آورد و موجب بروز انقلابی از این در درون او شد تا آنجا که مصمم شد باورها و شیوه زندگی گذشته اش را یکسره و برای همیشه ترک کند.

ناصر خسرو در پی اتخاذ تصمیم مذکور به مرو عزیمت و از سمت دیوانی خود کناره گیری کرد. پس به مرو رفتم و از آن شغل که به عهده من بود معاف خواستم و گفتم که مرا عزم سفر قبله است، پس حسایی که بود جواب گفتم و از دنیای آن چه بود، ترک کردم مگر اندک ضروری.

^۱ حکیم ناصر بن خسرو قبادیانی بلخی (۱۳۷۰) سفرنامه ناصر خسرو، به کوشش نادر وزینپور، کابل: مطبعه دولتی، ریاست نشرات وزارت اطلاعات و کلتور ص ۲ و ۴

ناصر خسرو طی سفر طولانی هفت ساله اش مسافتی را در حدود ۲۲۲۰ فرسنگ^۱ که معادل آن تقریباً ۱۳۳۲۰ کیلومتر می شود با امکانات و وسایل بسیار محدود سفر و وضعیت بس نامناسب راه های ارتباطی آنزمان گاه بر پشت اسب و شتر و گاه با پا پیاده و گاه بر روی کشتی و قایق طی نموده است. بدین ترتیب سفر ۷ ساله ناصر خسرو در جستجوی فرج و یا حقیقتی که هوش خرد را بافزاید شروع شد که در این مسافرت برادر کوچک اش ابو سعید و غلام هندو وی را همراهی می کردند. ناصر خسرو طی مسافرت طولانی اش مناطق و جاه های بسیار وسیع از دنیای شناخته شده آنزمان را در نوردیده و از سرزمین ها، شهرها و کشورهای بسیاری دیدن کرد که شرح و تفصیل آنها در سفرنامه او آمده است. از جمله بلاد و نقاط مهمی که نام برده در مسیر رفت خود از آنها گذشته و یا در آنها زمان کوتاه یا دراز اقامت کرده است به ترتیب می توان از نیشاپور، تار، دامغان، سمنان، آذربایجان، قزوین، آسیای صغیر، شام یعنی سوریه امروزی، فلسطین و در آخر مسیرش از مکه یاد

^۱ به عربی فرسخ، از مقیاس های سنجش طول در ایران است که امروزه برابر شش کیلومتر محسوب می شود. فرسخ شریعی، ۳ میل عربی است که هر میل معادل ۱۰۰۰ باع، و هر باع برابر با چهار ذراع شرعی و هر ذراع شرعی معادل ۸۵ - ۴۹ سانتی متر است که بدین ترتیب هر فرسخ شرعی برابر با ۹۸۵ / ۵ کیلومتر است به گفته مولف جامع عباسی، هر فرسخ شرعی ۳ میل است و هر میل ۴ هزار گز و هر گز برابر است با فاصله آرنج تا نوک انگشت میانه دست که آن را مساوی با ۲۴ انگشت میانه دست که، ب عرض، پهلوی هم قرار گرفته باشند، حساب می کنند. و هر انگشتی را ۷ دانه جو که، از عرض، کنار یک دیگر قرار گرفته باشند (ماخذ: دکتر مصاحب، دایرة المعارف فارسی).

کرد سپس او از زیارت بیت الله الحرام از راه شام به مصر و قاهره عزیمت کرد و مدتی سه سال در آنجا اقامت داشت و طی این مدت سه بار راهی مکه شد.

ناصر خسرو بعد از انجام آخرین زیارت خانه خدا تصمیم به بازگشت گرفت و از راه طائف و یمن و لحسا به بصره در سال ۴۴۳ هـ شد و از آنجا به عبادان یعنی آبادان کنونی رفت و بعد از آن از طریق ارجام یعنی بهبان و لردگان که از طوابع چهار محال و بختیاری عازم اصفهان شد.

زبان سفرنامه ناصر خسرو

از نظر زبان و نگارش، سفرنامه از استواری، ایجاز سادگی و شفافیت خاصی برخوردار است و می توان گفت که از مهم ترین آثار نثر فارسی به شمار می آید. زبان سفرنامه روان و ساده و پاکیزه است. ناصر خسرو تا آنجا که می تواند، فارسی می نویسد و دستور و زبان فارسی را به کار می گیرد که زبان فارسی امروزیین مدیون اوست.^۱

^۱ محمود کویر (۱۳۸۶) ناصر خسرو، آفتاب، صص ۲۵

ناصر خسرو/ http://www.aftabir.com/articles/view/art_culture/literature-verse/c5c1200140636p1.php (دستیابی

شد: ۲۰۱۹/۲/۱)

در سفرنامه ناصر خسرو لغات تازه عربی زیاد از آنچه در کتاب معاصر او یاد شده است، و در ایراد لغات فارسی مانند سایر همشویوه گان خود مددگار و مقید بوده است.^۱

● میزان کاربرد واژه ها و ترکیبات عربی در سفرنامه ناصر خسرو

میزان کاربرد واژه ها و ترکیبات عربی در سفرنامه ناصر خسرو نسبتاً کم است. نسبت واژه های عربی به کل واژه ها در ده صفحه سفرنامه که به طور تصادفی انتخاب شده بدون در نظر داشت گرفتن اعلام حدود ۳۰ در صد بوده است.^۲

اگرچه ناصر خسرو به زبان عربی آشنایی داشت، ولی تا اندازه که می تواند از آن استفاده نمی کند و از استفاده کلمه های غیر فارسی تا اندازه خود داری کرده است تا آن جا که از مجموعه (۱۹۵) واژه به کار رفته تنها ۳۲ واژه یعنی به طور تقریر ۴ ر ۱۶ در صد عربی است.^۳

● کاربرد عبارات و لغات عربی در سفرنامه ناصر خسرو

مانند و هی هذ ^۱ سنه تسعه و ثلاثین و اربعمائه، مخمس، مقبره انشاء الله تعالی وحده، بحق

^۱ سبک شناسی سفرنامه و زاد المسافرین، مجله فرهنگ جمعه، شماره ۳۲۰۰، سال ۱۳، ۱۳۹۴، صص ۲۸

^۲ مهدی درخشان (۱۳۵۰خ) سبک نثر ناصر خسرو در سفرنامه، مندرج یادنامه ناصر خسرو صص ۱۹۷ - ۱۹۸

^۳ دکتر احمد کتابی، (۱۳۹۵) درنگی در نثر روان، شیوا و بی پیرایه حکیم ناصر خسرو قبادیانی، بخش اول روزنامه اطلاعات، تهران، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، پژوهش های اسلامی و ایرانی

(دستیابی شد: ۵ جنوری ۲۰۱۹) <https://www.cgie.org.ir/fa/news/۱۵۵۱۵۶>

الحق و اهلہ ، و لا (از ولا عربی که به معنی پیایی آمدن آست یا بهمان ترتیب، حجاج ، بحق محمد.

مانند: روزی سیوم ده ماه قدیم از سال چهار صد و شانزده عجم این میوه ها و سپرغم ها به یک روز دیدم که ذکر می رود وحی هذه.^۲

مانند: خدایا در آن روز پناه بندگان تو باش و عفو تو. آمین یا رب العالمین. بر کناره آن دشت مقبرهای است بزرگ و بسیار مواضع بزرگوار که مردم آنجا نماز کنند و دست به حاجات بردارند، و ایزد، سبحانه و تعالی، حاجات ایشان روا گرداند..^۳

● سطح زبانی و دستوری

کاربرد ضمائر

از نظر انواع کاربرد ضمائر در سفرنامه ناصر خسرو، از میان ضمائر اشاره، ضمیر "آن" بیشترین استفاده را داشته است. که به صورت های "آنجا، آنوقت، در آن، بر آن، از آن همه" و پس از آن

^۱ همان صص ۸۳

^۲ سفرنامه صص ۹۲

^۳ سفرنامه صص ۳۱۸ - ۳۱۹

ضمیر اشاره "این" بیشترین کاربرد را داشته است. بیشترین ضمیر شخصی مورد استفاده ضمیر اول شخصی مفرد (من) است.

مانند: "و آن مرد چون بیرون آمد. گفت که آبی عظیم در این کاریز روان است و آن کاریز چهار فرسنگ می‌رود، و آن را گفتند کیخسرو فرموده است کردن"^۱

مانند: "جمادی الاولی سنه ثمان و ثلاثین و اربعمائه بود و در آن وقت برگ درختها هنوز سبز بود و باره عظیم داشت از سنگ سفید برشده"^۲

ضمیر سوم شخصی مفرد (او) نیز در توضیح مراحل اهرام و اعمال حج به کار گرفته شده است. در بخش "صفت گشودن در کعبه" ضمیر (ایشان) را به کار گرفته است.^۳

^۱ سفرنامه صص ۴۱۱

^۲ همان صص ۳۰۲

^۳ ارستو جنیدی، (۱۳۹۶) سفرنامه ناصر خسرو، قسمت اول، تهران: صدای جمهوری اسلامی ایران، صدای آیین ها و هنرها، رادیو فرهنگ

(دستیابی شد: ۳ جنوری ۲۰۱۹) <http://radiofarhang.ir/channelnewsdetails/?m=۰۶۰۰۱&n=۱۸۷۶۸۵>

مانند: و این مسجد را نیز حاکم از فرزندان عمرو عاص بخريد، که نزديک (او) رفته بودند و گفته: «ما محتاجيم و درویش، و این مسجد پدر ما کرده است، اگر سلطان اجازت دهد بکنیم و سنگ و خشت آن بفروشیم». پس حاکم صد هزار دينار به ایشان داد.^۱

به ویژه ناصر خسرو درباره مصر. بعضی از ویژگی های سبک نثر قرن چهارم و پنجم (نظير استعمال، همی، یای استمراری) را در سفرنامه به صورت زیاد به کار برده است.

مانند: " و نزديک حظيره سنگی است به بالای مردی که سر وی چنان است که زیلوی کوچک بر آن موضع افتد، سنگ ناهموار و گویند این کرسی سلیمان بوده است و گفتند که سلیمان x بر آنجا نشستی بدان وقت که عمارت مسجد /همی کردند.^۲

ناصر خسرو در مواضع گوناگون از سفرنامه چون که در باره چیزی که خود قبل دید (فعل دیدم) را می نوشت. تا خوانندگان از سخن او مطمئن باشند و یقین دارند که اطلاعاتی که در کتاب یاد کرده شد درست و دقیق اند. مانند:

^۱ همان صص ۳۵۵

^۲ همان صص ۳۳۳

“شنیدم که کسی آن جا دستار سلطان مصر بافته بود، آن را پانصد دینار زر مغربی فرمود و من آن دستار دیدم”^۱

وقتی می خواهد از چیزی که آن را به چشم های خود ندیده است سخن بگوید، فعل شنیدن را به کار می برد مانند: “شنیدم که ملک فارس ۲۰۰۰۰ دینار به تنیس^۲ فرستاده بود و شنیدن که سلطان روم کسی فرستاده بود^۳ و از سلطان مصر در خواسته بود”^۴.

● کاربرد فعل و انواع آن:

در سفرنامه ناصر خسرو با وجودی که سفرنامه در گذشته روایت شده است و حالت گزارش گونه دارد و از احوال مردم، توصیف شهر های پیش از رسیدن به شهر مکه و سپس توضیح از چگونگی و

^۱ دکتر محمد رضا یوسفی (۱۴۳۵ق) از قبادیان تا یمگان شرح سی قصیده ناصر خسرو (با تکیه به تلمیحات و آیات و احایث به انضمام متکثر، کامل، سفرنامه، نارنجستان: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، رقبه ابراهیمی، شهر آباد، صص ۲۳۸

^۲ تونس. کشور جمهوری تونس که به افریقای شمالی و بر کرانه دریای مدیترانه قرار دارد. نام باستانی آن ترسوس بوده کشوری در شمال قاره افریقا واقع در کرانه های جنوبی دریای مدیترانه (منتهی الارب) از vajebyab.com و سفرنامه ناصر خسرو صص ۲۳۳

^۳ همان صص ۳۳۸

^۴ احمد السعید محمد احمد ابو الجود (۱۳۹۴) وصف مصر در کتاب سفرنامه ناصر خسرو، مجموعه مقالات همایش ناصر خسرو قبادیانی، تهران: صص ۶۰۴

محل های اهرام، شرایط جغرافیایی شهر مکه و امیر آنجا، شرح حالی مبسوط از نبودن آب آشامیدنی و شرایط سخت بی آبی و گرانی محصولات کشاورزی و نان و ذکر میوه های موجود در بازار مکه (از افعال زمان مضارع به خصوص مضارع ساده) استفاده کرده است. به عنوان مثال "در این بازار بزرگ که سوی مشرق است و آن را سوق العطارین گویند^۱ بنا های نیکوست و همه دارو فروشان باشند"

دیگر فعلی که مورد کاربرد ناصر خسرو است (فعل مضارع استمراری) است که در دیدن مناظر که در آن فعالیت در حال وقوع بوده و او نیز بر آن اعمال بوده به کار برده است. مثلاً "در مکه دو گرمابه است،^۲ فرش آن سبز که فسان^۳ می سازند.

● نوع کاربرد گاه به گاه عبارت های بدون فعل در سفرنامه ناصر خسرو

از دیگر ویژگی های نثر ناصر خسرو کاربرد گاه به گاه عبارت های بدون فعل است به دو صورت مشاهده می شود. گاهی جمله مطلقاً فاقد فعل است نظیر عبارت زیر که کلمات و ترکیبات آن فقط با (واو) عطف بدهیم، مرتبط شده اند.

^۱ همان صص ۳۷۶

^۲ همان صص ۳۷۶

^۳ سنگی که بدان کارد و شمشیر تیز کنند. (لغت نامه دهخدا)

^۴ نام فارسی حجر المسن است، سنگی که با آن کارد یا شمشیر تیز کنند (لغتنامه دهخدا)

مانند: "و در شهر جوی های آب روان و بنا های نیکو و مرتفع و در میان شهر مسجد آدینه بزرگ (و) نیکو"^۱

"گاهی هم، فقط بخش از جمله یا عبارت بدون فعل مانده است

مانند "مساحت شهر هزار ارش^۲ است در هزار ارش، همه چهار پنج طبقه"^۳

اما در هر حال حذف فعل به گونه صورت گرفته که قابلیت فهم عبارت آسیبی وارد نیاورده است و البته این کار آسان و ساده ای نیست.

● نوع جملات

ناصر خسرو از (وجه پرشی) در بخش مربوط سفرنامه مکه استفاده نکرده است. (وجه جملات خبری) است. (جملات توصیفی) و عمدتاً توصیف مکان است و غالباً مثبت هستند. از حرف (ربط: و) بسیار استفاده شده که (جملات ساده) را به سایر جملات وصل کرده و (جملات مرکب) و بلند حاصل شده است.

^۱ همان: صص ۴۰۷

^۲ واحد طول از سر انگشت میانی تا آرنج، یا انگشت میانی دست راست تا انگشت میانی دست چپ، وقتی که دستها را از هم باز کنند

^۳ همان صص ۳۰۸

مانند: "مرا حکایت کردند که بدین شهر زلزله افتاد شب پنج شنبه هفدهم ربیع‌الاول سنه اربع و ثلاثین و اربعمائه و در ایام مسترقه بود پس از نماز خفتن. بعضی از شهر خراب شده بود و بعضی دیگر را آسیبی نرسیده بود. و گفتند چهل هزار آدمی هلاک شده بودند."^۱

● میزان کاربرد جملات و عبارات در سفرنامه ناصر خسرو:

یکی از ویژگی‌های شیوه نگارش ناصر خسرو، احتراز از جمله‌های طولانی و نیز جملات حاوی جمله یا عبارت معترضه است. وی، حتی المقدور، می‌کوشد از جمله‌های کوتاه و یا به نسبت کوتاه که درک آن‌ها برای خواننده آسان‌تر است، استفاده کرده. نمونه از این گونه جملات مانند: "در آن شهر (=معره النعمان)^۲ مردی بود که اورا ابو العلیٰ معری می‌گفتند. نابینا بود. و رئیس شهر او بود. نعمتی بسیار داشت. و بندگان و کارگزاران فراوان. ... و خود طریق زهد پیش گرفته بود. گلیم پوشیده و در خانه نشسته و بیم من نان جوین را تبه^۳ کرده که جز آن هیچ نخورد"^۴

^۱ همان صص ۳۰۰

^۲ شهری است بزرگ و قدیم از توابع حمص در شام میان حلب و حماة. در شش فرسنگی سرمین - نسبت بدان

معری است و ابو العلیٰ معری اهل آنجا است. از سفرنامه ناصر خسرو صص ۲۸۸

^۳ جیره

^۴ همان صص ۳۰۶

و نیز:

"و بیت المقدس را بیمارستانی نیک است. و وقت بسیار دارد. و خلق بسیار را دارو و شربت دهند

و طیبیان باشند که از وقف، مرسوم^۱ ستانند"^۲

و نیز:

"و این سنگ صخره^۳ همان است که خدای عز و جل، موسی^{علیه السلام} را فرمود تا آن را قبله

سازد"^۴.

و نیز:

"طایف ناحیتی از بر سری کوه بود. به ماه خرداد چندان سرد بود در آفتاب می بایست نشست؛ و به

مکه خربزه فراخ^۵ بود."^۶

^۱ حقوق یا دستمزد معین

^۲ همان صص ۳۱۹

^۳ مراد سنگی بزرگی است در مسجد الاقصی که به معلق بودن شهرت دارد

^۴ همان صص ۳۲۰

^۵ فراوان

^۶ همان صص ۳۹۰

● کاربرد جمله شرطی در سفرنامه ناصر خسرو

مانند "سی دینار در بصره بدهی ترا بریم"^۱، جمله شرطی که آدات شرط آن (اگر) حذف شده است

یعنی اگر سی دینار در بصره بدهی ترا می بریم

● انواع (هممعنی یا مترادف) در سفرنامه ناصر خسرو

هم معنایی یا مترادف: یکی از شناخته شده ترین روابط مفهومی است که از دیر باز مورد بحث و

بررسی دستور نویسان ادوار مختلف قرار گرفته است. فرهنگ نویسان نیز معمولاً سعی بر این

دارند تا برای نشان دادن معنی یک واژه، واژه های دیگری را ذکر کنند که به نظر هم معنی می

نمایند معمولاً به هنگام تعریف هم معنایی چنین گفته می شود. که اگر دو واژه هممعنی به جایی

یک دیگر به کار روند، در معنی زنجیره گفتار تغییری حاصل نمی آید. ولی باید توجه داشت که در

هیچ زبانی هممعنایی مطلق وجود ندارد، یعنی هیچ دو واژه را نمی توان یافت که در تمامی

جملات زبان بتوانند به جای یکدیگر به کار روند و تغییری در معنی آن زنجیره پدید نیاورند.

^۱ نادر وزین پور (۱۳۷۰ش) حکیم ناصر خسرو قبادیانی بلخی، کابل مطبعی دولتی، صص ۱۲۴

● مترادفات در سفرنامه ناصر خسرو

(سرا-خانه)-(عمارت-بنا)

(کشت-زراع)

(رخام-مرمر^۱)

واژگان هممعنای مورد استفاده ناصر خسرو تلفیق از (واژگان عربی و فارسی) است، واژگان (عمارت، زرع، رخام) عربی در کنار واژگان فارسی به کار گرفته شده اند.^۲ در فارسی معیار امروز واژه های (خانه، کشت و مرمر) نسبت به هممعنی هایی خود کاربرد عام تری دارند، همچنین به لحاظ بار معنایی خنثی تر اند و واژه های شامل تری می باشند.^۳

مانند: "عکّه شهر بر بلندی نهاده است، زمینی کج و باقی هموار. و در همه ساحل که بلندی نباشد شهر نساژند از بیم غلبه آب دریا و خوف امواج که بر کرانه میزند. و مسجد آدینه در میان شهر است و از همه شهر بلندتر است، و اسطوانهها همه رخام است. "عکّه شهر بر بلندی نهاده است، زمینی کج و

^۱ همان صص ۴۲۱

^۲ همان صص ۳۷۷

^۳ فاطمه ظهرايي (۱۳۹۴) تحليل انتقادي گفتمان سفرنامه هاي مکه ناصر خسرو و سيف الدوله، مجموعه مقالات همایش ناصر خسرو قبادیانی، تهران، صص ۷۶۳ - ۷۶۶

باقی هموار. و در همه ساحل که بلندی نباشد شهر نساژند از بیم غلبه آب دریا و خوف امواج که بر کرانه میزند. و مسجد آدینه در میان شهر است و از همه شهر بلندتر است، و اسطوانه ها همه رخام است^۱ مانند: "سر دیوار دو ارش ثخانت دارد و محراب و مقصورهای کرده است از پهنای این عمارت و در مقصوره محرابهای نیکو ساخته اند^۲.

● کاربرد تضاد در سفرنامه ناصر خسرو

مانند: شمال^۳ - جنوب، مشرق - مغرب، نزدیک - دور، تنگ - فراخ، آباد - ویران، پر - تهی، نو - قدیم^۴

مانند: "و از سوی شمال سوری دیگر است که آن را محنّه گویند، هم شهری است با بازارها و مسجد جامع و حمامات، همه با ترتیبی خوش"^۵.

^۱ سفرنامه ناصر خسرو، صص ۳۱۱

^۲ همان صص ۳۳۴

^۳ همان صص ۳۷۹

^۴ همان صص ۷۶۵

^۵ همان صص ۳۰۲

مانند: "و از آنجا چون سوی جنوب روند، بیست فرسنگ حمّاء باشد و بعد از آن حمص و تا دمشق^۱ پنجاه فرسنگ باشد از حلب^۲. و از حلب تا انطاکیه^۳ دوازده فرسنگ باشد و به شهر طرابلس همین مقدار، و گویند تا قسطنطنیه دویست فرسنگ باشد."^۴

● ذکر نام های خاص در سفرنامه ناصر خسرو

مانند مکه، کعبه، حجاز^۵، صفا و مرو، حجر الاسود، رسول الله و مسجد الحرام مانند: پس در سنه تسع و ثلاثین و اربعمائه، سَجَلُ سلطان بر مردم خواندند که: «امیرالمؤمنین میفرماید که حجاج را امسال مصلحت نیست که سفر (حجاز) کنند که امسال آنجا قحط و تنگی است و خلق بسیار مرده است. این معنی به شفقت مسلمانی میگوییم» و حجاج در توقّف ماندند. و سلطان جامه کعبه میفرستاد به قرار معهود - که هر سال دو نوبت جامه کعبه بفرستادی - و این

^۱ سفرنامه ناصر خسرو، صص ۲۳۸، دمشق الشام. داماکوس. کرسی ایالت دمشق و پایتخت کشور سوریه و

بزرگترین شهر آن بر روی رود بردی (بردا) صص ۲۳۸

^۲ همان صص ۲۴۱، شهر شمالغربی سوریه بر روی قویق یا گوگسو، به فاصله ۱۱۰ هزار گزی دریای روم

^۳ همان صص ۲۰۹، شهری در ترکیه در کنار رود اورونتس واقع در ۲۲ کیلومتری ساحل مدیترانه. انطاکیه از شهرهای مشهور قدیمی است آن را سلوکوس اول در حدود ۳۰۰ ق. م. بنا کرد و به نام پدرش آنتیوخوس نام نهاد.

^۴ همان صص ۳۰۵

^۵ همان صص ۳۲۶

سال چون جامه به راه قُلْزُم گسیل کردند، من با ایشان برفتم^۱. مانند: و چون به آستانه ها رسند، بر آنجا روند، و آن دعا که معلوم است بخوانند و بازگردند. و دیگر بار در همین بازار درآیند، چنانکه چهار بار از صفا به مروه شوند و سه بار از (مره به صفا)، چنانکه هفت بار از آن بازار گذشته باشند^۲.

مانند: و یکی از آن سلطانان در ایام خلفای بغداد با لشکر به مکه شده است و شهر مکه سته، و خلقی مردم را در طواف در گرد خانه کعبه بکشته، و حجرالاسود از رکن بیرون کرده [و] به لحسا برده^۳.

● کاربرد آیات و احادیث نبوی در سفرنامه ناصر خسرو

آیات قرآنی

(و اذ قلنا ادخلوا هذه القرية فكلوا منها حيث شئتم رعدا و ادخلوا الباب سجدا و قولوا حطة تفر لکم

^۱ همان صص ۳۶۳

^۲ همان صص ۳۷۶

^۳ همان صص ۳۹۷

خطایاکم و سنزید المحسنین^۱ داخل شوید از سجده کنان و بگویید فرونه از ما بار گناهان ما را که

می آمرزیم شما را گناهانتان را و زود باشد که بیفزایم نیکو کاران را ۵-۴۸^۲

ان اول بیت وضع للناس للذي ببكة مباركا و هدى للعلمين^۳، همانا اول خانه که بنا شد از برای

مردمان همانا آن است که به مکه است خجسته و هدایت از برای جهانیان^۴

سبحان الذي اسرى بعیده لیلا من المسجد الحرام لی المسجد الاقصى الذي بارکنا حوله منریه من آیاتنا

انه هو السميع البصیر (سوره ۱۷ اسراء، آیه ۲): پاک است آنکه بردشتی بنده اش را از مسجد الحرام

به مسجد اقصی که برکت دادیم پیرامونش را تا بنمایم ا را از آیتهای خود همانا اوست شنوای بینا^۵

قل اعوذ برب الناس ... من الجنة و الناس (سوره ۱۱۴، الناس، آیه ۱ تا ۶): بگو ای محمد پناه می

برم به پروردگار آدمیان از جن و آدمیان ۶

^۱ سوره ۲، بقره آیه ۵۵

^۲ سفرنامه صص ۴۸

^۳ سوره ۳، آل عمران، آیه ۹۰

^۴ همان صص ۱۳۰

^۵ سفرنامه صص ۴۳

^۶ همان صص ۱۶

• حدیث پیغمبر (ص)

بین قبری و منبری روضة من ریاض الجنة (حدیث پیغمبر^۱) : میان گور من و منبر من باغی است از باغهای بهشت^۱

کابرد ترکیبات عربی در سفرنامه ناصر خسرو

آمین یا رب العلمین : ترجمه پذیر ای پروردگار جهانیان^۲

بحق الحق و اهله: ترجمه به حق، حق و مردمان حق^۳

تبارک و تعالی، ترجمه: بزرگ و با نیکی بسیار و والا است.^۴

علیه السلام، ترجمه: درود بر او باد.^۵

حرسها الله، ترجمه: خدای او را حراست فرماید.^۱

^۱ همان صص ۱۰۳

^۲ همان صص ۳۶

^۳ همان صص ۱۵۶

^۴ همان ص ۱

^۵ همان صص ۳۵

● سطح بلاغی

استفاده از سبک های مختلف بلاغی مانند (تشبیه و کنایه) و غیره

تشبیه:

از عظمت و زیبایی سراهان سلطان که در قاهره بود. ناصر خسرو گفت "و آن سراها چنان بود از پاکیزه گی و لطافت که گویی از جواهر ساخته اند نه از گچ و آجر و سنگ" ^۱ پاکیزگی سراهان سلطان در قاهره را به جواهر تشبیه کرده است.

گاهی ناصر خسرو می خواهد که سیمایی چیزی را به ذهن خواننده نزدیک کند (از روی تشبیه آن) به سیمایی چیزی که در واقع می بیند مانند: "آب نیل چون زیادت می شود دبار چندان می شود که (حیچون به ترمذ ^۲). " ^۴

^۱ همان صص ۱۰۹

^۲ همان صص ۳۴۸

^۳ شهری بر ساحل رود جیحون و بر مرز افغانستان، جزء جمهوری ازبکستان از سفرنامه ناصر خسرو صص ۲۲۱

^۴ همان صص ۳۴۱

● **تشبیه:** ناصر خسرو دو شاخ نیل را به رود حیچون از لحاظ وسعت و فراخی تشبیه کرد. و گفت "و

این دو شاخ از نیل هر یک را به قدر جیحون تقدیر کردم^۱ اما بس نرم و آهسته می رود"^۲

● **تشبیه:**

قصر سلطان میان شهر قاهره است. و همه حوالی آن گشاده که هیچ عمارت بدان پیوسته است و

مهندسان آن را مساحت کرده اند برابر شهر میا فارقین است، و گرد بر گرد آن گشوده است ... و

چون از بیرون شهر بنگرند (قصر سلطان چون کوهی نماید).^۳

تشبیه: بزرگی قصر سلطان مصر را به کوهی تشبیه کرده است.

کنایه: "و این (مرد) پارسی همدست تنگ بود و وسعتی نداشت^۴ که حال مرا مرمتی کند"^۵

وسعت: سرمایه داشتن،

مرمت: اصلاح و رسیدگی،

^۱ همان صص ۲۵۸

^۲ همان صص ۶۵

^۳ سفرنامه صص ۷۷

^۴ همان صص ۴۰۰

^۵ همان صص ۱۰۹

کنایه - (دست تنگ) = (فقیر) یعنی این مردی نورانی هم فقیر بود و وضع مالی خوبی نداشت که به حال من رسیدگی کند.

کنایه:

"چون به بصره رسیدیم، از برهنگی و عاجزی به دیوانگام ماننده بودیم و سه ماه بود که موی سر باز نکرده بودیم"^۱

باز کردن موی یعنی غسل کردن

کنایه - (باز کردن مو) معنی: وقتی به بصره رسیدیم، از برهنگی و ناتوانی شبیه دیوانه ها شده و سه ماه بود که غسل نکرده بودیم.^۲

● کاربرد ضرب المثل در سفرنامه ناصر خسرو: حکیم نتوان گفت کسی را که مردم را به

بیهوشی رهنمون باشد، بلکه چیزی باید تولید که خرد و هوش را بیفزاید، گفتم که، من این از

کجا آرم؟ گفت: (جوینده یابنده باشد)^۳

^۱ سفرنامه ناصر خسرو، صص ۱۰۹

^۲ همان، صص ۱۰۹

^۳ سفرنامه ناصر خسرو، ص ۲

ضرب المثل: جوینده یا بنده باشد یعنی کسی که می جوید و کوشش می کند در آخر چیزی بدست می آرد.

● کاربرد طنز در سفرنامه ناصر خسرو

"هر کجا آب بینی، آب طلب کنی؛ که آن کس را باشد که آب باشد" یعنی ظاهر جمله طنز آمیز است.^۱

سبک نثر سفرنامه

از لحاظ ادبی این کتاب یکی از نمونه های زیبا و ارزنده نثر قرن پنجم هجری است و نشان دهنده اثری با همه خصوصیات سبکی آن قرن. لغات آنچه تازی و آنچه پارسی، در حد اعتدال و تراش خورده و کافی برای ادای مقصود است و جمله ها در حد رسایی است و در مقام قیاس تا تاریخ بیهقی تعبیرات پیچیده ندارد. و متأثر از جمله بندی زبان عرب نیست، روان و بی پیرایه است، معانی همه لباسی یک دست از الفاظ به تن دارند و وافی به مقصود اند.^۲

نثر سفرنامه ساده و توضیحات آن دقیق است و اطلاعات بسیار ارزنده از روزگار نویسنده به دست

^۱ همان صص ۱۲۸

^۲ دبیر سیاقی ۱۳۵۵ خ سفرنامه حکیم ناصر خسرو قبادیانی مروزی، تهران، صص آغاز و ۳۸

می دهد. سفرنامه ناصر خسرو ساده و آسان نوشته شده است. و شاید علت نوشتن آن بدین آسانی ناصر خسرو نخواست که کتابش را پیچیده بنویسد تا همه مردم

بتوانند کتاب اش را به آسانی بخوانند^۱

از نظر سبک ادبی و نحو نگارش باید گفت که سفرنامه ناصر خسرو متن بسیار شیوا روان و سهل است کتاب او حتی امروز همراه هر خواننده علاقمندی به راحتی قابل درک است و کاملاً از اصطلاحات و جملات دشوار به دور، به همین سبب سفرنامه او علاوه بر ارزش ادبی حاوی اطلاعات بسیار در باب بلاد اسلامی است و موضوعات اجتماعی مذهبی و فرهنگی هر ناحیه با دقت جالب بیان شده. نکته بسیار جالب در باب این اثر آن است که این سفرنامه در میان تمامی آثار او یک اثر کاملاً ممتاز و یگانه است و در بکار بردن لغات و اصطلاحات متن دقیق به نظر می رسد. از آنجا که بخشی از مطالب کتاب به توضیح و توصیف آثار معماری اختصاص دارد، ناگزیر لغات و اصطلاحات معماری در آن بسیار است.^۲

^۱ محمد صادق و دفتینجد (۱۳۹۴) کنکاشی در سفرنامه ناصر خسرو از منظر قوم نگاری، چکیده مقالات همایش

حکیم ناصر خسرو قبادیانی، صص ۲۴۱

^۲ فاطمه گلدار (۱۳۹۴) سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی در مقام منبعی برای واژگان تاریخ معماری ایران، بررسی

موریدی واژگان مرتبط با مفهوم مقام، صص مقدمه

سفرنامه ناصر خسرو از تصنع و حشو صناعات لفظی به دور است، مطالب همه جا با جمله های کوتاه و دلنشین و توصیف های کامل بیان شده است و سرشار از واژه های فارسی است که بیشتر آن ها تا به امروز رواج دارند. شیوه نثر این کتاب، ترکیبی است از نثر دوره غزنوی و نثر های دوره های بعد و آن را باید از سرمشق های گران بهای ساده نویسی و ایجاز شمرد.^۱

مهمتر از همه در سفرنامه ناصر خسرو به عنوان نمونه ای برجسته سفرنامه های ادبی فارسی واقعات برجسته دور و هر آنچه دیده و شنیده است، ثبت شده و ارزش و مقام آن برای ادبیات و معرفت نکات آن نیز خیلی مهم و پر اهمیت می باشد. به عباره دیگر در ادبیات فارسی با تألیف این اثر ماندگار خویش ناصر خسرو مؤفق به آن شد که مختصات و ویژگی های این نوع نثر را مقرر سازد و به عنوان بنیان گزار این شکل ادبی نثر اعتراف گردد.^۲

● شیوه نگارش سفرنامه

شیوه یست سهل و ممتنع که در عین روانی و سادگی، از استواری و استحکام کافی برخوردار است. نثر ناصر خسرو معجونی است آمیخته با لطافت و سلاست با الفاظ دلنشین و جزل (محکم و استوار)

^۱ حسن انوشه، سفرنامه دانشنامه اسلامی ادب فارسی در آسیای مرکزی، جلد ۱، صص ۸۶۷

^۲ نور علی نورزاد نور اف (۱۳۹۴) سفرنامه ناصر خسرو و تحول سنت های سفرنامه نویسی در ادبیات فارسی،

فرار ودان، تهران: مجموعه مقالات همایش ناصر خسرو قبادیانی، صص ۶۱۸

و خوش آهنگ، نرم ولی کوبنده، لطیف و نغز دلی، محکم و مغزدار. جمع بین اضداد کرده به حقیقت اگر معجزه نیست از سحر بالاتر است.^۱

نثر ناصر خسرو نثری است فاقد تکلف و تصنع و حشو و زوائد و عاری از مترادف های غیر ضروری و سجع و قرینه سازی، و استعاره و جناس و سایر صناعات ادبی و بدیعی. نثری است که در اصطلاح اهالی ادب از "ایجاز مغل" و اطناب معل^۲ نشانه و اثری مشاهده نمی شود. نثری که گرچه گاهی به تفصیل می پردازد و از ذکر جزئیات فروگزاری نمی کند، ولی در عین حال، هیچ جمله، عبارت و یا حتی کلمه ای را در آن نمی توان یافت که زائد و حذف کردنی باشد. مثال زیر نمونه بارزی را از ساده و روان نویسی ناصر خسرو و نیز میانه روی او بین دو قطب افراط و تفریط - "کوتاه نویسی بی جا" و "دراز نویسی بی مورد" نشان می دهد. مانند: "و چون از این در بیرون شوی بازار عطاران است که خانه رسول^(ص) در آن کوی بوده است. و بدین در به نماز اندر مسجد شدی - و چون از این در

^۱ همان ص ۸

^۲ مراد از "ایجاز مغل کوتاه (مختصر) نویسی در حدی است که مانع تفهیم به یا مغل آن باشد و منظور از "اطناب مؤمل طولانی (مفصل) نویسی به درجه است که کسالت آور باشد.

بگری هم بر این دیوار شرقی، باب علی^(ع) است و این آن در است که امیر المؤمنین علی^(ع) در مسجد رفتی به نماز"^۲

● واقع گرایی و بی طرفی در گزارش دهی سفرنامه

ناصر خسرو در واپسین برگ سفرنامه اش، ادعا می کند که تا آن جا که در اختیار اش بود به امانت داری و بی غرضی را در نقل و انعکاس دیده ها و شنیده های خود رعایت کرده است.

مانند: "و این سرگذشت، آن چه دیده بودم، به راستی شرح دادم و بعضی که به روایت ها شنیدم، اگر در آن جا خلاقی باشد، خوانندگان از این ضعیف ندانند و مؤاخذت و نکوهش نکنند."^۳

"فأما مرا در این، غرض نبوده و ننوشتم الا آن چه دیدم و بعضی که شنیدم و نوشتم، عهده^۴ آن بر من نیست."^۵

^۱ باب علی^(ع) از درهای مسجد الحرام به مکه، سفرنامه ناصر خسرو صص ۲۱۲

^۲ سفرنامه، ناصر خسرو صص ۹۱

^۳ سفرنامه ناصر خسرو، صص ۱۲۵

^۴ مسئولیت

^۵ همان صص ۶۳

فصل چهارم

۱. صفت نیک خلفای عباسیان ۸۷
۲. وصف اماکن مقدس در بلاد عرب ۱۰۳
۳. فرهنگ، رسم و عادات مردم عرب ۱۲۳
۴. عقاید مردم عرب ۱۳۱
- اوضاع سیاسی ۱۳۵
- اوضاع اقتصادی ۱۳۷
- اوضاع فرهنگی و ادبی ۱۳۹
- اوضاع دینی ۱۴۱
- نتیجه گیری ۱۴۳
- فهرست منابع ۱۴۸

صفت نیک خلفای عباسیان

و همچنان ناصر خسرو در سفرنامه خود کارهای نیک خلفای عباسی بغداد را چنین ستوده "و اندر شهر مکه، اهل هر شهری را از بلاد خراسان و ماوراء النهر و عراق و غیره سراها بوده اما اکثر آن خراب بود و ویران و خلفای بغداد عمارت های بسیار و بناهای نیکو کرده اند آنجا، و در آن وقت که ما رسیدیم بعضی از آن خراب شده بود و بعضی ملک ساخته بودند"^۱

و ایضاً ناصر خسرو در سفرنامه خود از عایشه^{رض} همسر پیغامبر نام برده است.

"در بصره به نام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب ۱۳ مشهد است، یکی از آن را مشهد بنی مازن گویند و آن آن است که در ربیع الاول سنه سته و ثلاثین از هجرت نبی امیر المومنین علی و بصره آمده است و عایشه^{رض} به حرب آمده بود و امیر المؤمنین دختر مسعود نهثلی، لیلی را به زنی کرده بود و این مشهد سرای آن زن است."^۲

وصف عبادت حج: ناصر خسرو همچنین در مورد حج عمره به آداب کلی آن اکتفا کرده و آورده است که "و چون کسی عمره خواهد کرد از جای دور آید به نیم فرسنگی مکه هر جا میل^۳ ها کرده

^۱ همان صص ۱۲۲

^۲ همان صص ۱۵۶ - ۱۵۷

^۳ ستونی که برای تعیین مسافت در هر هزار گام نصب شود تاج المصادر بیهقی و منتهی الارب

اند و مسجد ها ساخته اند که عمره خواهد کرد از جای دور آید به نیم فرسنگی مکه هر جا مطل^۱ ها کرده اند و مسجدها ساخته که عمره را از آن جا احرام گیرند، و چون به شهر آید به مسجد حرام درآید و نزدیک خانه بود و بر دست راست بگردد چنان که خانه بر دست چپ او باشد و بدان رکن شود که حجرالاسود در اوست و حجر را بوسه دهد و از حجر بگذرد و بر همان ولا بگردد و باز به حجر رسد و بوسه دهد یک طواف باشد و براین هفت طواف کند سه بار به تعجیل (بسرعت) بدود و چهار بار آهسته برود و چون طواف تمام شد به مقام ابراهیم علیه السلام رود که برابر خانه است و از پس مقام بایستد چنان که مقام مابین او و خانه باشد و آن جا دو رکعت نماز بکند آن را نماز طواف گویند . پس از آن در خانه زمزم شود و از آب بخورد یا به روی بمالد و از مسجد حرام به باب الصفا بیرون شود و آن دری است از درهای مسجد که چون از آن جا بیرون شوند کوه صفاست بر آن آستانه های کوه صفا شود و روی به خانه کند و دعا کند و دعا که معلوم است ، چون خوانده باشد فرود آید و در ایمن بازار سوی مروه برود و آن چنان باشد که از جنوب سوی شمال رود . و در این بازار که می رود بر درهای مسجد حرام می گردد ، و اندر این بازار آن جا که رسول علیه الصلوة و السلام سعی کرده است و شتافته و دیگران را شتاب فرموده گامی پنجاه باشد ، بر دو طرف این موضع چهار مناره است از دو جانب که مردم مکه از کوه صفا به میان آن دو مناره رسند از آن

^۱ درنگ کردن (منتهی الارب)

جا بشتابند تا میان دو مناره دیگر که از آن طرف بازار باشد و بعد از آن دو مناره رسند از آن جا بشتابند تا میان دو مناره دیگ رکه از آن طرف بازار باشد و بعد از آن آهسته روند تا به کوه مروه و چون به آستانه ها رسند بران جا روند و آن دعا که معلوم است بخوانند و بازگردند و دیگر بار در همین روز درآیند چنان که چهار بار از صفا به مروه شوند و سه بار از مروه به صفا چنان که هفت بار از آن بازار گذشته باشند.

چون از کوه مروه فرود آیند همان جا بازاری است بیست دکان رویوی باشند همه حجام نشسته موی سر تراشند چون عمره تمام شد و از حرم بیرون آیند^۱

بررسی:

کسی که بخواهد عمره کند از جا های دور به مکه معظمه می آید و هر جا را که نگاه کنی ستون ها زده اند و مسجد ها ساخته اند برای عمره و کسانی که از جای دور آمده باشند به نزدیک مکه می ایستند. و مسجد ها ساخته شده برای عمره. و هنگامی که به شهر آیند به سوی مسجد حرام می روی که نزدیک خانه است بعد به سوی راست می روی مثل این است که خانه ات به طرف چپ او باشد. و حجر الاسود را بوسه می کنی و هنگامی که از حجر الاسود بگذری در همان جا به حجر می

^۱ همان صص ۱۱۹ - ۱۲۱

رسی و آن را بوسه می‌کنی که این یک طواف است و در این جا هفت طواف می‌کنی، سه بار به سرعت می‌روی و چهار بار آهسته می‌روی و هنگامی که طواف را تمام کردی، به مقام ابراهیم ع میروی و در آن جا دو رکعت نماز می‌خوانی که این را نماز طواف می‌گویند. بعد از آن به سوی چشمه زم زم می‌روی تا آب بخوری یا به روی خود می‌مالی و هنگامی که از مسجد حرام که باب صفا نام‌اش است بیرون شوی که این دری است یکی از درهای مسجد و هنگامی که از آن جا بیرون شوی کوه صفاست. در آن کوه بعد میروی به سوی خانه کعبه دعا می‌کنی و وقتی که دعا را تمام کردی بیرون می‌شوی و در ایمن بازار سوی مرو میروی طوری که از جنوب به سوی شمال است. در این بازار رسول الله ص کوشش کرده و شتافته و به دیگران هم گفته که کوشش کنید. در دو طرف این موضع چهار مناره است که مردم مکه از دو طرف از کوی صفا به میان آن دو مناره می‌رسند و از آن جا کوشش می‌کنی تا میان دو مناره دیگر که به سوی بازار است و بعد از آن به دو مناره میرسی و از آن جا کوشش می‌کنی تا میان دو مناره دیگر که آن طرف بازار است بروی و بعد از آن آهسته می‌روی تا به کوی مره بررسی و چون آن جا رسیدی دعا می‌خوانی که معلوم است و دوباره باز می‌گردد و بار دیگر در همین روز از در بیرون می‌آیی چنان که چهار بار از صفا به مرو میروی و سه بار از مرو به صفا طوری که چهار بار از بازار آن جا گذشته باشی. و وقتی که از کوه

مرو فرود می آیی در همان جا بازاری است که بیست دوکان رو به روی هم قرار گرفته است و همه حجام کرده نشسته اند موی سر می تراشند و وقتی که عمره را تمام کردی از حرم بیرون می آیی. ناصر خسرو ارکان حج را نیز چنین بیان می کند و برای نمونه در مورد احرام بستن صریح می نویسد. و در وصف چیره دست و تواناست و بیشتر گزارشات وی از حج بر روی وصف مکان ها متمرکز است. او نهایت دقت را به کار برده و مشاهدات خود را همراه با جنس و اندازه و دیگر ویژگی های موصوف بیان کرده است. برای نمونه می توان به صفات دقیق وی از مسجد الحرام، کعبه، داخل کعبه، چگونگی گشودن در کعبه اشاره کرد.

وصف شهر قیساریه

"و از آن جا به شهری رسیدیم و آن را قیساریه خوانند و از مکه تا آن جا هفت فرسنگ بود شهری نیکو با آب روان و نخلستان و درختان نارنج و باروی حصین و دری آهنین و چشمه های آب روان در شهر مسجد آدینه ای نیکو"^۱

بررسی: ناصر خسرو در وصف شهر قیساریه^۱ چنین می گوید که دارای آب روان بوده که به

کشاورزی منطقه تأثیر گزار بوده است. قیساریه به کرانه ای دریای روم قرار دارد،

شهر مهم است. نعمت آن سرشار و خیرات اش لبریز و میوه نیکو دارد. دور اش بارو کشیده از انبار

به چاه های آب می آشامند و جامعه ای زیبا دارند.

وصف محصولات کشاورزی شهر طرابلس

" از حلب تا طرابلس^۲ چهل فرسنگ بود بدین راه که ما نرفتیم. روز شنبه پنجم شعبان آن جا

رسیدیم. حوالی شهر همه کشاورزی و بساتین (بوستان ها) و اشجار بود و نیشکر بسیار بود، و

درختان نارنج و ترنج و موز و لیمو و خرما و شیره نیشکر در آن وقت می گرفتند.

شهر طرابلس چنان ساخته اند که سه جانب او با آب دریاست که چون آب دریا موج زند مبلغی بر

باروی شهر بر رود چنان که یک جانب که با خشک دارد کنده ای عظیم کرده اند و در آهنین محکم

بر آن نهاده اند".^۱

^۱ شهری بر ساحل دریای شام (مدیترانه در فاصله ۳ روز راه از طبریه و ۷ فرسنگی عکا و از اعمال فلسطین و شهری بوده است بزرگ قدیم، اما در روزگاری یاقوت (قرن ۷، به ده مائندی بوده است). سفرنامه ناصر خسرو صص

۲۷۳ - ۲۷۴

^۲ طرابلس به معنی سه شهر بندر در شام کنار دریای روم در شمال کشور لبنان در ۱۵۰ هزار گزی دمشق و ۱۳

فرسنگی شمال بیروت و آن را طرابلس الشام نیز گویند. سفرنامه ناصر خسرو صص ۲۵۷

بررسی:

ناصر خسرو قبادیانی محصولات کشاورزی شهر طرابلس را چنین وصف نموده است:
شهر بزرگ بر کنار دریاست، با روی از سنگ دارد، آب از چاه و باران دارد سیب و فراورد های شیر
و عسل فراوان است و نام پر آوازه دارد

از مهمترین محصولات زمستانی در دوره فاطمیان گندم کتان، شبدر و مهمترین محصولات تابستانی
آن نارنج، انگور، خربزه و نیشکر است که به وصف آن ناصر خسرو در سفرنامه خود پرداخته است.

وصف معرة النعمان^۱

"بازارهای معرة النعمان بسیار معمور (آباد) دیدم و مسجد آدینه شهر بر بلندی نهاده است در میان شهر
که از هر جانب که خواهند به مسجد در شوند سیزده درجه بر بالا باید شد و کشاورزی ایشان همه
گندم است و بسیار است و درخت انجیر و زیتون و پسته و بادام و انگور فراوان است و آب شهر از
باران و چاه باشد"^۲

^۱ همان صص ۲۰

^۲ جای در نزدیکی حلب در سوریه کنونی

^۳ همان صص ۱۷-۱۸

بررسی:

ناصر خسرو هنگامی که به شام وارد می شود از جمله شهرهای که توجه او را جلب می کند معرة النعمان است. این شهری است از شام در شام دو معرة است یکی معرة النعمان و دیگری معرة مصرین. اول را به النعمان نسبت داده اند و دوم را به بنی عداوة. معرة النعمان میوه بسیار دارد. اهل آن جا از چاه آب می خورند. و در آن جا درختی فستق و زیتون دارد.

وصف شهر آبله : و شهر اُبله که برکنار نهر است و نهر بدان موسوم است شهری آبادان دیدم با قصرها و بازارها و مساجد و اربطه که آن را حد و وصف نتوان کرد.

و اصل شهر بر جانب شمال نهر بود و از ج

انب جنوب نیز محلت ها و مساجد و اربطه و بازارها بود و بناهای عظیم بود چنان که از آن منزه تر (پاک تر) در عالم نباشد

و آن را شق عثمان می گفتند و شط بزرگ که آن فرات و دجله است و آن را شط العرب گویند بر مشرقی ابله است^۱

^۱ همان صص ۱۵۹

ناصر خسرو شهر ابله را زیبا وصف نموده است. ابله جز حوزه عراق است و عراق تحت تسلط عباسیان بوده است.

با توجه به نزدیکی این شهر به دجله امر کشاورزی و تجارت از طریق آب مهم ترین منبع اقتصادی آن محسوب می شد. ابله شهر کوچکی است لیکن نعمت فراوان دارد و آبادان است. از ابله دستار و عمامه بلی خیزد، طرف شرقی ابله آباد است و باغات بسیار دارد از دجله آب خورند. شهر بزرگی بوده که تجار هند و فارس اجناس را به آنجا می آوردند و ابله در دهانه ای آب بصره است.

نکته دیگر که ضمن عبور از شهرها توجه ناصر خسرو را به خود جلب کرده شهر معرة النعمان است که مورد وصف ناصر خسرو قرار گرفته است.

وصف ناصر خسرو از شهر طبریه

"این شهر طبریه را دیوار است حصین چنان که از لب دریا گرفته اند و گرد شهر گردانیده و از آنطرف که دریاست، دیوار ندارد، بناهای بسیار در میان آب است و زمین دریا سنگ است و منظرها ساخته اند بر سر اسطوان های رخام که اسطوان ها در آب است و در آن دریا ماهی بسیار است ،

و در میان شهر مسجد آدینه است و بر در مسجد چشمه ای است و بر سر آن چشمه گرمابه ای ساخته اند و آب چنان گرم است که تا به آب سرد نیامیزند بر خود نتوان ریخت و گویند آن گرمابه سلیمان بن داوود علیه السلام ساخته است و مسجد دیگر به نام یاسمن در این شهر وجود دارد^۱

بررسی: ناصر خسرو قبادیانی طی مسیر خود شهرهای را که تا اندازه دارای امکاناتی عمومی بوده اند مورد وصف قرار داده و آنها را در سفرنامه خود ذکر کرده است که یکی از آن جمله شهر طبریه است. طبریه را هردوس آنتیناس در سال ۲۶ بنا نهاد و در سال ۱۳ قه طبریه به تصرف مسلمانان درآمد. طبریه قصبه اردن است. شهری است خرم و آبادان و با نعمت آب های روان. طبریه چشمه دارد که آب اش گرم است و تا با آب سرد یک جا نکنند نمی توان استفاده کرد.

وصف ناصر خسرو از شهر تنیس^۲

"در کشتی نشستیم تا تنیس و آن تنیس جزیره ای است و شهری نیکو و از خشکی دور است چنان که از بام های شهر ساحل نتوان دید شهری انبوه و بازارهای نیکو و دو جامع در آن جاست . به قیاس ده هزار دکان در آن جا باشد و صد دکان عطاری باشد . و آن جا در تابستان در بازارها کشگاب (کشک قرود) فروشند که شهری گرمسیر است و رنجوری بسیار باشد ."

^۱ همان صص ۲۹

^۲ کشور عربی زبان بین شهر مصر و لیبیا

و آن جا قصب (حصیر) رنگین بافند از عمامه ها و قوایه ها و آنچه زنان پوشند . از این قصب های رنگین هیچ جا مثل آن نبافند که در تنیس و آن چه سپید باشد به دمیاط بافتند و آن چه در کارخانه سلطانی بافند به کسی نفروشد و ندهند . شنیدم که ملک فارس بیست هزار دینار به تنیس فرستاده بود تا به جهت او یک دست جامه خاص بخرند و چند سال آن جا بودند و نتوانستند خریدن.

و بدین شهر تنیس بوقلمون بافند که در همه عالم جای دیگر نباشد، آن جامه ای رنگین است که بر هر وقت از روز به لون دیگر نماید و به مغرب و مشرق آن جامه از تنیس برند.^۱

بررسی:

شهر تنیس جزیره بوده و همان قسم که ناصر خسرو وصف و بیان کرده تمامی معاملات با کشتی صورت می گرفت که این مسئله به رونق تجارت در این شهر منجر شده است. سند نساجی همچنان از اسباب طرقی اقتصادی در این شهر است. مسلمانان در حریربافی و تهیه پارچه های گلدار ابریشمی و فرش بافی مهارت داشتند. که بافتنی های مصر نیز شهرت بسیار داشته است.

و نیز ناصر خسرو بازار شهر تنیس را چنین وصف می کند. در میان دریای روم و رودخانه نیل دریاچه ای است که جزیره کوچک درخود دارد که همه آن به صورت یک شهر ساخته شده است.

^۱ همان صص ۶۴ - ۶۵

کاخ های بلند و جامعه گرانمایه دارد. شهر سودآور و مرفه است. یکی از پایه های اقتصادی در آن زمان صنایع به ویژه بافندگی بوده که به اقتصاد شهر تنیس کمک زیادی کرده. تنیس در میان دریا و جزیره بزرگی افتاده که در این شهر درخت نیست عمارات را از خشت می سازند، ناصر خسرو اشاره می کند که هر صنایع رسته بی جداگانه دارد و مسجد جمعه دارد در این شهر قصب بسیار بافند و در شهر تنیس جامه بوقلمون و در دمیاط قصب سفید بافند.

وصف ناصر خسرو از شهر صور^۱

"چون از آن جا پنج فرسنگ بشدیم به شهر صور رسیدیم. شهری بود درکنار دریا سنجی بود و آن جا آن شهر ساخته بود و چنان بود که باره شهرستان صد گز بیش بر زمین خشک نبود باقی اندر آب دریا بود و باره ای سنگین تراشیده و درزهای آن را به قیر گرفته تا آب در نیاید، و مساحت شهر هزار در هزار قیاس کردم و نیمه پنج شش طبقه بر سر یک دیگر و فواره بسیار ساخته و بازارهای نیکو و نعمت فراوان، و این شهر صور معروف است به مال و توانگری درمیان شهر های ساحل شام، و مردمانش بیش تر شیعه اند. و قاضی بود آن جا مردی سنی مذهب پسر ابوعقیل می گفتند مردی

^۱ شهری بر ساحل دریای مدیترانه از بندر های باستانی فنیقیه در ۸۳ هزار گزی، جنوب بیروت جای در لبنان

نیک و توانگر. و بر در شهر مشهدی راست کرده اند و آن جا بسیار فرش و طرح و قنادیل و چراغ دان های زرین و نقره گین نهاد"^۱

بررسی:

ناصر خسرو قبادیانی در راه سفر خود بعد از عبور از طرابلس به شهر جبیل به بیروت و از آنجا به صیدا می رسد و صیدا را به مقصد صور ترک می کند.

ولی ظاهراً صور برای ناصر خسرو قبادیانی از نظر رفاه قابل توجه بوده است. به همین صورت این شهر او را به تأمل واداشته تا سطری از سفرنامه اش را به وصف و خصوصیات این شهر بگنجاند.

چنان که می گوید. صور شهری بارومند بر کنار که دریا چهار سمت آن را فرا گرفته و قسمت خوشکی آن سه دیواره در آب است نه زمین صور شهر مهم است و صنایع و خصوصیات مانند بصره دارد و آب و نیستان بسیار دارد.

^۱ همان صص ۲۴

وصف شهر حلب (سوریه کنونی):

از جمله شهر های دیگری که ناصر خسرو به وصف آن پرداخته است شهر حلب سوریه کنونی است.

" و از آن جا به شهر حلب رفتم . از میافارقین^۱ تا حلب صد فرسنگ باشد .

حلب (آلبو) را شهر نیکو دیدم باره ای عظیم دارد ارتفاعش بیست و پنج ارش قیاس کردم و قلعه ای عظیم همه بر سنگ نهاده به قیاس چند بلخ باشد همه آبادان و بناها بر سر هم نهاده . و آن شهر باجگاه (گمرک) است میان بلاد شام و روم و دیار بکر و مصر و عراق . و از این همه بلاد تجار و بازرگانان آن جا روند.^۲"

بررسی

ناصر خسرو شهر حلب را که یکی از شهر های سرزمین عرب است بسیار زیبا معرفی می کند طوری که مردم آن جا را خوش زبان مرفه و خردمند.

^۱ میافارقین شهری است اندر حصاری بر سرحد میان ارمنیه و جزیره ٔ روم . شهری است در دیار بکر، گویند آن قسمتی که از سنگ ساخته شده از بناهای انوشیروان و آن قسمتی که با آجر ساخته شده از بناهای پرویز است از (حدود العالم ص ۹۲)

^۲ همان صص ۱۶ - ۱۷

ساختمان های آنجا از سنگ و خوشنماست. مسجد جامع در میان شهر است. آشامیدنی مردم از نحر قویق است. و در وسط شهر دژ بزرگ و استوار است که به شهر وارد میشود این شهر در قرن پنجم جزو قلمرو فاطمیان بود. که با افزایش قدرت و نفوذ فاطمیان آنها توانستند حجاز، شام و مصر را تصرف کنند که اینطور ممالک اسلامی میان ایشان و عباسیان تقسیم شد.

وصف شهر رمله^۱ و خانه های: "روز یکشنبه غره (اول) رمضان به رمله رسیدیم و از قیساریه تا رمله هشت فرسنگ بود و آن شهرستانی بزرگ است و باروی حصین (بلند و محکم) از سنگ و گچ دارد بلند و قوی و دروازه های آهنین بر نهاده، و از شهر تا لب دریا سه فرسنگ است، و آب ایشان از باران باشد و اندر هر سرای حوض های بزرگ است که چون پر آب باشد هر که خواهد گیرد و نیز دور مسجد آن جا را سیصد گام^۲ اندر دویست گام مساحت است، بر پیش صفا نوشته بودند که پانزدهم محرم سال ۴۲۵ اینجا زلزله ای بود قوی و بسیار عمارات خراب کرد اما کس را از مردم خللی نرسید.

در این شهر رخام (سنگ مرمر) بسیار است و بیش تر سراها و خان های مردم مرخم است به تکلف و نقش ترکیب کرده و رخام را به اره می برند که دندان ندارد و ریگ مکی در آن جا می کنند و اره

^۱ جای در اسرائیل کنونی از سفرنامه ناصر خسرو صص ۲۴۲

^۲ این مقیاس ظاهراً معادل طول یک قدم انسانی است. (فرهنگ دکتر معین)

می کشند بر طول عمودها نه بر عرض چنانکه چوب از سنگلاخ الواح (لوح تخته) می سازند و انواع و الوان (رنگی) رخام ها آن جا دیدم از ملمع و سبز و سرخ و سیاه و سفید و همه لونی (رنگ) ، و آن جا نوعی انجیر است که به از آن هیچ جا نباشد^۱

بررسی

از گفته های ناصر خسرو می توان وصف روشنی از رونق اقتصادی و رفاه در سرزمین عرب به دست آورد. او به هر شهری که داخل می شود چنان واضح و دقیق به وصف شهر از جنس بارون های آن گرفته تا مصالح به کار رفته در خانه ها و محصولات و میزان آب می پردازد که از این وصف ها می توان به چگونگی برخورداری توده از لوازم رفاه و حالت و اوضاع اقتصادی پی برد. از جمله بلادی که او به وصف آن پرداخته شهر رمله است که در فلسطین کنونی واقع است. سرزمین فلسطین زیبا ، دلگشاه ، خوش ساخت، زرخیز و پرمیوه است. در میان روستا های بزرگ بلاد ثروتمند زیارتگاه های گران قدر و دیه های خوب جا دارد، زندگی مرفه و بازرگانی سودمند دارد.

^۱ همان صص ۲۲ - ۲۳

گرمابه های پاکیزه مهمان خانه ها و خوراکه های گوارا و خوشمزه بسیار دارد، مسجد های نیکو خانه های باز و خیابان های فراخ و همه چیز را با خود دارد. گشتزار های پربرکت و پرثروت از جمله خرما و انجیر دارد.

و مغازه های زیبا در آن وجود دارد. رمله از شهرهای ساحلی شام است که تحت تسلط فاطمیان قرار داشت. رواج بازرگانی در آن شهر در بهبود زندگی مردم آنجا تأثیر گزار بود. مواد بکاررفته در ساختمان ها و امکانات عمومی همچون حوض های آبگیر و مساجد با روی حصین بیانگر وضعیت اقتصادی خوبی رمله است.

وصف اماکن مقدس در بلاد عرب

وصف ناصر خسرو از شهر طرابلس^۱

"در میان شهر طرابلس مسجدی آدینه، عظیم و پاکیزه و نیکو آراسته و حصین، در ساحت مسجد قبه ای بزرگ ساخته و در زیر قبه حوضی است از رخام و در میان اش فواره برنجین و در بازار

^۱جایی در لبنان کنونی

مشرعه ای ساخته است که به پنج نایزه آب بسیار بیرون می آید که مردم بر می گیرند و فاضل بر زمین می گذرد و به دریا در می رود و این شهر تعلق به سلطان مصر داشت.^۱

بررسی

ناصر خسرو ضمن وصف قصرها و خانه ها به وصف مکان های مذهبی سرزمین عرب و مساجد نیز پرداخته است. وی به شهر طرابلس که رسیده به بیان ویژگی های مسجد آدینه این شهر پرداخته است. نخست خصوصیات شهر طرابلس را بیان کرده است. طرابلس بندری است در شمال لبنان کنار دریای مدیترانه، شمال شرقی بیروت، احتمالاً در قرن هفت میلادی تأسیس شد. در زمان رومیان و سلوکیان رونق داشت و در سال ۶۳۸م به تصرف مسلمانان در آمد و صلیبیون در ۱۱۰۹م آنرا گرفتند و در سال ۶۸۸ قه سلطان منصور قلاوون آن را گرفت و تاراج کرد. سپس ناصر خسرو وارد شهر بیت المقدس شده و به وصف مسجد الاقصی و قبه سخره می پردازد.

وصف مسجد الاقصی

"چون از در مسجد که به مهد عیسی مشهور است بگزری، چون به گوشه مسجد بزرگ رسند، مسجدی دیگر است از این نیکو، بزرگتر از مسجد مهد عیسی و آن را مسجد الاقصی گویند و آنجا را

^۱ همان صص ۲۰ - ۲۱

عمارتی با تکلف کرده اند و فرش های پاکیزه افکنده و خادمان جداگانه ایستاده، همیشه خدمت آن را کنند. چون به دیوار جنوبی باز گردی از آنگوشه مقدار دویست گز پوشش نیست و ساحت است و پوشش مسجد بزرگ که مقصوره در اوست بر دیوار جنوبین است و غربی، این پوشش را چهار صد و بیست ارش^۱ طول است در صد و پنجاه ارش عرض، و دویست و هشتاد ستون رخامی است و بر سر استوانه ها طاقی از سنگ زده و همه سر ستون ها منقش است و درز ها به ارزیز گرفته. محرابی بزرگ ساخته اند همه منقش به مینا و دو جانب محراب دو عمود رخام است بر رنگ عقیق سرخ، و تمامت ازاره مقصوره، رخام های ملون و بر دست راست محراب معاویه است، و بر دست چپ محراب، عمر است رضه این مسجد چهل و دو طاق دارد. و همه ستون های اش از رخام ملون و این رواق با رواق مغربی پیوسته است و در اندرون پوشش حوضی در زمین است که چون سر نهاده باشند، با زمین مستوی باشد جهت آب، چون باران آید در آنجا رود، بر دیوار جنوبی دری است و آنجا متوضاست و آب، که اگر کسی محتاج وضوی شود، در آنجا رود و تجدید وضو کند، چه اگر از مسجد بیرون شود، به نماز نرسد و نماز فوت شود از بزرگی مسجد.^۲

^۱ مقیاس دیگر ارش است که منظور از آن فاصله بین "سرانگشت میانی تا آرنج یا انگشت میانی دست راست تا انگشت دست چپ است، وقتی که دست ها را باز کنند. (واژه نامه دکتر معین)

^۲ همان صص ۴۳ - ۴۵

بررسی: ناصر خسرو در وصف شهر بیت المقدس می گوید که شهر بیت المقدس در میان شهر های حوزه، بزرگتر از آن نیست، ساختمان های آن را از سنگ می داند، هم مسجد شهر را بزرگ می داند و هم مردم اش را بی آرایش.

مسجد الاقصی به دستور عبدالملک ، خلیفه اموی ساخته شد ولی در طول زمان به دست صلیبیان و مسلمانان تغییرات مهمی روی آن انجام شد طوری که صورت اولی خود را از دست داد. مسجد الاقصی از یک سو به کلیسا های نخستین مسیحیت شباهت دارد و از سوی دیگر نمونه است که کمی بعد در مسجد جامع دمشق و قیروان و شمال افریقا از آن اقتباس شد. خلفای بنی امیه از اصول معماری در امپراطوری بیزانس در ساخت مسجد استفاده کردند ولی تزئینات آن ترکیبی بود از اصول تزئینی بیزانس و ساسانی.

"بنای مسجد چنان نهاده است که دکان به میان ساحت آمده و قبه سخره به میان دکان و سخره به میان قبه، و این خانه است مثنی راست، چنان که هر ضلعی از این هشتگانه سی و سه ارش است و چهارده در برابر چهار جانب آن نهاده و همه دیوار به سنگ تراشیده، بنا کرده اند مقدار بیست ارش، به چهار جانب سخره چهار ستون بنا کرده اند مربع، به بالای دیوار خانه مذکور، و میان هر دو ستون از چهارگانه جفتی استوانه رخام قایم کرده، همه به بالای آن ستون ها، و بر سر آن دوازده ستون و

استوانه بنیاد گنبدی است که صخره در زیر آن است. اکنون میان این ستون ها و دیوار خانه شش ستون دیگر بناء نهاده است از سنگ های مهندم و میان هر دو ستون سه عمود رخام ملون به قسمت راست نهاده چنان که در صف اول میان دو ستون دو عمود بود این جا میان دو ستون سه عمود است".^۱

بررسی

ناصر خسرو در وصف ساخت این دو مسجد چنین می گوید: که از سنگ های رخام در آن زیاد استفاده شده که سنگ های گران قیمت هستند، پیرایه های زیبایی بر این مسجد به کار برده اند که این نقش ها علاوه بر بیان نوع معماری حکومت اسلامی، می تواند همچنان بیان گر وصف اوضاع اقتصادی این شهرها و حکومت آن ها باشد. ناصر خسرو قبادیانی نه فقد مساجد را به خوبی وصف می کند بل که از مرقد بزرگان نیز غافل نیست. او به وصف مرقد ابراهیم ع می پردازد مرقدی که از بیت المقدس شش فرسنگ فاصله دارد و در دهی به نام مطلقون قرار دارد در ادامه از مرقد اسحق بن ابراهیم و همسرش و نیز مرقد ساره، همسر حضرت ابراهیم ع چنین سخن می گوید.

^۱ همان ص ۴۹-۵۰

صفت مشهد خلیل^ع

"مشهد چهار دیواری است از سنگ تراشیده ساخته و بالای آن هشتاد ارش در پهنای چهل ارش ، ارتفاع دیوار بیست ارش ، سر دیوار دو ارش ثخانت دارد و محراب و مقصوره کرده است از پهنای این عمارت و در مقصوره محراب های نیکو ساخته اند ، و دو گور در مقصوره نهاده است چنان که سرهای ایشان از سوی قبله است و هر دو گور به سنگ های تراشیده به بالای مردی برآورده اند آن که دست راست است قبر اسحق بن ابراهیم است

و دیگر از آن رن اوست علیه السلام ،

میان هر دو گور مقدار ده ارش باشد ، و در این مشهد زمین و دیوار را به فرش های قیمتی و حصیرهای مغربی آراسته چنان که از دیبا نیکوتر بود و مصلی نمازی حصیر دیدم آن جا که گفتند امیر الجیوش که بنده سلطان مصر است فرستاده است ، گفتند آن مصلی در مصر به سی دینار زر مغربی خریده اند که اگر آن مقدار دیبای رومی بودی بدان بها نیرزیدی و مثل آن هیچ جایی ندیدم .

چون از مقصوره بیرون روند به میان ساحت مضد دو خانه است هر دو مقابل قبله ،

آنچه بر دست راست است اندر آن قبر ابراهیم خلیل صلوات الله علیه است و آن خانه ای بزرگ است ، و در اندرون آن خانه ای دیگر است که گرد او بر نتواند گشت ، و چهار دریچه دارد که زایران گرد خانه می نگرند و از هر دریچه قبر را می بینند . و خانه را زمین و دیوار در فرش های دیبا

گرفته است و گوری از سنگ برآورده به مقدار سه گز و قندیل ها و چراغ دان ها نقره گین بسیار آویخته ،

و آن خانه دیگر که بر دست چپ قبله است اندر آن گور ساره است که زن ابراهیم علیه السلام بوده.^۱
بررسی:

ناصر خسرو در وصف مرقد اسحق بن ابراهیم ع ، مرقد ابراهیم ع مرقد اسحق بن ابراهیم ع و همسرش و نیز مرقد ساره همسر ابراهیم ع چنین سخن می گوید: که در این مقبره ها نیز به سبک معماری اسلامی محراب ساخته شده و سنگ های که در ساخت آن کار گرفته شده است تراشیده شده است و در آن از چراغ دانه های نقره گین برای زیبایی استفاده شده است. به قول ناصر خسرو که امیر الجیوش همچنان مصلا ی نماز برای آن جا فرستاده و این نشان دهنده عنایت بزرگان و سران اسماعیلی به زیور و زینت ارایه های زیارتگاه و مساجد است.

ناصر خسرو قبادیانی بعد از آن که از قبه السخره و مسجد الاقصی و چند جای دیگر را در بیت المقدس وصف کرده به ذکر خصوصیات کلیسای در آن سرزمین به نام بیعة القمامة^۲ پرداخته است.

^۱ همان صص ۵۸-۵۹

^۲ نام کلیسای در بیت المقدس، مسیحیان آن را کلیسای قیامت گویند سفرنامه ناصر خسرو صص ۲۱۹

وصف کلیسای بیعه القمامه در بیت المقدس

"ترسایان^۱ (مسیحیان) را به بیت المقدس کلیسایی است که آن را بیعه القمامه گویند و آن راعظیم بزرگ دارند. و هر سال از روم خلق بسیار آن جا آیند به زیارت و ملک الروم نیز نهانی بیامد چنان که کس نداند. و به روزگاری که عزیز مصرالحاکم بامرالله بود قیصر روم آن جا آمده بود. حاکم از آن خبر داشت رکابداری از آن خود نزدیک او فرستاد و نشان دادکه بدان حیل و صورت مردی در جامع بیت المقدس نشسته است نزدیک وی رو بگو که حاکم مرا نزدیک تو فرستاده است و می گوید تا ظن نبوی که من از تو خبر ندارم اما ایمن باش که به تو هیچ قصد نخواهم کرد. و هم حاکم فرمود تا آن کلیسیا را غارت کردند و بکنند و خراب کردند و مدتی خراب بود.

بعد از آن قیصر رسولان فرستاد و هدایا و خدمت های بسیار کرد، و صلح طلبید و شفاعت کرد تا اجازت عمارت کلیسیا دادند و باز عمارت کردند، و این کلیسیا جایی وسیع است چنان که هشت هزار آدمی را در آن جا باشد. همه به تکلف بسیار ساخته از رخام رنگین و نقاشی و تصویر.

و کلیسیا را از اندرون به دیباهای رومی پیراسته و مصور کرده و بسیار زر طلا بر آن جا به کار برده و صورت عیسی علیه السلام چند جا ساخته که بر خری نشسته و صورت دیگر انبیا چون ابراهیم و

^۱ یعنی مسیحیان و عیسویان، سفرنامه ناصر خسرو صص ۲۲۱

اسماعیل و اسحق و یعقوب و فرزندان او علیهم السلام بر آن جا کرده و به روغن سندروس به دهن کرده و به اندازه هر صورتی آبگینه ای رقیق ساخته و بر روی صورت ها نهاده عظیم شفاف چنان که هیچ حجاب صورت نشده است و آن را جهت گرد و غبار کرده اند تا بر صورت ننشیند و هر روز آن آبگینه ها را خادمان پاک کنند . و جز این چند موضع دیگر است همه به تکلف چنان که اگر شرح آن نوشته شود به تطویل انجامد^۱

بررسی

ناصر خسرو در وصف ویژگی کلیسای به اسم بیعه القمامه چنین می گوید: این که قیصر روم پنهانی به کلیسا آمده بود که این نشان دهنده عدم تسامح در آن موقع میان مذاهب گوناگون است. با توجه به گنجایش هشت هزار نفر مشخص می شود که بزرگی کلیسا بسیار زیاد بوده و برای زیبایی و تزئین آن از نقاشی و تصویرگری استفاده شده است.

وصف بیت المقدس

“سواد (اطراف) و رستاق بیت المقدس همه کوهستان همه کشاورزی و درخت زیتون و انجیر و غیره تمامت بی آب است و نعمت های فراوان و ارزان باشد و کدخدایان باشند که هریک پنجاه هزارمن

^۱ همان صص ۶۲ - ۶۳

روغن زیتون در چاه ها و حوض ها پر کنند و از آن جا به اطراف عالم برند و گویند به زمین شام
 قحط نبوده است و از ثقات (آگاهان) شنیدم که پیغمبر را علیه السلام و الصلوه به خواب دید یکی از
 بزرگان که گفتی یا پیغمبر خدا ما را در معیشت یاری کن . پیغمبر علیه السلام در جواب گفتی نان و
 زیت شام بر من^۱.

بررسی:

یکی از شهر های دیگر عرب که ناصر خسرو به وصف آن پرداخته است شهر بیت المقدس است که
 تنوع محصولات این منطقه توجه او را به خود جلب کرده است.

که در باره آن چنین می گوید: هوای این شهر مرطوب است از نعمت بارندگی برخوردار است. دارای
 چشمه های زیادی می باشد و به همین سبب دارای کشاورزی است. و هر جا که آب نبوده از طریقه
 های دیم استفاده به عمل می آمد.

وصف بیت اللحم

در جای دیگر در باره بیت اللحم چنین گفته است

"و به یک فرسنگی شهر بیت المقدس ترسایان را جای است که آن را از عظیم و بزرگ می دارند و همیشه قومی آنجا مجاور باشند و زائران بسیار رسند و آن را بیت اللحم گویند و ترسایان قربان آنجا کنند و از روم آنجا بسیار آیند و من آن روز که از شهر بیامدم، شب آن جا بودم.^۱

بررسی: متن بالا از سفرنامه ناصر خسرو بیانگر رسم و عادات فرهنگ مردم عرب است. که در سفرنامه آمده است. و در جای دیگر در باره غذا عادات و فرهنگ مردم عرب گفته است.

صفت شهر مکه، شرفها الله تعالی

"شهر مکه اندر میان کوه ها نهاده است نه بلند. و از هر جانب که به شهر روند تا به مکه نرسند، نتوان دید و بلندترین کوه که به مکه نزدیک است کوه ابو قیس است، و آن چون گنبد گردی است چنان که اگر از پای آن تیری بیاندازند برسد، و در مشرقی شهر افتاده است، چنان که چون در مسجد حرام باشند، به دی ماه، آفتاب، از سر آن بر آید و بر سر آن میلی است از سنگ بر آورده، گویند ابراهیم^ع بر آورده است.^۲

^۱ همان صص ۵۷

^۲ همان صص ۱۱۸ - ۱۱۹

بررسی: ناصر خسرو در سفرنامه خود از صفت شهر مکه و کوه های آن که ابو قیس است وصف نموده ضمناً در باره مسجد حرام گفته است که بر سر آن میلی است از سنگ برآورده که گویند ابراهیم ^ع آورده است.

وصف در کعبه: دری است از چوب ساج به دو مصراع و بالای در شش ارش و نیم است و بهنای هر مصراعی یک گز و سه چهار یک چنان که هر دو مصراع سه گز و نیم باشد، و روی در و در فراز هم نبشته و بر آن نقره کاری دایره ها و کتابت ها نقاشی منبت کرده اند و کتابت های به زر کرده و با طلا و سیم سوخته در رانده و این آیت را تا آخر بر آن جا نوشته:

ان اول بیت وضع للناس للذي ببكة الايه و دو حلقه نقره گین بزرگ که از غزنین فرستاده اند بر دو مصراع در زده چنان که دست هر کس که خواهد بدان نرسد

و دو حلقه دیگر نقره گین خوردتر از آن هم بر دو مصراع در زده چنان که دست هر کس که خواهد بدان رسد و قفل بزرگ از نقره بر این دو حلقه زیرین بگذرانیده که بستن در به آن باشد و تا آن قفل برنگیرند در گشوده نشود^۱

^۱ همان صص ۱۳۰-۱۳۱

بررسی: ناصر خسرو در کعبه را در سفرنامه خود چنین وصف نمود است: که در کعبه دری است از چوبِ ساج و بالای در را چنین وصف نموده است. که بالای در شش ارش و نیم است. و روی در، و در فراز آن به نقره کاری نقاشی و کتابت شده است به زر و طلا و یک آیت در آن جا نوشته شده است. و دو حلقه دیگر نقره گین خوردتر از هم به دو مصراع در زده اند چنان که دست هر کس که بخواهد به آن جا رسد و یک قفل بزرگ از نقره بر این دو حلقه زیرین گذاشته اند که در را به آن می بندند و تا آن قفل را بر نگیرند در باز نمی شود.

صفت مسجد الحرام و بیت کعبه:

گفته ایم که خانه کعبه در میان مسجد حرام و در میان شهر مکه در طول آن است از مشرق به مغرب . و عرض آن شمال به جنوب . اما دیوار مسجد قائمه نیست و رکن ها در مالیده است تا به مدوری مایل است زیرا که چون در مسجد نماز کنند از همه جوانب روی به خانه باید کرد ، و آن جا که مسجد طولانی تر است از باب اندوه که سوی شمال است تا به باب بنی هاشم چهارصد و بیست و چهار ارش است ،

و عرضش از باب اندوه که سوی شمال است تا به باب الصفا که سوی جنوب است و فراخ تر جایش سیصد و چهار ارش است و سبب مدوری جای تنگ تر نماید، و همه گرد. برگرد مسجد سه رواق

است به پوشش به عمودهای رخام برداشته اند و میان سرای را چهار سو کرده و درازی پوشش که به سوی ساحت مسجد است به چهل و پنج طاق است پهنایش به بیست و سه طاق و عمودهای رخام تمامت صد و هشتاد و چهار است.

و گفتند این همه عمودها را خلفای بغداد فرمودند از جانب شام به راه دریا بردن و گفتند چون این عمودها به مکه رسانیدند آن ریسمان ها که در کشتی ها و گردونه ها بسته بودند و پاره شده بود چون بفروختند از قیمت آن شصت هزار دینار مغربی حاصل شد و از جمله آن عمودها یکی در آن جاست که باب الندوه گویند ستونی سرخ رخامی است .

گفتند این ستون را همسنگ دینار خریده اند و به قیاس آن یک ستون سه هزار من بود . مسجد حرام را هیجده در است همه به طاق ها ساخته اند بر سر ستون های رخام و بر هیچ کدام دری نشانده اند که فراز توان کرد . بر جانب مشرق چهار در است . از گوشه شمالی باب النبی و آن به سه طاق است بسته ، و هم بر این دیوار گوشه جنوبی دری دیگر است که آن را هم باب النبی گویند و میان آن دو درصد ارش بیش است و این در به دو طاق است ، و چون از این در بیرون شوی بازار عطاران است که خانه رسول علیه السلام در آن کوی بوده است و بدان در به نماز اندر مسجد شدی و چون از این در بگذری هم بر این دیوار مشرقی باب علی علیه السلام است و این آن در است امیرالمومنین علی

علیه السلام در مسجد رفتی به نماز و این در به سه طاق است . و چون از این در بگذری بر گوشه مسجد مناره ای دیگر است بر سر سعی از آن مناره که به باب بنی هاشم است تا بدین جا بیاید شتافتن و این مناره هم از آن چهارگانه مذکور است . و بر دیوار جنوبی که آن طول مسجد است هفت در است . نخستین بر رکن که نیمگرد کرده اند باب الدقائین است و آن به دو طاق است . و چون اندکی به جانب غربی بر وی دری دیگر است به دو طاق و آن را باب الفسانین گویند ، و همچنان قدری دیگر بروند باب الصفا گویند .

و این در را پنج طاق است و از همه این طاق میانین بزرگ تر است و جانب او دو طاق کوچک . و رسول الله علیه السلام از این در بیرون آمده است که به صفا شود و دعا کند و عتبه این طاق میانین سنگی سپید است عظیم و سنگی سیاه بوده است که رسول علیه السلام گرفتند و الصلوة پای مبارک خود بر آن جا نهاده است و آن سنگ نقش قدم متبرک او علیه السلام گرفته و آن نشان قدم را از آن سنگ سیاه بیریده اند و در آن سنگ سپید ترکیب کرده چنان که سرانگشت های پا اندرون مسجد دارد و حجاج بعضی روی بر آن نشان قدم نهند و بعضی پای تبرک را و من روی بر آن نشان نهادن واجب تر دانستم . و از باب الصفا سوی مغرب مقداری دیگر بروند باب السطوی است به دو طاق . و برابر این سرای ابوجهل است که اکنون مستراح است . بر دیوار مغربی که آن عرض مسجد است سه

در است . نخست آن گوشه ای که با جنوب دارد باب عروه به دو طاق است . به میانه این ضلع باب ابراهیم علیه السلام است به سه گوشه طاق و بر دیوار شمالی که آن طول مسجد است چهار در است بر گوشه مغربی باب الوسیط است به یک طاق . چون از آن بگذری سوی مشرق باب العجله است به یک طاق و چون از آن بگذری به میانه ضلع شمالی باب الندوه به دو طاق . و چون از آن بگذری باب المشاوره است به یک طاق و چون به گوشه مسجد رسی شمالی مشرقی دری است باب بنی شبیه گویند ، و خانه کعبه به میان ساحت مسجد است مربع طولانی که طولش از شمال به جنوب است و عرضش از مشرق به مغرب و طولش سی ارش است و عرض شانزده و در خانه سوی مشرق است .

و چون در خانه روند رکن عراق بر دست راست باشد و رکن حجرالاسود بر دست چپ ، و رکن مغربی جنوبی را رکن یمانی گویند و رکن شمالی مغربی را رکن شامی گویند ، و حجرالاسود در گوشه دیوار به سنگی بزرگ اندر ترکیب کرده اند و در آن جا نشانده چنان که حجرالاسود در گوشه دیوار به سنگی بزرگ اندر ترکیب کرده اند و در آن جا نشانده چنان که چون مردی تمام قامت بایستد با سینه او مقابل باشد . و حجرالاسود به درازی یک دستی و چهار انگشت باشد و به عرض

هشت انگشت باشد و شکلش مدور است ، و از حجرالاسود تا در خانه چهار ارش است و آن جا را که میان حجرالاسود و در خانه است ملتزم گویند .

و در خانه از زمین به چهار ارش برتر است چنان که مردی تمام قامت بر زمین ایستاده بر عتبه رسد و نردبان ساخته اند از چوب چنان که به وقت حاجت در پیش نهند تا مردم بر آن بروند و در خانه روند و آن چنان است که به فراخی ده مرد بر پهلوی هم به آن جا برتوانند رفت و فرود آیند ، و زمین خانه بلند است بدین مقدار که گفته شد^۱

بررسی:

مسجد رسول شبیه مسجد الحرام است و ضریح حضرت در پهلوی منبر خانه پنج ضلعی بوده و بین ستون ها به تعداد پنج ستون دیوار کشیده بودند. سر این خانه چهار دیواری با نرده ساخته بودند تا کسی به آنجا نرفته و پرده کشیده بودند تا مرغ به آنجا نرود. میان مقبره و منبر هم ظریحی با نام روضه مانند شاه نشین با سنگ های مرمر بود، معتقد بودند که آن بستانی از بستان های بهشت است.

^۱ همان صص ۱۲۵ - ۱۲۹

زیرا رسول الله ﷺ فرموده است میان قبر و منبر من باغی است از باغ های بهشت و بیرون شهر مدینه سمت جنوب در صحرا گورستانی به نام قبور الشهداء قرار داشت و ناصر خسرو به زیارت قبر حمزه بن عبدالمطلب ^{رض} رفته بود.

مسجد الحرام: ناصر خسرو ابتدا به جایگاه خانه کعبه در میان مسجد الحرام و مسجد الحرام در میان شهر مکه اشاره می نماید و سپس وصفات خود را از بنای مسجد الحرام چنان ارائه می نماید که می توان تصویر آن را در ذهن رسم نمود. تعداد در های مسجد، نام باب ها، جنس ستون ها، تعداد طاق ها به همراه جهاد همگی مبسوط به رشته تحریر در آمده و تنها می توان گفت گاهی به تعداد در های که شمرده، موارد بدون نام باقی است.

صفت خانه کعبه:

"و خانه کعبه به میان ساحت مسجد است مربع طولانی که طولش از شمال به جنوب است و عرضش از مشرق به مغرب و طولش سی ارش است و عرض شانزده و در خانه سوی مشرق است . و چون در خانه روند رکن عراق بر دست راست باشد و رکن حجرالاسود بر دست چپ ، و رکن مغربی جنوبی را رکن یمانی گویند و رکن شمالی مغربی را رکن شامی گویند ،

و حجرالاسود در گوشه دیوار به سنگی بزرگ اندر ترکیب کرده اند و در آن جا نشانده چنان که حجرالاسود در گوشه دیوار به سنگی بزرگ اندر ترکیب کرده اند و در آن جا نشانده چنان که چون مردی تمام قامت بایستد با سینه او مقابل باشد .

و حجرالاسود به درازی یک دستی و چهارانگشت باشد و به عرض هشت انگشت باشد و شکلش مدور است ، و از حجرالاسود تا در خانه چهار ارش است و آن جا را که میان حجرالاسود و در خانه است ملتزم گویند .

و در خانه از زمین به چهار ارش برتر است چنان که مردی تمام قامت بر زمین ایستاده بر عتبه رسد و نردبان ساخته اند از چوب چنان که به وقت حاجت در پیش نهند تا مردم بر آن بروند و در خانه روند و آن چنان است که به فراخی ده مرد بر پهلوی هم به آن جا برتوانند رفت و فرود آیند ، و زمین خانه بلند است بدین مقدار که گفته شد^۱

بررسی:

خانه کعبه طول و عرض دیوارها جهت در خانه که سوی شرق است و هنگام ورود به آن رکن عراقی سمت راست و رکن حجرالاسود سمت چپ و رکن یمانی جنوب غربی و رکن شامی شمال غربی

^۱ همان صص ۱۲۹ - ۱۳۰

قرار می گیرد و جایگاه حجرالاسود که در گوشه ای دیوار با سنگ بزرگ ترکیب شده بود همچنین ارتفاع آن از زمین طول و عرض و شکل مدور آن از نگاه تیزبین و دقیق ناصر خسرو دور نمانده است.

جنس در کعبه که از ساج بوده و ارتفاع و خصوصیات درک این آیه بر آن اول بیت کامل بر آن نقش بسته بود و دو حلقه نقره یی بزرگ که از غزنین آورده شده بود از دیگر بخش های بیرونی ساختمان کعبه است. که شرح آن در سفرنامه موجود است.

درون کعبه با وصف ضخامت دیوار ها مرمرهای سپید کف، دیوار ها که با مرمر های رنگین پوشیده شده، شش محراب نقره یی در سمت چپ و نقوش سقف همراه است. که ناصر خسرو سپس به بام کعبه رفته و مطالبی پیرامون آن جا و پرده سپید که خانه را پوشانده ارائه نموده است.

ضمناً ناصر خسرو خرمای مصر و اهل بازار مصر را چنین وصف نموده است

"به لحسا چندان خرما باشد که ستوران را به خرما فربه کنند، که وقت باشد که زیادت از هزار من به یک دینار بدهند."^۱

فرهنگ، رسم و عادات مردم عرب

فرهنگ عمارت ها:

"قصر سلطان میان شهر قاهره است. و همه حوالی آن گشاده که هیچ عمارت بدان پیوسته است و مهندسان آنرا مساحت کرده اند. برابر شهر میافارقین^۱ است، و گرد بر گرد آن گشوده است... چون از بیرون شهر بنگرند، قصر سلطان چون کوهی نماید. از بسیاری عمارات و ارتفاع آن، اما از شهر هیچ نتوان دید که با روی آن عالی است... و آن دوازده کوشک است، و این حرم را ده دروازه است.. باب الفتوح، باب الزلاقه، باب السریه، باب الذهب، باب البحر، باب السریج، باب الزهومه، باب العید، باب الزبرجد، باب السعید و باب الاسلام، و در زمین دری است که سلطان سواره از آنجا بیرون رود و از شهر بیرون قصری ساخته است که مخرج آن رهگذر در آن قصر است و آن رهگذر را همه سقف محکم زده اند از حرم تا به کوشک و دیوار کوشک از سنگ تراشیده ساخته اند که گویی از یک پاره سنگ تراشیده اند، و منظرها و ایوانها عالی بر آورده و از اندرون دهلیز دکان هاست.^۲

^۱ جای در ترکیه کنونی

^۲ دبیر سیاقی (۱۳۵۵خ) سفرنامه حکیم ناصر خسرو قبادیانی مروزی، تهران، صص ۷۷ - ۷۸

ناصر خسر در جای دیگر در سفرنامه خود با جزئیات بیشتر علاوه بر وصف قصر، اسباب و لوازم تکلفات و تزئینات را وصف می کند: "چون از در سرای، به در شدم عمارت ها و ایوان ها دیدم که اگر وصف آن کنم کتاب به تطویل انجامد. ۱۲ قصر درهم ساخته، همه درجات مربعات که در هر یک که می رفتم از یک دیگر نیکوتر بود و هر یک به مقدار صد ارش. و یکی از این جمله چیزی بود شصت اندر شصت و تختی به تمامت عرض خانه نهاده به علو چهار گز^۱، از سه جهت آن تخت همه از زر بود، شکارگاه و میدان وغیره بر آن تصویب کرده و کتابتی به خط پاکیزه بر آنجا نوشته و همه فرش و طرح در این حرم بود همه آن بود که دیبای رومی و بوقلمون به اندازه هر موضعی بافته بودند و دارافزینی مشبک از زر بر کناره ای نهاده که صفت آن نتوان کرد.

و از پس تخت که با جانب دیوار است درجات نقرگین ساخته و آن تخت خود چنان بود که اگر این کتاب سر به سر صفت آن باشد، سخن مستوفی و کافی نباشد. گفتند پنجاه هزار من شکر، راتبه آن

^۱ معیار دیگر است که معادل ۲۴ انگشت یا به حساب دیگر، برابر فاصله آرنج تا سر انگشتان است. شایان ذکر است که ناصر خسرو، گاهی به مسامحه، (گز و ارش را به جای هم و معادل هم به کار برده است. علاوه بر آن گز به معانی متفاوت دیگری هم به کار رفته است. از جمله ۱: معادل ذراع (منتعی الادب) واحد طول برابر یک ذرع و معادل ۱۶ گره، واحد طول معادل متر اروپایان شایان توجه است که به موجب قانون مصوب ۱۳۰۴، طول یک گز برابر با یک متر تعیین شده است. (ماخذ: دکتر معین، فرهنگ فارسی) ذیل "گز"

روز باشد که سلطان خوان نهد، آرایش خوان را درختی دیدم چون درخت ترنج و همه شاخ و برگ و بار آن از شکر ساخته و اندر او هزار صورت و تمثال ساخته همه از شکر. و مطبخ سلطان بیرون از قصر است و پنجاه غلام همیشه در آنجا ملازم باشند و از کوشک راه به مطبخ است در زیر زمین و ترتیب ایشان چنان محیا بود که همه روز چهارده شتروار برف به شراب خانه سلطان بردند و از آنجا بیشتر امرا و خواص را راتبه ها بودی و اگر مردم شهر جهت رنجوران طلبیدندی هم بدادندی.^۱

بررسی: ناصر خسرو در وصف وسعت زیاد از عزمت و شکوه این قصر حکایت می کند و اقتصاد پر رونق شهر قاهره را نشان می دهد، همچنین ناصر خسرو در وصف استفاده از فرش های زیبا در قاهره اشاره کرده است.

همچنان معماری زیبا، استفاده از جواهرات، وسعت زیاد قصر، همگی نشان دهنده وصف اقتصاد و رفاه حکومت فاطمیان است. مقدار طلایی که در ساخت تخت بکار گرفته شده، حکایت از وصف وضعیت مناسب اقتصادی سلاطین فاطمی دارد، چنان که آن ها از راه سودان و سجل ماسه، طلاهای زیادی را با شتر حمل می کردند و باخود به مصر می آوردند.

"همه مسجد حصیر های منقش انداخته، و بازار نیکو آراسته، چنان که چون آن بدیدم گمان بردم که شهر را بیاراسته اند، قدوم سلطان را یا بشارتی رسیده است. چون پرسیدم گفتند: رسم این شهر

^۱ همان صص ۹۸ - ۹۹

همیشه چنین باشد" ^۱ که از رسم عادات و فرهنگ سرزمین عرب سخن گفته است. و در جای دیگر همچنین درباره عادات فرهنگ مردم عرب سخن گفته است.

"بیت المقدس را اهل شام و آن طرف ها قدس گویند، و از اهل آن ولایات کسی که به حج نتوان رفتن در همان موسم به قدس حاضر شود و به موقف بایستد و قربانی عید کند، چنان که عادت است. و سال باشد که زیادت از بیست هزار خلق در اوایل ماه زی الحجه آن جا حاضر شوند و فرزندان آن جا برند و سنت کنند" ^۲

بررسی: که رفتن به قدس و حاضر شدن در آن جا و قربانی کردن و سنت کردن چنان که بیانگر عادات فرهنگ مردم عرب را نشان می دهد.

فرهنگ خورد و نوش

"و بر بام مقصوره که در مشهد است حجره ها بدانجا ساخته اند، مهمانان را که آن جا رسند. و آن را اوقاف بسیار باشد از دیه ها و مستغلات در بیت المقدس. و آن جا اغلب جو باشد و گندم اندک باشد و زیتون بسیار باشد. مهمانان و مسافران و زائران را نان و زیتون دهند.

^۱ همان صص ۲۳

^۲ همان صص ۳۵

آنجا مدارها بسیار است که به استر و گاو همه روز آرد کنند و کنیزکان باشند که همه روز نان پزند و نان های ایشان هر یکی یک من^۱ باشد. هر که آن جا رسد او را هر روز یک گرده نان و کاسه عدس به زیت پخته دهند و مویز نیز دهند. این عادت از روزگار خلیل ابراهیم الرحمن^ع تا این ساعت بر قاعده ماند و روز باشد که پانصد کس آنجا برسند و همه را آن زیافت مهیا باشد.^۲

بررسی: مهمانان و مسافران زائران را نان زیتون می دهند و این عادات از زمان خلیل الرحمن تا الان در آنجا مانده است که بیانگر عادات، فرهنگ و نوع خوردن غذای عرب را نشان می دهد.

فرهنگ بافندگی

و در جای دیگر در باره نوع لباس سرزمین عرب ناصر خسرو همچنین سخن یاد کرده است

"و آن جا قصبی رنگین بافند از عمامه ها و قایه ها و آنچه زنان پوشند. از این قصب های رنگین هیچ جا مثل آن نبافند که در تنیس. و آنچه سپید باشد بدماط بافند. و آنچه در کارخانه سلطانی

^۱ در هیچ جای سفرنامه، توضیح در باره مقیاس من مشاهده نمی شود در ضمن، توضیح شادروان ایرج افشار مبنی بر این که، منظور از من در سفرنامه همان من متعارف در خراسان است. هم مشکلی را حل نمی کند. قدر مسلم این است که برای مقیاس "من" در نقاط مختلف ایران در گذشته و حال معادل های متفاوتی معمول بوده است که شرح تفصیلی آن ها در فرهنگ فارسی، دکتر معین (ذیل کلمه من) آمده است، ولی از میان آن ها دو کاربرد شهرت و عمومیت بیشتری داشته است. "من شاه" که تقریباً معادل شش کیلوگرام و من تبریز که به تقریب برابر سه کیلو گرام است.

^۲ همان ص ۶۰

بافند به کسی نفروشد و ندهند. شنیدم که ملک فارس بیست هزار دینار به تیس فرستاده بود تا به جهت او یکدست جامه خاص بخرند و چند سال آنجا بودند و نتوانستند خریدن. و آن جا بافندگان معروف اند که جامه خاص بافند. و شنیدم که کسی آن جا دستار سلطان مصر بافته بود آن را پانصد دینار زر مغربی فرمود. و من آن دستار دیدم. گفتند چهار هزار دینار مغربی ارزد.

و بدین شهر تیس بوقلمون بافند که در همه عالم جای دیگر نباشد، آن جامه رنگین است که به هر وقتی از روز به لون دیگر نماید و به مغرب و مشرق آن جامه از تیس برند.^۱

بررسی: بافتن قصب رنگین و پوشیدن عمامه ها به وسیله زنان در تیس و یادبود از بافندگان معروف آن سرزمین و بافتن دستار سلطان مصر ضمناً بافتن بوقلمون که در همه عالم جای دیگر نباشد بیانگر نوع لباس سرزمین عرب را برای ما نشان می دهد.

"چنان که مردم به رغبت کار سلطان کنند، نه چنان که در دیگر ولایات، که از جانب دیوان و سلطان بر صنایع سخت پردازند. و جامعه عمارت شتران و نمد زین اسپان بوقلمون بافند به جهت خاص سلطان"^۲

^۱ صص ۶۴ و ۶۵

^۲ همان صص ۶۶

بررسی: جهت خاص سلطان جامه برای سلطان بافتن و نمد زین اسپان بافتن نمایان گر نوع لباس

از پوست حیوانات می باشد.

و در جای دیگر سفرنامه ناصر خسرو در مورد نوع لباس و در باره فرهنگ و عادات مردم عرب

چنین گفته است:

"و عمامه ای هم از آن رنگ بر سر بسته و همچنین تازیانه عظیم قیمتی در دست گرفته و در پیش

او سه صد مرد دیلم می رفت، همه پیاده، و جامه های زریفت روی پوشیده، و میان بسته با آستین

های فراخ به رسم مردم مصر، همه با زوبین ها و تیر ها و پای تابه های پیچیده و رسم ایشان آن بود

که هر کجا سلطان به مردم رسیدی او را سجده کردند و صلوات دادندی، از پس او وزیر می آمدی

با قاضی القضا، و فوج انبوه از علم و ارکان دولت.^۱

و در جای دیگر در سفرنامه اش ناصر خسرو در باره عادات و فرهنگ مردم عرب چنین گفته است.

^۱ همان صص ۸۵ و ۸۶

رسم و عادت مردم عرب

رسم و عادات و طرز لباس پوشیدن مردم عرب

"از فرزندان امیر المومنین حسین بن علی بن ابی طالب ^{صلوات الله علیهما} موی سر سترده بودی. بر استری

نشسته بود، زین و لگامی بی تکلف، چنان که هیچ زر و سیم بر آن نبود. و خویشتن پیراهنی

پوشیده سفید با فوطه ای فراخ و بزرگ، چنان که در بلاد عرب رسم است، و به عجم دراعه می

گویند، و گفتند آن پیراهن را دبیقی می گویند، و قیمت آن ده هزار دینار باشد.

و عمامه هم از آن رنگ بر سر بسته و همچنین تازیانه ای از این قیمتی در دست گرفته و در پیش او

سه صد مرد دیلم می رفت، همه پیاده، و جامه های زربفت روی پوشیده، و میان بسته به آستین های

فراخ به رسم مردم مصر، همه با زوبین ها و تیر ها و پایتابه های پیچیده و مظله داری با سلطان می

رود، بر اسبی نشسته و دستار زرین مرسه بر سر او و دستی جامه پوشیده که قیمت آن ده هزار دینار

مغربی باشد"

و بر دست راست و چپ و چندین مجمره دار می روند، از خادمان، و انبر و عود می سوزند. و رسم

ایشان آن بود که هر کجا سلطان به مردم رسیدی او را سجده کردند و صلوات دادندی.^۱

^۱ دیر سیاقی (۱۳۵۵ خ) سفرنامه حکیم ناصر خسرو قبادیانی مروزی، تهران، صص ۸۵، ۸۶

بررسی:

از متن بالا طوری معلوم می شود که در باره حسین بن علی بن ابی طالب ناصر خسرو سخن یاد کرده است. که از پیرهن حسین بن علی^{رض} و رنگی پیراهنش که سفید بوده است یاد کرده است که یک نوع رسم است در بلاد عرب.

و همچنان گفته است که این نوع پیراهن را که حسین بن علی^ع می پوشید آنرا در عجم دراعه می گویند و دبیقی هم می گویند و قیمت آن در حدود ده هزار دینار بود و ناصر خسرو همچنین در باره عمامه ای حسین بن علی صحبت کرده است که به رنگ سفید بر سر بسته و تازیانه ای بزرگ قیمتی در دستش گرفته و مردم دیلم نیز نزدش بسیار می آمدند و جامه زربفت می پوشیده میان بسته با آستین های باز به رسم و عاداتی مردم مصر و بر اسبی نشسته و دستاری زرین مرصع بر سر نهاده که قیمت آن حدود ده هزار دینار مغربی باشد که بیانگر از رسم و عادات لباس مردم عرب می باشد وصف نموده است.

عقاید مردم عرب

"شش فرسنگ دیگر شدیم معرة النعمان بود باره سنگین داشت. شهر آبادان و به در شهر استوانه ای سنگین دیدم، چیزی بر آن نوشته بود به خط دیگر از تازی. از یکی پرسیدم که: این چه چیز است؟

گفت: "طلسم کژدم است، که هرگز عقرب در این شهر نباشد و نیاید و اگر از بیرون آورند و رها کنند بگریزد و در شهر نیاید."^۱ که حکیم ناصر خسرو در بیان عقاید مردم عرب یاد کرده است.

و در جای دیگر از سفرنامه اش همچنین در باره عقاید مردم عرب چنین گفته است. "ما به راه ساحل رفتیم در کوه چشمه دیدم که گفتند هر سال چون نیمه شعبان بگذرد آب جاری شود از آنجا و سه روز روان باشد و بعد از سه روز یک قطره نیاید تا سال دیگر. مردم آنجا به زیارت روند و تقرب جویند به خداوند سبحان تعالی."^۲

در بالا ناصر خسرو در باره عقیده مردم صحبت کرده است. که در باره یک چشمه که ناصر خسرو در یک کوه دیده بود و هر شعبان از آنجا که مردم می گذشت آب جاری بود و سه روز روان بود و بعد از سه روز یک قطره تا سال دیگر در آنجا آب جاری نبود که مردم آنجا به زیارت آنجا می رفتند و تقرب می جستند به بارگاه خداوند که نمایانگر عقاید مردم و آن سرزمین را نشان می دهد. ضمناً در قسمت از سفرنامه خود در باره عقاید مردم چنین گفته است "به دروازه شرقی بر دست چپ چشمه ای است که ۲۶ پایه فرو باید شد تا به آب رسید و آنرا عین البقر گویند، و می گویند که

^۱ دبیر سیاقی (۱۳۵۵خ) سفرنامه حکیم ناصر خسرو قبادیانی مروزی، تهران، صص ۱۷-۱۸

^۲ همان صص ۱۹-۲۰

آن چشمه را آدم^۱ پیدا کرده است و گاو خود را از آنجا آب داده، و از آن سبب آن چشمه را عین البقر گویند.^۱

که عقیده و باور مردم عرب را نشان داده است نسبت به چشمه که آدم ع پیدا کرده است. و گاو خود را در آنجا آب داده است. و از این خاطر مردم آنجا آن چشمه را عین البقر می گویند.

"بر کناره آن دشت مقبره است بزرگ و بسیار مواضع بزرگوار که مردم آن جا نماز کنند و دست به حاجات بردارند و ایزد سبحان و تعالی حاجات ایشان را روا گرداند."^۲

که عقیده و باور مردم عرب را در باره مقبره بزرگی که در دشت واقع است سخن به عمل آورده است که در آن جا مردم می روند و زیارت می کنند و در بارگاه تعالی دعا می کنند تا حاجات ایشان را خداوند برآورده کند.

و در جای دیگر همچنین در باره عقاید و باور مردم آن جا چنین گوید

"و این باب بر جانب راه مکه است. و به نزدیک در، بر دیوار، به اندازه سپری بزرگ بر سنگ نقشی است، گویند که حمزه بن عبد المطلب عم رسول آنجا نشسته است، سپری بر دوش بسته، پشت بر آن دیوار نهاده، و آن نقش سیر اوست."^۱

^۱ همان صص ۲۵، ۲۶

^۲ همان صص ۳۶

و در جای دیگر همچنین در باره باور مردم عرب چنین گفته است.

"و سخره سنگی کبود رنگ است و هرگز کسی بر آن پای ننهاده است و از آنسو که قبله است یکجای نشیمن دارد و چنان است که گویی بر آنجا کسی رفته است و پایش بدان سنگ فرو رفته است، چنان که گویی گل نرم بوده که نشان انگشتان پای در آنجا بمانده است، و هفت پی چنین برش است و چنان شنیدم که ابراهیم ع، آنجا بوده است و اسحاق ع، کودک بوده است بر آنجا رفته، و آن نشان پای اوست.^۱

که عقیده و باور مردم عرب را نشان می دهد که نشان انگشتان پای که در آن جا مانده است. از ابراهیم ع بوده است. و آن نشان پای از اسحاق ع بوده است.

ضمناً در جای دیگر از عقیده و باور مردم عرب صحبت کرده است چنین گوید.

"ترسایان را به بیت المقدس کلیسای است که آن را کنیسه القیامة گویند و هر سال از روم خلق بسیار آنجا آیند به زیارت.^۲

" که عقیده مردم آن جا را به کلیسا نشان می دهند که هر سال مردم بسیار از سوی روم آنجا به زیارت آیند.

^۱ همان صص ۴۸

^۲ همان صص ۵۱

^۳ همان صص ۶۳

و در جای دیگر نیز از عقیده و باور مردم روم صحبت کرده است:

"و به شهر مصر مقیاس ها و نشانه ها ساخته اند. و عاملی باشد، به هزار دینار معیشت، که حافظ آن باشد که، چند می افزاید. و از آن روز که زیادت شدن گیرد منادیان به شهر اندر فرستد که ایزد، سبحانه و تعالی امروز در نیل چندین زیادت گردانید، و هر روز گویند چندین اصبه زیادت شد و چون یک گز تمام می شود آن وقت بشارت می زنند و شادی می کنند تا هجده ارش بر آید. و آن هزده ارش معهود است یعنی هر وقت که از این کمتر بود نقصان گویند و صدقات دهند و نذر ها کنند و اندوه و غم خورند و چون از این مقدار بیش شود شادی ها کنند و خرمی ها نمایند. و تا هجده گز بالا نرود خراج سلطان بر رعیت ننهند."^۱

اوضاع سیاسی

در قرن پنجم دو خلافت با قدرت عباسیان در بغداد و فاطمیان در مصر با یکدیگر رقابت داشتند. خلفای عباسی نمایندگی مذهب اهل سنت را بر عهده داشتند و خلفای فاطمی نماینده مذهب اسماعیلی بودند. هر دو خلافت برای توسعه قدرت سیاسی و مذهبی خود بر سر تسخیر ممالک و تصرف منابع اقتصادی با هم نزاع داشتند. مراکز حکومت ها یعنی بغداد و قاهره به نسبت دیگر نواحی وضعیت اقتصادی و اجتماعی ویژه داشتند. در قلمرو عباسیان به کشاورزی و تجارت

^۱ همان ص ۶۹

توجه خاص نشان داده می شد از اهداف اقتصادی فاطمان همانند دولت های قبلی افریقا و مغرب، تسلط بر شهرها و راه های تجاری بوده است. زیرا هر اندازه که داد و ستد طلا در شهر بیشتر می شد قدرت و اعتلای حکومت آن ها فزونی می گرفت.^۱

طوری که ابن خلدون نیز گفته :

نهضت اسماعیلی در جهت اهداف سیاسی خود به اهداف تجاری در جهت رشد و گسترش دعوت خود یک اندازه بها می داد.^۲

از اقدامات دولت فاطمیان در افریقا، که در جلب و قلوب عامه مؤثر افتاده بود برقراری امنیت اقتصادی بود. آنها مناطقی را که فتح می کردند بیدرنگ امنیت را آن جا برقرار می کردند که این عمل باعث گسترش ارتباط تجاری و تسریع در حرکت اقتصادی افریقا شد.^۳

^۱ محمد علی چلنگر (۱۳۸۵ خ) زمینه های پیدایش خلافت فاطمیان، ج ۲، قم: پژوهشگاه حمزه و دانشگاه، صص

^۲ ابن خلدون و ابو زید عبد الرحمن بن احمد (۱۳۶۶) العبر، ج ۳، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، تهران: موسسه

مطالعات و تحقیقات فرهنگی، صص ۸۹

^۳ همان صص ۲۱۱

اوضاع اقتصادی

سفرنامه ناصر خسرو از جمله منابع است که با مطالعه و بررسی آن می توان میزان رونق اقتصادی و اسباب رفاه را در مناطق تحت فرمانروایی عباسیان و فاطمیان و حاکمان آنها را مشاهده کرد. و بدست آورد. و به چگونگی اوضاع اقتصادی پی برد. یکی از پایه های اقتصادی در آن زمان صنایع، به ویژه بافندگی بوده که به اقتصاد شهر تنیس کمک زیادی کرده. که ناصر خسرو در سفرنامه خود از اوضاع اقتصادی آن ذکر کرده است.

"در کشتی ، در کشتی نشستم تا تنیس و آن تنیس جزیره ای است و شهر نیکو و از خشکی دور است چنان که از بام های شهر ساحل نتوان دید، شهری انبوه و بازارهای نیکو و دو جامع در آن جاست .به قیاس ده هزار دکان در آن جا باشد و صد دکان عطاری باشد .و آن جا در تابستان در بازارها کشگاب فروشند که شهری گرم سطر است و رنجوری بسیار باشد .و آن جا قصب رنگین بافند از عمامه ها و قوایه ها و آنچه زنان پوشند .از این قصب های رنگین هیچ جا مثل آن نبافند که در تنیس، و آن چه سپید باشد به دمیاط بافتند، و آن چه در کارخانه سلطانی بافند به کسی نفروشند و ندهند.

شنیدم که ملک فارس بیست هزار دینار به تنیس فرستاده بود تا به جهت او یک دست جامه خاص بخرند و چند سال آن جا بودند و نتوانستند خریدن^۱. شهر تنیس جزیره بوده و همانطور که ناصر خسرو بیان کرده تمام معاملات با کشتی صورت می گرفته که این مسئله به رونق تجارت در این منطقه منجر شده است. صنعت نساجی نیز از عوامل پیشرفت اقتصادی در این بلاد است، مسلمانان در تحیه پارچه های گلدار ابریشمی، حریر بافی و فرش بافی بی مثال بودند و بافتنی های مصر نیز شهرت داشته است.

و در جای دیگر ناصر خسرو از رونق اقتصادی شهری رمله صحبت نموده است.

رملة "فلسطين" از شهر های ساحلی شام بوده که تحت سلطه فاطمیان قرار داشته است. و رواج بازرگانی در آن شهر باعث بهبودی زندگی مردم شده بود. مصالح کار گرفته در ساختمان ها و امکانات عمومی مانند مسجد، حوضهای آبگیر و باروی حصین، بیانگر وضعیت اقتصادی بهتری در این شهر است.

واز قیساریه تا رمله هشت فرسنگ بود و آن شهرستانی بزرگ است و باروی حصین از سنگ و گچ دارد بلند و قوی و دروازه های آهنین بر نهاده، و از شهر تا لب دریا سه فرسنگ است، و آب ایشان از باران باشد و اندر هر سرای حوض های بزرگ است چون پر آب باشد هر که خواهد

^۱ خادم محسن (۱۳۸۲خ) سفرنامه، تهران: ققنوس، صص ۱۵۶ - ۱۵۷

گيرد و نيز دور مسجد آن جا را سيصد گام اندر دويست گام مساحت است، بر پيش صفا نوشته بودند که پانزدهم محرم سنه خمس و عشرين و اربعمائه اينجا زلزله ای بود قوی و بسيار عمارات خراب کرده ام کس را از مردم خللی نرسيد. در اين شهر رخام بسيار است و بيش تر سراها و خان های مردم مرخم است به تکلف و نقش ترکيب کرده و رخام را به اره ميبرند که دندان ندارد و ريگ مکی در آن جا می کنند و اره می کشند بر طول عمودها نه بر عرض چنانکه چوب از سنگلاخ الواح می سازند و انواع و الوان رخامها آن جا ديدم از ملمع و سبز و سرخ و سپاه و سفيد و همه لونی، و آن جا نوعی زنجير است که به از آن هيچ جا نباشد^۱

اوضاع فرهنگی و ادبی

صرف نظر از تاريخ سياسی فاطمیان، موقعيت جغرافیایی مغرب و مصر در ارتقای نظام فرهنگی و تمدنی خلافت موثر افتاد، به ویژه هنرمندان مسلمان از همه امکانات موجود در مصر بهره جستند تا بهترين کالای هنری را به جهان اسلام عرضه نمایند.^۲ طوری که قاهره یکی از مهم ترین نمونه های

^۱ همان صص ۱۳۹

^۲ فاطمه جان احمدی (۱۳۸۸) تاريخ تمدن و فرهنگ اسلامی، ج ۳، قم: دفتر نشر معارف، صص ۲۴

شهر سازی فاطمیان در مصر و در نزدیک پایتخت اسلامی مصر است که در آن می توان حسن تدبیر معماران فاطمی را دریافت.^۱

طوری که مطالب پایین گویای توجه ویژه فاطمیان به معماری است که در سفرنامه نمایان است. مانند: چون از در سرای به در شدم عمارتها و صفاها و ایوان دیدم که اگر وصف آن کنم کتاب به تطویل انجامد. دوازده قصر درهم ساخته همه مربعات که در هر یک که می رفتم از یکدیگر نیکوتر بود و هر یک به مقدار صد ارش در صد ارش و یکی از این جمله چیزی بود شصت اندر شصت و تختی بتمامت عرض خانه نهاده به علو چهار گز. از سه جهت آن تخت همه از زر بود شکارگاه و میدان و غیره بر آن تصویر کرده و کتابتی به خط پاکیزه بر آن جا نوشته و همه فرش و طرح که در این حرم بود همه آن بود که دیبای رومی و بوقلمون به اندازه هر موضوعی بافته بودند و دارافدینی مشبک از زر بر کناره ای نهاده که صفت آن نتوان کرد، و پس از تخت که با جانب دیوار است درجات نقره گین ساخته و آن تخت خود چنان بود که اگر این کتاب سر به سر صفت آن باشد سخن مستوفی و کافی نباشد. گفتند پنجاه هزار من شکر را تبه آن روز باشد که سلسان خوان نهد، آرایش خوان را درختی دیدم چون درخت ترنج و همه شاخ و برگ و بار آن از شکر ساخته و اندر او هزار صورت و تمثال ساخته همه از شکر. و مطبخ سلطان بیرون از قصر است و پنجاه غلام همیشه در آن جا ملازم

^۱ همان صص ۲۰۶

باشند و از کوشک راه به مطبخ است در زیر زمین و ترتیب ایشان چنان مهیا بود که هر روز چهارده شتر وار برف به شراب خانه سلطان بردندی و از آن جا پیشتر امرا و خواص را راتب ها بودی و اگر مردم شهر جهت رنجوران طلبیدندی هم بدادندی و همچنین هر مشروب و ادویه که کسی را در شهر بایستی از حرم بخواستندی بدادندی. و همچنین روغن های دیگر چون روغن بلسان و غیره چندان که این اشیای مذکور خواستندی بدادندی.^۱

طوری که هنر چوب بری و کنده کاری با نقش مایه های نباتی اسلیمی، در مصر عصر فاطمی احیا شد در کنار تصاویر حیوانی و نباتی، تزئین کاری با خط کوفی نیز متداول بوده است.^۲

اوضاع دینی

فاطمیان از مساجد و مدارس و کتاب خانه ها برای گسترش عقاید دینی خود بهره می گرفتند. المعز جماعه الازهر را در سال ۳۹۵ ق افتتاح کرد، با این هدف که علوم دینی را گسترش دهد.^۳ آنان برای برآورده کردن هدف تحقیق و پژوهش، مساجد را به کار می گرفتند از این رو مساجد را به بهترین وجه می ساختند و برای اداره و تأمین مساجد زمین ها و اماکن را به عنوان وقف می دادند.

^۱ محسن خادم (۱۳۸۲ خ) سفرنامه ناصر خسرو، صص ۱۷۵ و ۱۷۶

^۲ فاطمه جان احمدی، (۱۳۸۸) تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، صص ۲۰۶

^۳ نور الله کسائی (۱۳۶۳) مدارس نظامیه و تأثیرات اجتماعی آن، تهران: امیر کبیر، صص ۳۳

هر ساله سه روز تا پایان ماه رمضان گروه بازرس به مساجد و زیارتگاه ها و اماکن مقدس سرکشی می کردند و در صورت نیاز آن اماکن به حصیر و قندیل و باز سازی بناء، آن را در دفاتر مخصوص ثبت می کردند.^۱ مساجد زیبا علاوه بر نشان دادن معماری و فرهنگ و هنر اسلامی می تواند نشان دهنده تدابیر سلاطین و نحو حکومت داری، نوع رسیدگی شان به اماکن مذهبی باشد.

^۱ کالن مک ای یو دی (۱۳۶۵) اطلس تاریخی جهان از آغاز تا امروز، ترجمه: فریدون فاطمی، تهران: نشر مرکز،

نتیجه گیری

با بررسی و تحلیل سیمای عرب در سفرنامه ما شاهد توصیفات و دیدگاه نیکو ناصر خسرو به سرزمین عرب هستیم. حکیم ناصر خسرو توانسته سیما و چهره عرب را به وجه احسن به تصویر بکشد که باعث آگاهی و شناخت فرهنگ یک کشور از کشور دیگر می شود. علاوه بر آن تصویری که ناصر خسرو از سرزمین عرب در سفرنامه خود ارائه کرده به نیکی، زیبایی، تعریف و تمجید کرده که این توصیفات نمایانگر ذوق و علاقه ناصر خسرو را به بلاد عرب نشان می دهد.

از تصویر و توصیفات که ناصر خسرو از کشور های عرب در سفرنامه خود ارائه داده است بیش از دیگر امور برجستگی دارد. علاوه بر توصیفات از بلاد عرب و دید او به سرزمین عرب آگاهی های فراوانی در باره آداب، عادات، رسوم عقاید، طرز لباس، خوراک و پوشاک عرب ارائه داده، در اختیار خواننده گذاشته که به عنوان منبع با اهمیت به شمار می رود. به ویژه ما را با سرزمین عرب به وسیله سفرنامه اش آشنا کرده همچنین با بررسی و تحلیل سفرنامه ناصر خسرو و دید او به عرب به این نتیجه رسیدیم که ناصر خسرو از سرزمین عرب و کشور های عرب و اماکن مقدس و زیارتی عرب از عمارت های عرب توصیف تحسین آمیز داشته است. نظر به توصیفات که ناصر خسرو در سفرنامه اش از شهر ها، جاها و اماکن مذهبی و زیارتی و مردم عرب در سفرنامه اش آورده مانند: صفت مصر و ولایات اش، صفت شهر مکه، صفت عرب و یمن، صفت مسجد الحرام و بیت کعبه، صفت در مسجد الحرام، صفت اندرون کعبه، صفت گشودن

در کعبه، صفت جبل الرحمه، صفت لحسا، صفت مد جذر بصره و جوی های آن و صفت اعمال بصره را آورده است همچنین ناصر خسرو از مسیر سفر خود از بلاد عرب توصیف های بسیار دقیق به دست داده است مانند: از شرایط اقلیمی، اقتصادی، اجتماعی، شرح فراورده های زرعی و صنعتی مناطق مختلف، توصیف ابنیه و وصف بناهای باستانی را که در مسیر سفرش دیده با اطلاعات مفصل و روشن در سفرنامه خود بیان کرده است که باعث آشنایی بیشتر از سرزمین عرب می شود. همچنین سفرنامه از لحاظ جغرفیایی، تاریخی و از جهت آشنایی به اوضاع و احوال جامعه ها و مراکز مهم تمدن اسلامی در روزگار ناصر خسرو جامع مزایایی فراوانی است و اطلاعات فراوان و ارزنده به دست ما در مورد می دهد. ناصر خسرو به وسیله سفرنامه اش به وصف عمارات و ابنیه و مساجد و اماکن مذهبی زیارتی در سفرنامه خود پرداخته است. ضمناً در سفرنامه اش از شهر ها و مناطق نام برده نخست به توضیح و موقع و موضوع جغرفیایی آنان پرداخته آن را وصف نموده است که یکی از خواندنی ترین و دلپذیر ترین بخش های سفرنامه شمرده می شود. تعریف ها و توصیف های دلچسپ بس زنده و گویا است که ناصر خسرو از هر شهر و قصبه عرب ارایه داده است.

افزون بر این توانایی و هنرنمایی شگفت انگیز ناصر خسرو در مقام نویسندگی بیش از هر موقع هنگام تعریف و تمجید و توصیف بناها و اماکن زیارتی و مذهبی بلاد عرب آشکار می شود. وی همانند نقاش کار آزموده و باستان شناس خبره، ویژگی های معماری، ساختمانهای باستانی و زیارتی و مذهبی شهر ها و نقاط مورد بازدید اش را با تمام جزئیات و ریزه کاری های آن وصف نموده است علاوه بر آن از

بررسی ملل و نحل و توجه به آداب و رسوم اقوام مختلف، از زمره موضوعاتی است که از نظر ناصر خسرو مغفول نمانده و در چندین جای سفرنامه اش انعکاش یافته است که باعث شناخت بیشتر یک ملت از ملت دیگر می شود.

ناصر خسرو در سفرنامه خود از محصولات متنوع سرزمین عرب نیز سخن به میان آورده، . در حقیقت او خواسته خوب تر و بهتر مردم را تشویق کند تا به بلاد عرب سفر نمایند. تا توانسته توصیفات زیبا آورده است که باعث تشویق و ترغیب دیگران شود تا بدان جاها و شهرها سفر کنند و سفرهای داشته باشند. ضمناً او از عادات، رسوم، مردم مختلف، نوع خوراک، پوشاک، عقاید آن جا، از راست گویی و صداقت مردم مصر، ساختمان های زیارتی و مذهبی، از اقتصاد پر رونق مصر توصیفات در سفرنامه خود آورده است. از طرز معیشت مردم و مسایل اقتصادی آن ها، از واردات، صادرات شهرها، وزن و قیمت اجناس و میزان مخارج مختلف زندگانی در جاه های مختلف نیز آگاهی های می دهد و اگر کسی بخواهد به سرزمین عرب سفر کند یا قصد سفر به این شهرها را داشته باشد یک منبع اطلاعات مهم عمومی را به مردم ارزه کرده تا موقع سفر به این شهرها به مشکلی سر نخورده و بتوانند به راحتی سفر کنند. علاوه بر این از کرایه دکان های قاهره صحبت کرده که از دو دینار تا ده دینار مغربی است. از میزان اجاره ماهانه اسکان به قیمت پانزده دینار و اجاره کاروان سراها هر سال بیست هزار دینار و از بهای یک درم سنگ ریسمان در مصر سه درم مغربی است یاد کرده، برای ما از بها و قیمت اسکان آگاهی داده است و این بها، بهای مناسب معامله اسکان گیری دکان ها کاروان سراها و قیمت اجناس است که در شهر

عرب معامله می شد. همچنین در دیگر جای از سفرنامه خود از قیمت اجناس فراوان و اندک و نرخ آن ها در بازار مصر به ما آگاهی داده است که در آن وقت اهل شهر مصر توانگر بوده وضع اقتصادی خوبی داشته، همچنین از امنیت، فراغت مردم که بدان شهر بود که بزازان، سرافان و جوهریان در دکان ها نمی بستند و بیانگر امنیت مصر و رفاه اجتماعی عرب را به ما در آن زمان نشان می دهد. اطلاعات قابل ملاحظه دیگر در سفرنامه ناصر خسرو به صورت منبع سودبخش در توصیف معیشت و اقتصاد سرزمین و بلاد عرب آورده است. از طرز معیشت مردم و مسایل اقتصاد آن ها، از واردات و صادرات شهر ها، قیمت اجناس و میزان مخارج مختلف زندگانی در جاه های مختلف نیز آگاهی های می دهد و اگر کسی بخواهد آن جا سفر کند یا قصد سفر به این شهر ها را داشته باشد یک منبع اطلاعات عمومی را به مردم قبل از سفر ارزه می کند تا موقع سفر به کشورهای عربی به مشکلی سر نخورده و مردم بتوانند به این شهر ها به راحتی سفر کنند که از جمله دیگر مزایا و خصوصیات سفرنامه ناصر خسرو از کشورهای عربی است.

آنچه ناصر خسرو از توصیف مصنوعات مختلف سرزمین و مردم عرب به قلم آورده است بسیار خواندنی و بدیع است. او به ما نشان داد در هر شهر مردم به چه کار های سرگرم بودند، پیشه و صنعت شان چه بود؟ این توجه و توصیفات ناصر خسرو به نوع کیفیت محصولات و مصنوعات هر شهر و ذکر آن ها بر فواید اقتصاد سفرنامه اش افزوده است. علاوه بر آن امروز که تعصب میان ایران و عرب شدت گرفته، با توجه به یافته های خودم اثری از آن در نوشته های ناصر خسرو دیده نمی شود بخش زیاد از

سفرنامه ناصر خسرو در باره وصف شهر های عرب است که باعث آگاهی و شناخت فرهنگ یک کشور از کشور دیگر می شود.

فهرست منابع

- آباذر نصر اصفهانی (۱۳۹۲خ) سفرنامه ها و خاطرات حج ایرانیان، کتابشناسی موضوعی فهرست

واره

- ابو زید ابن خلدون و عبد الرحمن بن احمد (۱۳۶۶) العبر، ج ۳، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، تهران:

موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی

- احمدی فاطمه جان (۱۳۸۸) تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی، ج ۳، قم: دفتر نشر معارف ای یو دی

کالن مک (۱۳۶۵) اطلس تاریخی جهان از آغاز تا امروز، ترجمه: فریدون فاطمی، تهران: نشر

مرکز

- آخوند سلیمان و سید شاه فطور (۱۹۷۳م) تاریخ بدخشان، مسکو: آکادمی علوم جمهوری شوروی

سوسیالیستی تاجکستان

- بلخی حکیم ناصر بن خسرو قبادیانی (۱۳۷۰) سفرنامه ناصر خسرو، به کوشش نادر وزینپور، کابل:

مطبعه دولتی، ریاست نشرات وزارت اطلاعات و کلتور

- تام عارف (۱۳۷۷ش/خ) اسماعیلیه و قرامطه، ت حمیرا زمردی، ج ۱، تهران: نیل

- چلنگر محمد علی (۱۳۸۵خ) زمینه های پیدایش خلافت فاطمیان، ج ۲، قم: پژوهشگاه حمزه و دانشگاه

- خیر آبادی محمد نبی و مهیار علوی مقدم (۱۳۹۵) بررسی فرایند واژه سازی در زادالمسافر ناصر خسرو، اصفهان: دانشگاه اصفهان

- دانش پژوه منوچهر (۱۳۸۰) سفرنامه تا پخته شود خامی، تهران: نشر ثالث
- رضا محمد و رقیه ابراهیمی شهر آباد (۱۳۹۳خ) از قبادیان تا یمگان، شرح سی قصیده ناصر خسرو، ج ۲، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی

- سیاقی دبیر (۱۳۵۵خ) سفرنامه حکیم ناصر خسرو قبادیانی مروزی، تهران
- شکبیا پروین (۱۳۷۰خ) شاعر فارسی از آغاز تا امروز، تهران: هیرمند
- صفا ذبیح الله (۱۳۷۴خ) تاریخ ادبیات ایران، ج ۱۰، تهران: دیبا
- صفا ذبیح الله (۱۳۵۳خ) گنجینه سخن، ج ۲، تهران
- طرزی عبدالوهاب (۱۳۵۵) ناصر خسرو بلخی حکیم و شاعر قرن پنجم هجری افغانستان، کابل:

بیہقی

- غلام حسین یوسفی (۱۳۷۰) دیداری با اهل قلم، ج ۳، تهران: انتشارات علمی تهران
- قبادیانی ناصر خسرو (۱۳۴۸ش) وجه دین، تهران: کتابخانه طهوری

- قبادیانی ناصر خسرو (۱۳۸۵ش) زاد المسافرین ، تهران: انتشارات اساطیر
- قبادیانی ناصر خسرو ، (۱۳۳۸) خوان الاخوان، تهران: کتابخانه بارانی
- کسائی نور الله (۱۳۶۳) مدارس نظامیه و تأثیرات اجتماعی آن، تهران: امیر کبیر
- گیلانی احمد سمیعی (۱۳۸۰خ) نگارش ویرایش، تهران: سمت
- محسن خادم (۱۳۸۲خ) سفرنامه، تهران: ققنوس
- محسنی مرتضی و اتنا ریحانی (۱۳۹۴) تناقضات اندیشه های ناصر خسرو در دیوان اشعار، تهران.
- محقق مهدی و مجتبی مینوی (۱۳۷۰خ) دیوان ناصر خسرو، ج ۷، تهران: دانشگاه تهران.
- معین محمد دکتر ، کورین، هنری (۱۹۵۲م)) جامع الحکمتین ابو معین ناصر خسرو به تصحیح مقدمه، فارسی و فرانسوی، تهران: دانشگاه تهران
- نادری مرتضی (۱۳۸۹) دانای یمگان، مروری به زندگی ناصر خسرو قبادیانی، تهران: کتابخانه ملی ایران، همشری
- وزین پور نادر (۱۳۷۰ش) حکیم ناصر خسرو قبادیانی بلخی ، کابل مطبعی دولتی
- یوسفی محمد رضا (۱۴۳۵ق) از قبادیان تا یمگان شرح سی قصیده ناصر خسرو (با تکیه به تلمیحات و آیات و احایث به انضمام متکن کامل سفرنامه، نارنجستان: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، رقبه ابراهیمی شهرآباد

- Oxford University (1948) The Rise of Fatimids / عروج فاطمیان. London. book

تحقیق

- بهارلو محمد (۱۳۹۳) بررسی و تحلیل درونمایه ها و مضامین اصلی قصاید ناصر خسرو
با توجه به آثار منشور وی، پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی
- رحمتی محسن و نجمیه گراوند (۱۳۹۲) تأثیر سلجوقیان بر اوضاع تجاری بازرگانی نیشاپور،
فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام، س ۱۴، ش ۳، پاییز
- قهی زهره چاچه یی (۱۳۸۹) بررسی وصول جهان بینی ناصر قبادیانی، دانشگاه تهران،
دانشگاه الهیات و معارف اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته فلسفه و کلام اسلامی
- مهر زهره رحیمی و دکتر زهرا دری (۱۳۹۵ خ/ش) بررسی تطبیقی دو سفرنامه حج، تحقیق
کارشناسی، تهران

مقاله ها

- احمد ابو الجود احمد السعید محمد (۱۳۹۴) وصف مصر در کتاب سفرنامه ناصر خسرو،
مجموعه مقالات همایش ناصر خسرو قبادیانی
- بدخشی، عبدالله (۱۳۸۱ خ) ((مجله کابل، شماره ۱۰۱

- تقی زاده سید حسن ، (۱۳۰۵)، زندگی نامه ناصر خسرو قبادیانی، برلین، ش ۳۰
 - حسینی شکوه السادات (۱۳۹۴) سه سفر نامه، سه دیدگاه ناصر خسرو، ابن بطوطه، برادران امیدوار، همایش حکیم ناصر خسرو قبادیانی تهران
 - خان جان علی رضا (۱۳۸۹) گذری به آرای ناصر خسرو در باب زبان، اصفهان: دانشگاه اصفهان،
 - خان فاطمه و محمدی الناز عالی (۱۳۹۳) خ مطالعات ادبیات تطبیقی ، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، سال هشتم ، شماره ۳۲ مقاله سرفرازی دکتر عباس ، انعکاس نام خلیج فارس در سفرنامه های اروپایان ، دانشگاه فردوسی مشهد ، مجموعه مقالات یازدهمین همایش ملی علمی - فرهنگی خلیج فارس
 - خوانلو ناصر کاظم و مریم خطکار (۱۳۹۴) بازتاب جلوه های انسان سالاری از دیدگاه ناصر خسرو، مقاله تهران: دانشگاه بهشتی
 - دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، به سرپرستی حسن انوشه ج ۱
 - رون مهسا (۱۳۸۴) ناصر خسرو شاعر متعهد نگرشی به اشعار ناصر خسرو از منظر جامعه شناسی ادبیات، ش ۴۴-۴۵، پاییز، مرکز تحقیقات کمپیوتری علوم اسلامی؛ مقاله،
 - سبک شناسی سفرنامه و زاد المسافرین، مجله فرهنگ جمعه، شماره ۳۲۰۰، سال ۱۳،
- ۱۳۹۴
- صادق محمد و دفتینجد (۱۳۹۴) کنکاشی در سفرنامه ناصر خسرو از منظر قوم نگاری،
 - چکیده مقالات همایش حکیم ناصر خسرو قبادیانی

- ظهرا بی فاطمه (۱۳۹۴) تحلیل انتقادی گفتمان سفرنامه های مکه ناصر خسرو و سیف الدوله، مجموعه مقالات همایش ناصر خسرو قبادیانی، تهران
 - کویر محمود (۱۳۸۶) ناصر خسرو، آفتاب
 - گلدار فاطمه (۱۳۹۴) سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی در مقام منبعی برای واژگان تاریخ معماری ایران، بررسی موریدی واژگان مرتبط با مفهوم مقام، مقاله
 - ملک‌شاه احمد غنپور (۱۳۸۹) نگاه به سبک شناسی زاد المسافرین حکیم ناصر خسرو قبادیانی، مازندران: دانشگاه مازندران، فصلنامه تخصصی سبک شناسی، نظم و نثر فارسی،
- س ۳، ش ۳
- نور اف نور علی نورزاد (۱۳۹۴) سفرنامه ناصر خسرو و تحول سنت های سفرنامه نویسی در ادبیات فارسی، فرار ودان، تهران: مجموعه مقالات همایش ناصر خسرو قبادیانی
 - ولایتی علی اکبر (۱۳۹۴) مجموعه مقالات همایش حکیم ناصر خسرو قبادیانی، دانشگاه شهید بهشتی، ناصر خسرو و سیر افاق و الفاظ، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
 - یوسفی صفر، سیاست اقتصادی در دوره نخست غزنوی، عضو هیئت علمی گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور،
 - یوسفی غلام حسین (۱۳۴۹) مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، مشهد
- http://www.aftabir.com/articles/view/art_culture/literatureverse/c5c1200140636p1.php

روزنامه ها

- درخشان مهدی (۱۳۵۰خ) سبک نثر ناصر خسرو در سفرنامه، مندرج یادنامه ناصر
- کتابی احمد، (۱۳۹۵) درنگی در نثر روان، شیوا و بی پیرایه حکیم ناصر خسرو قبادیانی، بخش اول روزنامه اطلاعات، تهران، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، پژوهش های اسلامی و ایرانی

- جنیدی ارستو، (۱۳۹۶) سفرنامه ناصر خسرو، قسمت اول، تهران: صدای جمهوری اسلامی ایران، صدای آیین ها و هنرها، رادیو فرهنگ

- <http://radiofarhang.ir/channelnewsdetails/?m=060001&n=187685>
- <https://www.cgie.org.ir/fa/news/155156>

دایرة المعارف

- بجنوردی موسوی، کاظم (۱۳۷۷خ) دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ج ۸، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی
- انوشه حسن، سفرنامه دانشنامه اسلامی ادب فارسی در آسیای مرکزی، جلد ۱



